

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده اصول دین واحد قم

گروه فقه و حقوق اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد

سبک زندگی اسلامی و ارتباط آن با پیشگیری از جرم

استاد راهنما: حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمود یوسف‌وند

دانشجو: نرجس لب خنده

تابستان ۱۳۹۴

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE
غیر دولتی - غیر انتفاعی

کلیه اصول الدین — قم

قسم الفقه و القوانين الإسلامية

رسالة الماجستير

سلوک المعیش الاسلامیة و ارتباطها مع المقابلة من الاجناء

الاستاذ المشرف: حجت الاسلام والمسلمين الدكتور محمود يوسف وند

اعداد: نرجس لب خنده

الصيف - سنة - ١٤٣٦ - ذی القعدة

تقديم به محضر

امام حاضر

او كه مي بيند اما ديده نمي شود

به اميد تأييد

با تقدیر از:

- نازنین پدری که دستان کوشایش، دستاویز حیات منند.
- مهربان مادری که در مهد آغوشش آرمیده‌ام.
- استاد صبور و شایسته؛ جناب آقای دکتر محمود یوسف‌وند که در کمال سعه‌ی صدر و با حسن خلق و فروتنی، زحمت راهنمایی این رساله را برعهده گرفتند.
- استاد فرزانه و دلسوز؛ جناب آقای دکتر رصافی مدیریت محترم گروه که زحمت داوری این رساله را متقبل شدند.
- دوستانی که با من در این مسیر رفاقت کردند.
- و نویسندگان و پژوهندگانی که حاصل قلم‌فرسایی‌شان را زیر و رو کردم.

چکیده

این پژوهش با نام «سبک زندگی اسلامی و ارتباط آن در پیشگیری از جرم» پرداخته نوین، قرآن پژوهانه و استدلال محور از اثرات عمل به آداب زندگی اسلامی در ارتباط با پیشگیری از جرم می‌باشد و چنانچه مشخص است هدف آن، رسیدن به راهکارهایی برتر برای پیشگیری از وقوع جرایم پیدا و پنهان در جامعه است. تکیه‌ی اصلی این نوشتار بر قرآن و نیز روایات معصومین (علیهم السلام) که در واقع تفسیر عملی این کتاب آسمانی هستند می‌باشد اما از ابتدا تا انجام این مسیر، از آثار فقهی، حقوقی و پژوهشی بسیاری از نویسندگان قدیم و جدید نیز استفاده شده است. حاصل این استفاده در چهار فصل سامان یافته است که فصل اول به کلیاتی چون اهمیت و پیشینه‌ی موضوع، سوالات اصلی و فرعی، فرضیات، روش‌ها و تبیین مفهوم واژگان و اصطلاحات می‌پردازد، فصل دوم بر فرهنگ دینی و مؤلفه‌های سبک زندگی، تهاجم فرهنگی و آسیب شناسی فرهنگی در سبک زندگی ایرانی مشتمل است، فصل سوم از انواع جرم و عناصر تشکیل دهنده‌ی آن، اقسام جرایم و مجازات‌ها، نقش جهل، علم، اراده، غفلت و طلاق در ارتکاب جرم و نیز رابطه‌ی حیا و حجاب با ارتکاب جرم سخن می‌گوید و واپسین فصل که در چهار بخش تنظیم شده است ارتباط بین سبک زندگی و جرم را بررسی می‌کند و با استناد به آیات و روایات به بیان عوامل بازدارنده در جرم نظیر امر به معروف و نهی از منکر و ازدواج و تهذیب نفس و ... و همچنین به بررسی دو نهاد مهم (خانواده و حکومت) در پیشگیری از جرایم و مفاسد فردی و اجتماعی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: بازدارندگی، پیشگیری از جرم، سبک زندگی اسلامی، گناه، مجازات.

فهرست مطالب

مقدمه.....	۱
فصل اول: کلیات.....	۲
۱.۱ اصول کلی تحقیق.....	۳
۱.۱.۱ معرفی موضوع.....	۳
۲.۱.۱ بیان اهمیت موضوع.....	۳
۳.۱.۱ پیشینه‌ی تحقیق.....	۴
۴.۱.۱ سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق.....	۵
۵.۱.۱ فرضیه‌ها و نظریه‌های بدوی تحقیق.....	۵
۶.۱.۱ روش تحقیق.....	۵
۷.۱.۱ محدودیت‌های پژوهش.....	۶
۲.۱ تبیین واژگان و اصطلاحات موضوع.....	۷
۱.۲.۱ معنا و مفهوم سبک زندگی.....	۷
(۱) معنای لغوی.....	۷
(۲) معنای اصطلاحی.....	۷
۲.۲.۱ معنا و مفهوم پیشگیری.....	۷
(۱) معنای لغوی.....	۷
(۲) معنای اصطلاحی.....	۷
۳.۲.۱ معنا و مفهوم جرم.....	۸
(۱) معنای لغوی.....	۸
(۲) معنای اصطلاحی.....	۸
۴.۲.۱ معنا و مفهوم گناه.....	۸
(۱) معنای لغوی.....	۸

۹	۲) معنای اصطلاحی.....
۱۱	۴.۲.۱. رابطه ی جرم و گناه.....
۱۲	فصل دوم: فرهنگ دینی؛ سبک زندگی و مؤلفه‌های آن.....
۱۳	۱.۲ سبک زندگی.....
۱۳	۱.۱.۲ اهمیت سبک زندگی.....
۱۴	۲.۱.۲ ویژگی‌های سبک زندگی.....
۱۵	۳.۱.۲ مؤلفه‌های سبک زندگی.....
۱۷	۴.۱.۲ سبک زندگی؛ محصول باورها و ارزش‌ها.....
۱۹	۲.۲ فرهنگ و سبک زندگی.....
۱۹	۱.۲.۲ فرهنگ دینی.....
۲۱	۲.۲.۲ تهاجم فرهنگی و علل آن.....
۲۲	۱.۲.۲.۲ اهداف و شاخصه‌های تهاجم فرهنگی.....
۲۳	۲.۲.۲.۲ شیوه‌های تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن.....
۲۴	۳.۲.۲ آسیب شناسی فرهنگی در سبک زندگی ایرانی.....
۲۸	فصل سوم: انواع و عوامل جرم.....
۲۹	۱.۳ معرفی جرم.....
۳۰	۱.۱.۳ جرم از دیدگاه‌های مختلف.....
۳۰	۱.۱.۱.۳ دیدگاه قرآنی.....
۳۰	۲.۱.۱.۳ دیدگاه اسلام.....
۳۱	۳.۱.۱.۳ دیدگاه فقها.....
۳۱	۴.۱.۱.۳ دیدگاه حقوق‌دانان مسلمان.....
۳۲	۵.۱.۱.۳ دیدگاه مذهب‌یون.....
۳۲	۲.۱.۳ عناصر تشکیل دهنده ی جرم.....

۳۴	۳.۱.۳ تقسیم جرایم ومجازات‌ها.....
۳۴	۱.۳.۱.۳ اقسام جرایم.....
۳۶	۲.۳.۱.۳ تقسیم مجازات‌ها.....
۳۷	۱.۲.۳.۱.۳ حدود؛ تاریخچه و مبانی دینی اجرای آن.....
۳۹	۲.۲.۳.۱.۳ تعزیرات.....
۴۰	۱.۲.۲.۳.۱.۳ ویژگی‌های تعزیر.....
۴۲	۲.۳ عوامل ارتکاب جرم.....
۴۲	۱.۲.۳ نقش جهالت در ارتکاب جرم.....
۴۳	۱.۱.۲.۳ آثار جهل در قرآن کریم.....
۴۹	۲.۱.۲.۳ رابطه‌ی جرم با علم.....
۵۰	۳.۱.۲.۳ رابطه‌ی جرم با اراده.....
۵۰	۴.۱.۲.۳ نقش غفلت و پیروی از هوی و هوس در ارتکاب جرم.....
۵۱	۲.۲.۳ نقش بدحجابی در ارتکاب جرم.....
۵۲	۱.۲.۲.۳ حیاء و عفت زن و مرد.....
۵۲	۲.۲.۲.۳ ابعاد حجاب و آثار اجتماعی آن.....
۵۳	۳.۲.۲.۳ رابطه‌ی نگاه و حجاب.....
۵۴	۴.۲.۲.۳ راه‌های مبارزه با بدحجابی.....
۵۶	۳.۲.۳ نقش طلاق در ارتکاب جرم.....
۵۷	۱.۳.۲.۳ علل و عوارض طلاق.....
۵۸	۴.۲.۳ تأثیر رسانه‌ها در ارتکاب جرم.....
۵۹	۱.۴.۲.۳ اهداف رسانه‌ها.....
۶۰	فصل چهارم: ارتباط سبک زندگی و جرم.....
۶۱	۱.۴ پیشگیری از جرم.....

۱.۱.۴	انواع پیشگیری از جرم	۶۱
۲.۱.۴	سطوح پیشگیری	۶۶
۳.۱.۴	ضمانت‌های اجرایی پیشگیری از جرم	۶۷
۴.۱.۴	مصلحت‌های اجرای مجازات	۶۷
۲.۴	عوامل بازدارنده‌ی جرایم	۶۹
۱.۲.۴	بازدارندگی بواسطه‌ی جهان‌بینی توحیدی و اندیشه‌ی خدامحور	۶۹
۲.۲.۴	بازدارندگی به واسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر	۷۱
۱.۲.۲.۴	تعریف امر به معروف و نهی از منکر	۷۲
۲.۲.۲.۴	آیات و روایات	۷۲
۳.۲.۴	نقش ازدواج در بازدارندگی از جرم	۷۵
۴.۲.۴	بازدارندگی به واسطه‌ی تهذیب نفس و توبه	۷۶
۱.۴.۲.۴	تهذیب و تزکیه	۷۶
۲.۴.۲.۴	توبه	۷۷
۱.۲.۴.۲.۴	توبه‌ی مجرم در قرآن کریم	۷۷
۲.۲.۴.۲.۴	توبه‌ی مجرم در روایات	۷۹
۳.۲.۴.۲.۴	توبه‌ی مجرم در اقوال فقها	۷۹
۴.۲.۴.۲.۴	فرق میان استغفار و توبه	۸۰
۳.۴	نهادهای مؤثر در پیشگیری از جرم	۸۱
۱.۳.۴	نقش خانواده در پیشگیری از جرم	۸۱
۱.۱.۳.۴	تربیت خانوادگی و تأثیر آن در کاهش جرم	۸۲
۲.۱.۳.۴	خشونت خانوادگی در ارتکاب جرم	۸۳
۳.۱.۳.۴	راهکارهای پیشگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافات در خانواده	۸۴
۱.۳.۱.۳.۴	اهتمام زوجین به وظایف مختص و مشترک	۸۴

۸۴ ۲.۳.۱.۳.۴ محبت در خانواده
۸۵ ۳.۳.۱.۳.۴ توجه والدین به مسائل جنسی فرزندان
۸۶ ۴.۳.۱.۳.۴ توجه به مراقبت‌های والدین در رابطه با فرزندان
۸۷ ۵.۳.۱.۳.۴ توجه به ارزش‌های اسلامی
۸۸ ۲.۳.۴ نقش حکومت در پیشگیری از جرم
۸۸ ۱.۲.۳.۴ معنای حکومت
۸۸ ۲.۲.۳.۴ حکومت دینی؛ مراتب و ارکان آن
۹۱ ۳.۲.۳.۴ اهداف حکومت اسلامی
۹۲ ۴.۲.۳.۴ دلایل ضرورت تشکیل حکومت
۹۵ ۵.۲.۳.۴ تفاوت حکومت اسلامی با حکومت غیر اسلامی
۹۷ ۴.۴ آموزه‌های دینی در پیشگیری از جرم
۹۸ ۱.۴.۴ آموزه‌های قرآنی
۱۰۲ ۲.۴.۴ آموزه‌های روایی
۱۰۲ ۱.۲.۴.۴ مؤلفه‌های شخصیت مجرمین
۱۰۷ ۲.۲.۴.۴ مؤلفه‌های شخصیت مؤمنین
۱۰۹ ۳.۲.۴.۴ موجبات خیر و خوبی در روایات
۱۱۱ نتیجه‌گیری
۱۱۴ منابع و مآخذ

جرايم و ناهنجاری‌ها در جامعه و راهکارهای مبارزه با آنها موضوع مورد سعی پژوهشگران و کارشناسان و ارگان‌های مجری امنیت در همه‌ی اجتماعات بشری است. مسئله‌ای که علاوه بر فکر و زمان، هزینه‌ی بسیاری بر جوامع تحمیل می‌کند اما شاید به دلیل یکسان بودن فطرت انسان‌ها و نوع تأثیرپذیری این فطرت از محیط، اندیشیدن در موضوع «مبارزه با جرم» راهکاری جهانی بخواند. برترین راهکار، طرح پیشنهادی است که از دل تعالیم راستین ادیان آسمانی و خصوصاً اسلام برمی‌خیزد که این طرح کم‌هزینه‌ترین راه مبارزه با جرم است و آن عبارتست از «پیشگیری». جدای از اتفاق نظر همگان بر این سیاست جنایی اسلام یعنی «پیشگیری» باید دید محورهای پیشگیری از جرم در این شریعت آسمانی بر چه استوار است. با وجود القای باور نادرستی که می‌کوشد اسلام را دستورالعملی صرفاً فردی و اخروی به جهان بشناساند اما این شریعت دستورالعملی است دنیوی که نتیجه‌ی درست عمل کردن به آن علاوه بر آسایش و آرامش در این دنیا، لذت تام و تمام پیروان آن در جهان آخرت را نیز به دنبال دارد. آخرت در تعالیم اسلام افقی است والاتر که امید بشر را برای رسیدن به ملکوتی‌ترین نعمات خداوند رحمان در حد کمال باقی نگاه می‌دارد. این اعتقاد دغدغه‌ی دیرینی است که در این سال‌ها تحت عنوان نوین «سبک زندگی اسلامی» مطرح شده است. سبکی از زندگی که تعریفش زندگی بر اساس حیات انسان‌های کامل است که جز در مسیر صحیح گام برنداشته‌اند و جز به رضایت پروردگار نیندیشیده‌اند. این نوع زندگی کردن برای انسان معاصر هر روز تازه‌تر می‌شود و این تازگی و طراوت بی‌شک معجزه‌ی قرآن است که در تفسیر فقهی‌اش؛ هم برای بزرگ‌ترین اجتماعات انسانی و هم برای خصوصی‌ترین و جزئی‌ترین حالات انسان برنامه‌ای موجود است و هیچ‌گاه زندگی انسان را خالی از معنویت رها نکرده است و این به آن معناست که در تمام لحظات و شئون فردی و اجتماعی انسان باید مداومت بر درک حضور نیرویی معنوی یعنی «یاد خدا» جاری باشد و وقتی این چنین باشد جامعه از بسیاری جرائم پیدا و پنهان مصون خواهد ماند. مسلماً وقتی از «سبک زندگی اسلامی» سخن می‌گوییم هم جنبه‌ی فردی و هم جنبه‌ی اجتماعی آن را در نظر داریم و نمی‌توان تنها افراد را تک به تک مسئول حفظ امنیت جامعه دانست بلکه باید در حوزه‌ی اجتماع تمهیداتی برای پیشگیری از مقدمات جرم در جامعه اندیشید.

این پژوهش درآمدی بر بایدهای یک جامعه‌ی سالم دینی است به این معنا که اثبات می‌کند سبک زندگی اسلامی با نسخه‌ای که برای حیات سعادت‌مندانیه بشر ارائه می‌دهد فارغ از وجه دینی آن به دلیل انسانی و عادلانه بودن آموزه‌هایش، ساده‌ترین و کم‌هزینه‌ترین سبک برای کاهش جرايم و جرايم در همه‌ی جوامع دنیا است.

فصل اول

کلیات

۱.۱ اصول کلی تحقیق

ارائه‌ی گزارشی کامل از کلیات، بایسته‌ی هر پژوهش هدفمندی است. از این رو پیش از ورود به فصل‌های تحقیق به بیان اصول آن می‌پردازیم.

۱.۱.۱ معرفی موضوع

کاهش و افزایش جرایم در جوامع مختلف متأثر از سبک زندگی افراد است. سبک زندگی اسلامی کمک می‌کند تا بتوانیم در رابطه با جرایم، کاهش چشم‌گیری را داشته باشیم و بی‌توجهی به آن نیز باعث ازدیاد جرایم می‌شود. رویکرد دین مبین اسلام در مبارزه با ارتکاب جرایم از آغاز پیشگیرانه بوده و از طریق سبک زندگی توانسته است به مبارزه با جرایم برخیزد.

سطح جرایم در جوامع مختلف متأثر از سبک زندگی افراد و روابط آن‌ها است. روابط اجتماعی انسان‌ها در نظام اسلامی در چهارچوب حقوق و تکالیف خاصی تعریف می‌گردد که این نظم در نهایت به رضایت حق تعالی راه پیدا کرده و به کاهش جرایم می‌انجامد. بنابراین به دلیل اهمیت شیوه‌ی زندگی صحیح، به موضوع سبک زندگی اسلامی پرداخته خواهد شد. ما به عنوان پیروان و شیعیان اسلام معتقدیم که دین اسلام کامل و سعادت‌بخش دنیا و آخرت است و با الگوگیری از سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام می‌توان به سبک زندگی درست رسید و از جرم و گناه جلوگیری نمود.

به همین جهت ارتباط سبک زندگی اسلامی با پیشگیری از جرم را به عنوان موضوع تحقیق انتخاب نمودم زیرا مادامی که سبک زندگی ما اسلامی نشده است، جرم و جنایت همچنان وجود خواهد داشت. گفتنی است که تعیین دقیق سبک زندگی از نگاه اسلام در تمام عرصه‌ها و در جزئی‌ترین زوایای زندگی، فراتر از توان یک فرد است و به تحقیقات گسترده و به تدوین چندین جلد کتاب نیازمند است. بنابراین پژوهش حاضر تنها به عنوان درآمدی بر این موضوع محسوب می‌شود که به کلیات می‌پردازد.

۲.۱.۱ بیان اهمیت موضوع

هر فردی زمانی که به آمار جرم و جنایت می‌نگرد احساس مسئولیت می‌کند، بررسی آمار جرم و جنایت اهمیت پرداختن به این موضوع و معضل اجتماعی را افزون می‌سازد تا جایی که حقوق‌دانان، محققان و فقیهان را واداشته تا در رابطه با ارتکاب جرم و راه‌های جلوگیری از آن بیان‌دیشند و قلم فرسایی نمایند. تحقیقات دانشمندان سبب شده که علوم متعددی نظیر حقوق جزا، جرم‌شناسی، جرم

یابی، پلیس علمی و پزشکی قانونی در رابطه با پیشگیری از جرم و جنایت به وجود آید که بسیاری از محققان غربی نیز در این زمینه به ارائه دیدگاه‌هایی پرداخته‌اند. دین مبین اسلام نیز راهکارهای بسیاری برای غلبه با جرم و جنایت و معاصی تبیین کرده است که البته در بسیاری موارد مورد غفلت و بی‌توجهی صاحب‌نظران قرار می‌گیرد. پیشگیری از وقوع جرم جزء مهمترین و زیربنایی‌ترین اموری است که باید در رأس توجه مسئولان جامعه قرار گیرد و هزینه‌ی مادی و معنوی در این زمینه به هر مقدار رواست زیرا همیشه درمان، دشوارتر و پرهزینه‌تر از پیشگیری است.

۳.۱.۱ پیشینه‌ی تحقیق

بنا به تأکید مقام معظم رهبری حفظه‌الله پیرامون سبک زندگی اسلامی مطالعات و تحقیقات بیشماری به چشم می‌خورد. علاوه بر مقالات و کارهای تحقیقی نگاشته شده، سمینارها و همایش‌هایی نیز در این راستا برگزار شده است. اگر چه موضوع بررسی جرایم از دیرباز ذهن و فکر اندیشمندان را به خود مشغول ساخته است اما پیشگیری از جرم با رویکرد سبک زندگی اسلامی، عنوانی جدید است که اختصاصاً کتاب یا پایان‌نامه‌ای در رابطه با آن تدوین نشده است. هر چند در زمینه‌ی پیشگیری از جرم کتاب‌ها و پایان‌نامه‌ها و مقالاتی نوشته شده است ولی کمبود منابع تألیف شده پیرامون این کار ما را بر آن داشت تا از مجلات و سایت‌ها نیز بهره بگیریم به هر حال، می‌توان آثار زیر را درباره‌ی سبک زندگی برشمرد:

— دین و سبک زندگی، محمد سعید مهدوی کنی (این کتاب که از نخستین آثار در حوزه سبک زندگی در ایران است با استفاده از نظریه‌های جامعه‌شناسی به بررسی رابطه‌ی دین و سبک زندگی می‌پردازد).

— سبک زندگی اسلامی و ابزارهای سنجش آن، محمد کاویانی (این اثر نگاهی از نوع بسیار گسترده «از دریچه‌ی مدل تجویزی قرآن» و با روش‌شناسی روانشناسی و روان‌سنجی به موضوع سبک زندگی داشته و به دنبال «تبیین چگونگی شکل‌گیری سبک زندگی» و نیز «طراحی آزمون سبک زندگی اسلامی» به عنوان ابزار سنجش برخورداری افراد جامعه از سبک زندگی است).

۴.۱.۱ سؤال‌های اصلی و فرعی تحقیق

سؤال اصلی:

- مراد از سبک زندگی اسلامی چیست و چه تأثیری در پیشگیری از جرم دارد؟

سؤال‌های فرعی:

- آیا در اسلام برای پیشگیری از جرایم راهکاری بیان شده است؟

- آیا عوامل و یا نهادهایی در بازدارندگی از جرایم نقش دارند؟

۵.۱.۱ فرضیه‌ها و نظریه‌های بدوی تحقیق

پیش یافت‌های حدسی و احتمالی در پاسخ به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق را می‌توان فرضیه نامید که در این نوشتار بدین شرح است:

- اسلام دارای مفاهیم و آموزه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی است به گونه‌ای که سبک زندگی ویژه‌ای به نام «سبک زندگی اسلامی» شکل می‌گیرد. این سبک زندگی، از کلی‌ترین مسائل فلسفی (که پایه‌های فکری و اعتقادی فرد مسلمان را شکل می‌دهد) تا جزئی‌ترین موضوعات رفتاری را در خود جای داده است و همگی همانند مهره‌های تسبیح در یک ریسمان با هم در ارتباط هستند. اگر سبک زندگی اسلامی در جامعه پیاده و اجرا شود به طور قطع در کاهش جرایم مؤثر خواهد بود.

- اسلام در میان همه‌ی ادیان تنها دینی است که صددرصد اجتماعی است و به موضوعات مختلف پرداخته است، در میان تمامی ادیان الهی، اسلام برای اجتماع مسلمانان اهمیت بسزایی قائل است و همواره درصدد اصلاح اجتماع و روابط میان افراد است، آموزه‌های دینی به عنوان بهترین راهکار تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی در زمینه‌ی کاهش جرایم و ایمنی از جرم دارد.

- عوامل متعددی نظیر امر به معروف و نهی از منکر، ازدواج، یاد خدا و تهدیب نفس و... در بازدارندگی از جرایم مؤثر هستند و دو نهاد خانواده و حکومت در پیشگیری از جرایم نقش بسزایی دارند.

۶.۱.۱ روش تحقیق

روش تحقیق در این رساله به صورت توصیفی-تحلیلی و مطالعات کتابخانه‌ای است.

۷.۱.۱ محدودیت‌های پژوهش

برخلاف توصیه‌های مقام معظم رهبری بر پرداختن به مسأله‌ی سبک زندگی اسلامی، پژوهش‌های بنیادین و مطلوبی در این عرصه مشاهده نشده و بیشتر مطالب در این حوزه، به مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و برگزاری سمینارها محدود شده است؛ از این رو با کمبود منابع علمی معتبر در این زمینه مواجه هستیم.

۲.۱ تبیین واژگان و اصطلاحات موضوع

در این بخش به تبیین معنای لغوی و اصطلاحی واژگان مرتبط با موضوع می‌پردازیم.

۱.۲.۱ معنا و مفهوم سبک زندگی

(۱) معنای لغوی

مدخل جداگانه‌ای به این نام ذکر نشده است.

(۲) معنای اصطلاحی

منظور از سبک زندگی اسلامی شیوهی خاصی از زندگی فردی و اجتماعی است که بر اساس آموزه‌های مکتب اسلام نقشه‌ی آن برای زندگی بشر ترسیم شده است. در متون دینی تعبیری که از سبک زندگی دینی حکایت می‌کند عبارتند از: سیره، سنت و اسوه.^۱

۲.۲.۱ معنا و مفهوم پیشگیری

(۱) معنای لغوی

پیشگیری در لغت به معنای جلوگیری از وقوع امری و یا بکارگیری امور احتیاطی برای ممانعت از رخدادها است.^۲

(۲) معنای اصطلاحی

پیشگیری از جرم در اصطلاح قضایی به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که برای جلوگیری از فعل و انفعال زیان‌آور محتمل برای فرد یا گروه و یا هر دو به عمل می‌آید. در ماده‌ی ۱ لایحه‌ی پیشگیری از جرم‌آمده است: پیشگیری از وقوع جرم عبارت است از پیش‌بینی، شناسایی و ارزیابی خطر وقوع جرم و اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای از میان بردن یا کاهش آن.

۱- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۱۱.

۲- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۹۳۳.

۳.۲.۱ معنا و مفهوم جرم

(۱) معنای لغوی

جرم و جریمه از جَزَم گرفته شده که به معنی قطع کردن است.^۱ از این جهت که عمل واجب الوصل را قطع می‌کند. جرم در لغت به معنای کاری است که قانون آن را منع کرده و مستوجب کیفر دانسته است.^۲ همچنین به ارتکاب کارهای زشت و ناپسند و مخالف حق و عدل نیز جرم اطلاق می‌شود.^۳

(۲) معنای اصطلاحی

جرم در اصطلاح به کارهای ناپاک و زشتی که مجرم کسب می‌کند و از نظر عقل، بد و نفرت‌انگیز است، گفته می‌شود.^۴ ماده ۲ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) جرم را اینگونه تعریف کرده است: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

با این تعریف به طور کلی جرم در محدوده‌ی معینی قرار می‌گیرد و دیگر اعمال ضداخلاقی و ضد اجتماعی که قانون برای آن‌ها مجازات تعیین نکرده باشد را نمی‌توان جرم دانست. اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها مؤید این مسائل است که قانون جرم را مشخص و مجازات آن را معین می‌کند.^۵ جرایم نیز جمع جرم است که عبارت است از مخالفت با نهی و قانون برای آن مخالفت، مجازات معین کرده باشد.^۶ در فرهنگ فارسی معین، جرم؛ گناهان و تاوان‌ها را هم در برمی‌گیرد.^۷

۴.۲.۱ معنا و مفهوم گناه

(۱) معنای لغوی

گناه و جرم رابطه‌ی مستقیمی با هم ندارند اما برخی از گناهان جرم محسوب می‌شوند؛ از این رو در اینجا به تعریف واژه‌ی گناه می‌پردازیم. گناه مفهوم روشن و بدیهی دارد اما آنچه به ذهن متبادر می‌شود،

۱- فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۶۸.

۲- صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام، ج ۱، ص ۹۴۵.

۳- فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۶۹.

۴- فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۷۱.

۵- نوربها، رضا، زمینه جرم شناسی، ص ۶۳ و ۶۴.

۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، ص ۱۹۰.

۷- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۲۲۵.

انجام دادن کارهای خلاف شرع و عقل است؛ کسی که بدون هیچ قید و بندی پیرو تمایلات و غرایز خود شود و قوانین الهی را زیر پا بگذارد، گناهکار محسوب می‌شود.

فرهنگ فارسی گناه را کار بد، بزه، عمل زشت، نافرمانی، معصیت و جرم معنا کرده است.^۱ البته در فرهنگ‌نامه فارسی واژگان و اعلام، گناه؛ کاری است که دین آن را ناروا و مستوجب کفاره، حد یا تعزیر شمرده و یا جرم و تقصیر معنا نموده است.^۲

۲) معنای اصطلاحی

گناه در اصطلاح، عملی است که با اراده و رضایت خداوند در تضاد باشد. در اصطلاح قرآن کریم و روایات واژه‌ی گناه به الفاظ مختلفی آمده است که در ذیل برخی از آن‌ها بررسی می‌شود.

— اثم: به معنی کندی و تأخیر است و بر گناهکار اطلاق می‌شود، چون در رسیدن به ثواب سستی می‌ورزد که حدود چهل و پنج مرتبه در قرآن کریم بکار رفته است. برای نمونه:

«يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ».^۳

— سوء: به معنای بدی و کار زیانبخش است. برای نمونه:

«إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ».^۴

— ذنب: به معنای دنباله‌ی چیزی است. هر فعلی که دارای عاقبت وخیم است را ذنب گویند زیرا جزای آن دنباله‌دار است که سی و هشت بار در قرآن ذکر شده است. برای نمونه:

«بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلْتُ».^۵

— عصیان: به معنای نافرمانی است. عاصی کسی است که کاری را مخالف فرمان الهی انجام دهد.

«عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى».^۶

— حنث: به معنای اثم و ذنب که فقط یک بار در قرآن آمده است.

«وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ».^۷

۱- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ص ۸۷۵ و معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۳۳۹۵.

۲- صدری افشار، غلامحسین، فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، ج ۳، ص ۲۳۲۳.

۳- از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در ارتکاب آن دو گناهی بزرگ است. سوره بقره، آیه ۲۱۹.

۴- نفس [آدمی] بسی به بدی و گناه فرمان می‌دهد. سوره یوسف، آیه ۵۳.

۵- به کدامین گناه کشته شدند؟!، سوره تکویر، آیه ۹.

۶- آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. سوره طه، آیه ۱۲۱.

۷- و بر گناهان بزرگ اصرار می‌ورزیدند. سوره واقعه، آیه ۴۶.

— جناح: به معنای تمایل پیدا کردن به سوی گناه و روی گرداندن از حق است، که چهل و پنج بار در قرآن کریم ذکر شده است. برای نمونه:

«وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا»^۱.

— زلل: به معنای لغزش، که ظاهراً منظور گناهان سهوی است.

«فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا»^۲.

— فسق: یعنی خارج شدن از حرمت‌های شرعی.

«وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ»^۳.

— جرم: همان‌طور که گذشت به معنی قطع است، زیرا گناهکار از رحمت خدا بریده می‌شود.

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَاَنْتَقَمْنَا مِنْ الَّذِينَ أَجْرَمُوا»^۴.

علمای اسلام نیز از قدیم دو اصطلاح کبیره و صغیره را در رابطه با گناه بکار برده‌اند که این تقسیم‌بندی از آیه‌ی «إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مَدْخَلًا كَرِيمًا»^۵ نشأت گرفته است.

منظور از گناه صغیره گناهانی است که مستلزم کفاره و تعزیر هستند و در قرآن، مستقیم وعده‌ی عذاب برایشان ذکر نشده است، تعریف گناه کبیره بین فقها اختلافی است.^۶ ظاهر آن است که گناه کبیره باید در

۱- و چون به سفر می‌روید و بیم آن دارید که کفار شما را گرفتار سازند گناهی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید، چون کفار دشمن آشکار شما نیستند. سوره نساء، آیه ۱۰۱.

۲- پس شیطان هر دو را از آن بلغزانید. سوره بقره، آیه ۳۶.

۳- و هنگامی که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید، (آن‌ها) همه سجده کردند مگر ابلیس که از جنیان بود و از فرمان پروردگارش سرپیچی کرد. سوره کهف، آیه ۵۰.

۴- و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم؛ آن‌ها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزا سودی نداد) از مجرم‌ان انتقام گرفتیم. سوره روم، آیه ۴۷.

۵- اگر از گناهان بزرگی که شما را از آن نهی کرده‌اند اجتناب کنید از دیگر گناهانتان در می‌گذریم و شما را به مکانی نیکو در می‌آوریم، سوره نساء، آیه ۳۱.

۶- برخی گناهان کبیره را گناهانی می‌دانند که حد بر آن‌ها مقرر شده باشد. برخی از جمله علامه حلی گناهان کبیره را گناهانی می‌داند که خدای تبارک و تعالی در ارتکاب آن‌ها وعده‌ی آتش داده است. شهید ثانی در شرح لمعه گناهانی را کبیره تلقی می‌کند که در کتاب با سنت از ارتکاب آن بیم داده شده باشد. طبرسی در مجمع البیان و شیخ بهایی در جامع عباسی همه گناهان را از آن جهت که مخالفت با امر و نهی خداوند است از کبائر می‌داند.

اخبار معتبر، کبیره شمرده شده باشد یا در کتاب و سنت وعده‌ی آتش بر آن داده شده باشد یا در کتاب و سنت بر ارتکاب آن به عقاب و عذاب توعید کرده باشند یا آن را اکبر شمرده باشند یا گناهی که از نظر عقل و شرع بزرگ باشد^۱ و اصرار بر صغیره هم موجب کبیره شدن گناه می‌شود.^۲

۱.۴.۲.۱. رابطه‌ی جرم و گناه

رابطه‌ی گناه و جرم عموم و خصوص من وجه است زیرا هر گناهی لزوماً جرم نیست مثل ریا که قطعاً حرام است ولی جرم نیست یا تجری، همچنین هر جرمی از دیدگاه اسلام لزوماً گناه نیست. مثلاً هر گاه مردی همسر خو را در حال زنا با مرد دیگری ببیند در صورتی که یقین داشته باشد هر دو با رضایت دست به این عمل زده‌اند می‌تواند هر دو را بکشد ولی اگر دستگیر شود و نتواند ادعای خود را ثابت کند به جرم قتل، قصاص می‌شود.^۳ بنابراین گناه و جرم مترادف نیستند و بسیار دیده شده که ماهیت جرم از گناه جداست.^۴ در فرهنگ اسلامی فکر و تصور یک عمل غیر از خود آن عمل است و حساب و نتیجه‌ای جداگانه دارد. البته ثواب و عقاب به اعمال انسان تعلق می‌گیرد نه افکار و تصورات او هر چند فکر گناه و نیت بد خود، گناه نیست و عقاب هم ندارد ولی از دو جهت ناپسند است از سویی ممکن است این فکر مقدمه‌ی عمل شود و از سویی دیگر هر فکری که انسان را از یاد خدا غافل کند، قبیح است.^۵ برای مثال کسی که فکر شراب خوردن را بکند تا زمانی که شراب نخورده گناه شراب‌خواری را مرتکب نشده است.

۱- فیض، علی‌رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۳۶۷ و دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲- دستغیب شیرازی، همان، جلد ۱، ص ۳۱.

۳- هاشمی، حسین، نقدی بر م ۶۳۸ ق.م.ا در جرم انگاری بر حجاب، کتاب زنان؛ (فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، ش ۳۷، ص ۱۵۱.

۴- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۶.

۵- خردمند، محمد، درسنامه پیشگیری از جرم، ص ۲۶-۲۷.

فصل دوم

فرهنگ دینی؛ سبک زندگی و مؤلفه‌های آن

۱.۲ سبک زندگی

سبک زندگی از مفاهیمی است که به دلیل حوزه‌ی گسترده‌ی خود در رشته‌های گوناگون نظیر مطالعات فرهنگی و جامعه‌شناسی کاربرد دارد. مسئله‌ی سبک زندگی ظاهراً یک مقوله‌ی نو قلمداد می‌شود و گاه گفته می‌شود که یک امر نوظهور است البته بین جامعه‌شناسان و روانشناسان اختلاف است؛ روان‌شناسان می‌گویند اولین بار در حوزه‌ی روان‌شناسی و از سوی آلفرد آدلر طرح شده و در پی او شاگردانش این مقوله را بسط داده‌اند^۱ ولی جامعه‌شناسان مدعی هستند که ماکس وبر جامعه‌شناس فرانسوی این موضوع را طرح کرده است.^۲ این در حالی است که باید پذیرفت توجه به سبک زندگی، اولین بار در منابع مکتوب مسلمین پیدا شده است که در آن‌ها سبک زندگی معصومین علیهم‌السلام مدنظر بوده است از جمله‌ی این منابع می‌توان به کتاب‌های اسرار آل محمد، حلیه المتقین، مفاتیح الحیاء و ... اشاره کرد. اگر چه مفهوم «سبک زندگی» را در آغاز پژوهش به صورت مختصر تبیین نمودیم ولی از آنجا که راه دستیابی ما به تصویر روشن از سبک زندگی اسلامی، واکاوی بیشتر اصطلاح سبک زندگی و بررسی مؤلفه‌های آن است در ادامه به این مهم می‌پردازیم.

۱.۱.۲ اهمیت سبک زندگی

سبک زندگی اسلامی از جمله واژگانی است که با توجه ویژه‌ی رهبر معظم انقلاب به موضوعی مهم و کلیدی تبدیل شد. موضوع «سبک زندگی اسلامی ایرانی» یک موضوع استراتژیک و مفهومی بسیار جامع است که حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و ... را در برمی‌گیرد. این بحث از سال‌ها قبل تحت عناوین مختلف و جنبه‌ی هشدار آ‌ن تحت عنوان تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی به صورت جدی از سوی ایشان مطرح شد اما در سال‌های اخیر با جامعیت موضوع نه تنها جنبه‌ی سلبی در آن مستتر می‌باشد بلکه با تأکید بر جنبه‌ی ایجابی آن یک سبک زندگی که هماهنگ و متکی بر پیشینه‌ی اعتقادات، ارزش‌ها، باورها، آداب و رسوم حسنه‌ی بومی می‌باشد، ارائه شده است.

آنچنان که از تعریف رایج برمی‌آید اجزای تشکیل دهنده‌ی سبک زندگی که آن را توضیح می‌دهند از قبیل خانواده، ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، تفریحات، کسب و کار و رفتارهای فردی و اجتماعی در محیط‌های مختلف، ابعاد نوپدید در زندگی ما نیستند و طبعاً می‌توان در میان تفکر و علوم

۱- مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، ص ۱۱۴.

۲- همان، ص ۱۰۶.

متولد شده در تاریخ فرهنگ و تفکر اسلامی، در قبال آن‌ها مفهومی را یافت که امکان مطالعه‌ی آن را در منطق و ادبیات دینی تسهیل کند. رهبر معظم انقلاب اصطلاح عقل معاش را در مفهوم جامع، مترادف مفهوم سبک و فرهنگ زندگی دانسته‌اند، به معنای اینکه لازم است برای فهم درست این مفهوم و بهره بردن از مآثر فکری و تمدنی در پاسخ به مسائل مرتبط با آن، به دنبال کشف مفاهیم معادل باشیم. توجه به سبک زندگی اهمیت دارد چرا که حتی اگر به معنویت و رستگاری معنوی هم اعتقاد نداشته باشیم، برای زندگی راحت و برخوردار از امنیت روانی و اخلاقی، پرداختن به سبک زندگی مهم است.

۲.۱.۲ ویژگی‌های سبک زندگی

- برای دریافت بهتر مفهوم سبک زندگی، ویژگی‌های آن را برمی‌شمریم:
 - سبک زندگی، ترکیبی از صورت(سبک) و معنا(زندگی) است. رفتاری برآمده از باورها و پسندها و مبتنی بر دیدگاهی آگاهانه و یا نیمه خودآگاه در فلسفه‌ی حیات است.
 - مجموعه عناصر زندگی، وقتی به سبک زندگی تبدیل می‌شوند که به حدنصاب انسجام و همبستگی رسیده، همخوانی و تناسب داشته باشند. انسجام موقتی که تحت تأثیر جو اجتماعی خیلی زود از بین برود سبک زندگی را پدید نمی‌آورد.
 - اکثر عناصر پدیدآورنده‌ی سبک، اختیاری هستند. بنابراین اگر کسی در یک اردوگاه کار اجباری یا در اسارت و تحت فشار بیرونی، مجبور به رفتار بر اساس نوع خاصی از زیستن شود، سبک زندگی ندارد.
 - سبک زندگی قابل ایجاد و تغییر است زیرا نوعی انتخاب شخصی و آیین فردی است.
 - به طور کلی نمی‌توان انسانی را بدون آداب یا سبک زندگی تصور کرد مگر در دوران کودکی که هنوز شخصیت فرد شکل نگرفته است. در حقیقت، هیچکس بی‌ادب نیست؛ همان‌گونه که بدون تربیت، بی‌فرهنگ و بی‌شخصیت نیست. بنابراین اگر ما شکل خاصی از زندگی را با اراده و اختیار خود انتخاب نکنیم، ناخودآگاه در قالب‌های تعین یافته‌ی محیط و جامعه قرار می‌گیریم.
 - سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می‌شود. پدیدارشناسان فرهنگی تأکید می‌کنند که سبک زندگی برای افراد شخصیت می‌سازد زیرا فرد بر اساس سبک زندگی، آرام‌آرام به رفتارهایی عادت می‌کند که برای او درونی می‌شوند و نظام ارزشی خاصی را شکل می‌دهند. از این رو، تجزیه و تحلیل ما از شخصیت دیگران تا اندازه‌ای به همین ظواهر وابسته است.

— سبک زندگی در سطح کلان اجتماعی، هم‌گرایی و واگرایی پدید می‌آورد. انسان‌هایی که سال‌ها مانند هم زیسته‌اند، آرام‌آرام مانند هم فکر می‌کنند و حساسیت‌ها و علایق مشترک خواهند داشت و یک قطب هم‌نوا یا قدرت اجتماعی پنهان تشکیل خواهند داد.^۱

۳.۱.۲ مؤلفه‌های سبک زندگی

یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی از نظر صاحب‌نظران مختلف (اندیشمندان، فقها و علما) بررسی عناصر و مؤلفه‌هایی است که برای سبک زندگی برشمرده‌اند و یا در تحقیقات خود از آن‌ها به عنوان شاخص بهره برده‌اند. منظور از مؤلفه در اینجا اموری است که مصداق عینی سبک زندگی محسوب می‌شوند.^۲ بنابراین سبک زندگی شامل همه‌ی رفتار، افکار و اعمال فرد می‌باشد. در اینجا به بیان مؤلفه‌های سبک زندگی از منظر محققین اسلامی و غربی پرداخته می‌شود.

حوزه‌ی فقه پایه‌های اصلی سبک زندگی ما را تعیین می‌کند چرا که فقه در باب رفتارهای اختیاری انسان بحث می‌کند. رفتارها و انجام کارهای روزانه بخشی از سبک زندگی ما را تشکیل می‌دهند البته روش انجام کار هم داخل در سبک زندگی است که آن روش‌ها نیز خصوصیات و ویژگی‌های همان رفتارها هستند مثلاً بخشی از سبک زندگی یک فرد معمولی در دنیای غرب این است که صبح از خواب برمی‌خیزد و دست و صورت خود را می‌شوید، تمیز می‌شود ولی سبک زندگی یک مسلمان این است که صبح که از خواب برمی‌خیزد علاوه بر آنکه دست و صورت خود را می‌شوید، وضو هم می‌گیرد که این یک عبادت است و پاکیزگی او با یک حالت نفسانی ممزوج می‌شود که در روحانیت او نیز تأثیر دارد. بنابراین یکی از مؤلفه‌های مهم سنجش یک دین، کارآمدی آن دین در مدیریت زندگی فرد و جامعه است و هر مکتب و نحله‌ی فکری در پی این است که خود را کارآمد نشان دهد که از میان تمام مکاتب موجود، اسلام کارآمدترین مکتب می‌باشد.

برخی از نویسندگان، عناصر سبک زندگی را در چهار مقوله‌ی اموال (سرمایه‌های مصرفی)، فعالیت‌ها (عادات، شغل، گذران اوقات فراغت و ...)، نگرش‌ها و گرایش‌ها و روابط انسانی (از فردی گرفته تا اجتماعی) طبقه‌بندی کرده‌اند.^۳

۱- شریفی، احمد حسین و همکاران، همیشه بهار، ص 29-31 و صدیقی، حسین، نقش توحید عبادی در سبک زندگی اسلامی، ص ۵۱-۵۲.

۲- مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، ص ۵۹ و کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۳۵ و ۳۶.

۳- کاویانی، همان، ص ۳۸.

در اینجا مناسب است که بخشی از فرمایشات مقام معظم رهبری که دربردارنده‌ی مقوله‌های سبک زندگی است را بیان نماییم.

بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است مثل مسأله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسأله‌ی خط، مسأله‌ی زبان، مسأله‌ی کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است.^۱

دانشمندان غربی نیز در آثار خود، دسته‌بندی‌های متنوعی را به عنوان مؤلفه‌های سبک زندگی ذکر نموده‌اند.

— برخی مانند زیمل، وبلن، وبر، پاپین و اسول بر رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی است، تأکید دارند. مواردی مانند: نحوه‌ی استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه‌ی بازی کردن و لباس پوشیدن، نوع مسکن، شیوه‌ی تغذیه و خودآرایی و گذران اوقات فراغت.

— برخی مانند پارسونز جنبه‌هایی ناشی از فناوری مدرن را برجسته می‌کنند: استفاده از خودرو، ماشین لباسشویی، تلویزیون، تلفن همراه، لب تاب و...

— برخی مانند بوردیو به بررسی دارایی‌های تجملی و فرهنگی مانند خانه، ویلا، ماشین، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، عطرها، لباس‌ها و نیز به بررسی فعالیت‌های متمایز افراد مانند ورزش‌ها، تفریحات، خودآرایی‌ها و... اهمیت می‌دهند.

— از اواسط دهه‌ی ۱۹۸۰ میلادی، ابعاد سلامت و بهداشت به عنوان یکی از مؤلفه‌ها مورد توجه قرار گرفت.

— برخی تقسیم‌بندی‌های کلی‌تری را که ناظر بر ابعاد نگرشی و رفتاری است، ارائه داده‌اند برای مثال «ادواردفرن» مؤلفه‌های مذکور را در سه گروه؛ فعالیت‌ها (کار و سرگرمی)، علاقه‌مندی‌ها (خانواده و رسانه) و عقاید (موضوعات سیاسی و اجتماعی) دسته‌بندی می‌کند.^۲

۱- بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جوانان استان خراسان شمالی (۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

۲- رک: سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، ص ۳۶-۳۸.

۴.۱.۲ سبک زندگی؛ محصول باورها و ارزش‌ها

باورها در رفتارهای انسان، نقشی بی‌بدیل و تعیین کننده ایفا می‌کنند. انسان، در میان انتخاب‌ها، گزینه‌ای را بر می‌گزیند که با باورهایش سازگارتر باشد. شاید اغراق نباشد اگر بگوییم به تعداد آدم‌ها باور وجود دارد. باورها تبلور وراثت، تربیت، آموزش، محیط خانوادگی، اجتماعی و ... می‌باشند^۱ نوع نگاه انسان به جهان، خدا، انسان و حیات پس از مرگ و نوع ارزش‌های پذیرفته شده‌ی او، تأثیری مستقیم بر انتخاب‌ها و گزینش‌های او دارد.^۲ باورها و ارزش‌ها غالباً به شکل با واسطه بر سبک زندگی اثر می‌گذارند به این صورت که باورها و ارزش‌ها در عینیت اجتماعی خود، نظامات اجتماعی را شکل می‌دهند و نظامات اجتماعی نیز تأثیر مستقیم در سبک زندگی افراد بر جای می‌گذارند. بنابراین در جایی که باورهای دینی عینیت اجتماعی نیافته باشند و در قالب نظامات اجتماعی نیامده باشند نهایتاً در سطح روابط و رفتارهای فردی می‌توان انتظار تأثیرگذاری بر سبک زندگی را داشت.^۳ به عبارت دیگر رفتارهای نهادینه شده را سبک زندگی می‌دانیم نه رفتارهای موقتی و موردی را. بنابراین رفتارهایی را می‌توان به عنوان سبک زندگی در نظر گرفت که وجهی غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده باشند.^۴ نهادینه شدن یک رفتار یا عملکرد، زمان می‌برد و صبوری و بردباری ویژه‌ای را می‌طلبد به عنوان مثال زایل شدن سبک زندگی برده‌داری امری زمان‌بر بود. البته نگاه اجمالی به تعالیم اسلامی و معارف قرآنی این حقیقت را نشان می‌دهد که هیچ یک از اولیای الهی برده‌داری را امری پسندیده نمی‌دانستند بلکه در تلاش بودند تا این شیوه‌ی رفتاری و این نوع نظام اجتماعی را تغییر دهند که البته تغییر سریع آن امکان پذیر نبود زیرا تمام سیستم اقتصادی، تجاری و معیشتی آن روزگار بر این اساس شکل گرفته بود.^۵

سبک زندگی افراد و جوامع علاوه بر اینکه بیانگر هویت شخصی و اجتماعی و معرف شخصیت فرد یا جامعه‌ای خاص است، شاخص و نشانه‌ای از هویت دینی و ارزشی فرد یا جامعه نیز به شمار می‌رود. به همین دلیل سبک زندگی افراد و جوامع را می‌توان به عنوان یکی از شاخص‌ها برای سنجش کیفیت ایمان و عمق باورها و ارزش‌های افراد و جوامع مورد استفاده قرار داد و در واقع با تأمل در سبک زندگی افراد و جوامع می‌توان کیفیت، عمق و گستره‌ی نظام باورها و ارزش‌های آن‌ها را بدست آورد. برای نمونه خداوند می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ

۱- صدیقی، حسین، نقش توحید عبادی در سبک زندگی اسلامی، ص ۳۰.

۲- شریفی، احمدحسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، ص ۲۱.

۳- همان، ص ۳۸.

۴- همان، ص ۳۱.

۵- همان، ص ۳۲.

نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ^۱، زمین پاک و نیکو گیاهش به اذن خدایش (نیکو) بر آید، و از زمین خشن ناپاک بیرون نیاید جز گیاه اندک و کم‌ثمر. اینگونه ما آیات (قدرت) را به هر بیان توضیح می‌دهیم برای قومی که شکر خدا به جای آرند.

در نگاه دینی ما نیز این مسأله بسیار مورد توجه بوده است و آیات و روایات متعدد، رابطه‌ی بسیار روشن و معناداری را میان اعتقادات (درست یا نادرست) بارفتارها (درست یا نادرست) مطرح ساخته‌اند. از جمله آیه‌ی شریفه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا»^۲؛ بگو هر کس طبق شخصیت و خلق و خوی خود عمل می‌کند، پس پروردگار شما آن‌ها را که راهشان هدایت یافته‌تر است بهتر می‌شناسد.

شاکله در اصل از ماده‌ی شکل به معنی مهار کردن حیوان است و از آنجا که روحیات، سجایا و عادات هر انسانی او را مقید به رویه‌ای می‌کند، به آن شاکله می‌گویند. به این ترتیب مفهوم شاکله هیچ‌گونه اختصاصی به طبیعت ذاتی انسان ندارد.^۳

۱- سوره اعراف، آیه ۵۸.

۲- سوره اسراء، آیه ۸۴.

۳- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۲۷۵.

۲.۲ فرهنگ و سبک زندگی

فرهنگ در معنا و مفهوم چنان گسترده است که می‌توان گفت اساسی‌ترین و زیر بنایی‌ترین عنصر یک جامعه محسوب می‌شود. از نظر جامعه‌شناسی مفهوم فرهنگ دلالت دارد بر تمام فرآورده‌های مشترک جامعه‌ی بشری چه محصولات مادی و چه غیر مادی. فرهنگ مادی شامل اشیاء، نقاشی‌ها، خانه‌ها، ساختمان‌ها و ... است و فرهنگ غیر مادی شامل زبان، ارزش‌ها، نظام‌های سیاسی، عقاید مذهبی، تعصبات نژادی و قوانین رفتاری و ... مجموع جنبه‌های مادی و غیرمادی فرهنگ راه زندگی یک جامعه را نشان می‌دهند.^۱ به نظر می‌رسد بهترین تعریف فرهنگ آن است که فرهنگ را مجموعه‌ای از بینش‌ها، دانش‌ها، گرایش‌ها و تمایلات، قواعد، کنش‌ها، رفتارها (هنجارها) و ارزش‌هایی که در یک جامعه وجود دارد بدانیم، با این معیارها می‌توان فرهنگ‌ها را محک زد، پس فرهنگ، بزرگ‌ترین مؤسسه‌ای است که ملت را یا به تباهی می‌کشاند و یا به اوج عظمت و قدرت می‌رساند.

۱.۲.۲ فرهنگ دینی

گاهی در یک جامعه، فرهنگ دینی است یعنی بخشی یا همه‌ی بینش‌ها، گرایش‌ها، هنجارها و ارزش‌های یک دین خاص حاکم است به عبارتی دیگر بینش‌های مردم برگرفته از دین است. بنابراین در جامعه‌ای که فرهنگ دینی حاکم است ارزش‌های دینی حکومت می‌کند و بخشی از این ارزش‌ها عبارتند از: تقوا،^۲ ایمان،^۳ تلاش در راه دین،^۴ بنابراین فرهنگ دینی، مجموعه‌ی باورها و نگرش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که به اشکال مختلف در رفتار اختیاری فردی و اجتماعی افراد متجلی

۱- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۵.

۲- «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»، ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست بی‌تردید خداوند دانای آگاه است. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۳- «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ»، آیا آن کس که ایمان آورده (حالش در قیامت) مانند کسی است که کافر بوده؟ هرگز یکسان نخواهند بود. سوره سجد، آیه ۱۸.

۴- «يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا»، (هرگز) افراد با ایمانی که بدون بیماری و ناراحتی، از جهاد باز نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با مال و جان خود جهاد کردند، یکسان نیستند! خداوند، مجاهدانی را که با مال و جان خود جهاد نمودند، بر قاعدان (ترک‌کنندگان جهاد) برتری مهمی بخشیده؛ خداوند وعده پاداش نیک داده؛ و مجاهدان را بر قاعدان، با پاداش عظیمی برتری بخشیده است. سوره نساء، آیه ۹۵.

می‌شود که همگی از آموزه‌های دینی اتخاذ شده است.^۱ بنیان الگوهای موجود در سبک زندگی را همان شالوده‌ی فرهنگ و شاخص‌های آن تشکیل می‌دهد زیرا فرهنگ به عنوان مجموعه‌ی درهم تنیده و رو به تکامل از ویژگی‌های خاص زندگی اجتماعی انسان هم شامل ارزش‌های مورد توجه اعضای یک جامعه یا گروه معین و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند، می‌شود و هم شامل کالاهای مادی که اعضای جامعه تولید می‌کنند و رفتار آدمی در چگونگی بهره‌برداری از آن‌ها را نیز در برمی‌گیرد. بر این اساس می‌توان گفت: فرهنگ با سبک زندگی هم‌پوشانی دارد و در واقع سبک زندگی بخشی از فرهنگ یا لایه‌ی آشکار آن را تشکیل می‌دهد. خود فرهنگ نیز از عوامل متعددی اثر می‌پذیرد که مهم‌ترین آن دین و آموزه‌های وحیانی است.^۲

در یک نگاه کلان دین و سبک زندگی اجزای فرهنگ هستند، پس در حال تعامل‌اند. علاوه بر این نگاه کلان، تعریف‌ها و ویژگی‌های دین و سبک زندگی نشان می‌دهد که امکان ذاتی برقراری یک رابطه حتی از نوع علیّی آن، میان این دو مفهوم وجود دارد. البته در اینجا ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد؛ اول اینکه رابطه‌ی دین و سبک زندگی، رابطه‌ای دو سویه است و دیگر اینکه عموم ادیان، دارای نظام معنایی، آموزه‌ها، نهادها و ساختارهایی هستند که پیروانشان را در ایجاد سبک‌های زندگی بر آن‌ها توانمند می‌کنند، این‌گونه سبک‌های زندگی ناشی از یک فرهنگ دینی را می‌توان «سبک زندگی دینی» نامید.

دین و سبک زندگی از جمله مفاهیم سهل و ممتنع است که با وجود تعریف‌های بسیاری که برای همگرا کردن آن‌ها صورت گرفته است هنوز اتفاق نظری درباره‌ی ارتباط آن‌ها وجود ندارد.^۳ اسلام دارای مفاهیم و آموزه‌های تأثیرگذار در سبک زندگی است؛ سبک زندگی اسلامی از کلی‌ترین مسائل فلسفی که پایه‌های فکری و اعتقادی فرد را شکل می‌دهد تا جزئی‌ترین موضوعات رفتاری را در خود جای داده است که همگی مانند مهره‌های تسبیح در یک ریسمان با هم در ارتباط هستند. آموزه‌های اسلام که به تمام ابعاد و زوایای زندگی انسان توجه دارد و او را تا رسیدن به سعادت جاودان راهبری می‌کند، الگوهایی را در سه سطح بینش، گرایش و کنش ارائه کرده است که بر اساس آن می‌توان سبک زندگی اسلامی را در فرهنگ‌های گوناگون بشری پایه‌ریزی کرد.

۱- کافی، مجید، فرهنگ دینی: مفاهیم، نظریه‌ها و راهکارها، ص ۱۷ و ۱۸. چاپ اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۲.

۲- قانع، حمیدفاضل، درآمدی بر سبک زندگی اسلامی، نشریه تخصصی مطالعات اجتماعی و رسانه ۲، شماره دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۳-۱۴.

۳- مهدوی کنی، محمد سعید، دین و سبک زندگی، ص ۲۳.

۲.۲.۲. تهاجم فرهنگی و علل آن

اسلام به عنوان دینی جامع و کامل به تمام ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان‌ها توجه نموده لذا آنچه امروزه سلطه‌گران را بیش از هر چیز دیگر به وحشت انداخته است، قدرت اسلام و حضور فعال آن در عرصه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است. از این رو طبیعی است که استکبار، جهان اسلام را که همواره در برابر تجاوز فرهنگ غرب ایستاده است، به شدت در معرض یورش شدید فرهنگی خود قرار دهد. غرب با ترویج فرهنگ و اندیشه مادی و نشان دادن مظاهر فریبنده‌ی دنیای صنعتی بر آن است تا در فرهنگ اصیل اسلامی رخنه کند، ارزش‌ها و باورهای دینی را سست سازد و کم‌کم ریشه‌ی باورهای امت اسلامی را بخشکاند و آن‌گاه دستاورد تمدن خود؛ یعنی فن‌آوری جدید را به مردم نشان دهد و سرانجام، آنان را در منجالب فساد که زاییده‌ی فرهنگ غرب است، غرق سازد. دشمنان برای مقابله با فرهنگ اسلام از ابزار تهاجم فرهنگی استفاده کرده‌اند؛ اگر فرهنگ را مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی یک ملت و تهاجم را پدیده‌ای ناخواسته بدانیم، تهاجم فرهنگی را نباید به عنوان پدیده‌ای نوظهور تصور نماییم؛ از این رو با شدت یافتن تهاجم فرهنگی، یکی از عوامل ایجابی مقابله با آن، ترویج سبک زندگی اسلامی است. تهاجم فرهنگی پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر است و به نظر می‌رسد در آینده ابعاد گسترده‌ای پیدا خواهد کرد که در اینجا به بررسی علل آن و راه‌های مبارزه به آن می‌پردازیم.

بین دو فرهنگ متفاوت ممکن است روابطی نظیر تبادل، تفاهم، نفوذ و تهاجم فرهنگی به وجود آید. تبادل فرهنگی؛ یعنی برخورد دو فرهنگ به صورت آگاهانه و با رضایت طرفین و بدون هدف ایجاد سلطه به بیان دیگر عبارتست از ارتباط آزادانه و طبیعی دو قوم با یکدیگر، بدون هیچ اجبار و الزامی مثل اینکه ملت‌ها و جوامع در رفت و آمدهایی که با هم دارند، آداب و رسوم، نحوه‌ی لباس پوشیدن، شیوه‌ی زندگی و... را از هم یاد می‌گیرند.

تفاهم فرهنگی نیز حاصل تبادل فرهنگی است که از طریق دو یا چند نظم فرهنگی صورت می‌گیرد. نفوذ فرهنگی؛ حرکتی آرام از سوی یک نظام فرهنگی به زیان نظام فرهنگی دیگر است که برای رسیدن به مقاصد خاص فرهنگی و سیاسی، بدون رضایت طرف مقابل صورت می‌گیرد. نفوذ فرهنگی معمولاً مخفیانه، آرام و با ترفندهای خاص انجام می‌شود.

تهاجم فرهنگی نیز عبارت است از تلاش برنامه‌ریزی شده و حرکتی مرموزانه و سازمان یافته توسط یک گروه یا جامعه برای تحمیل باورها، ارزش‌ها و اعتقادات خویش بر سایر گروه‌ها و جوامع با استفاده از شیوه‌ها، ابزارها و امکانات متعدد و متنوع.^۱

۱- مهیمنی، محمد علی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، ص ۳۰۱.

مقام معظم رهبری نیز در بیان تهاجم فرهنگی می‌فرمایند:

تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد و در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت، وارد کشور می‌کنند.^۱

بنابراین تهاجم فرهنگی جدای از تبادل فرهنگی است چرا که در تبادل فرهنگی، فرهنگ پذیری با میل و به دلخواه انجام می‌گیرد و هیچ‌گونه نابرابری اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بین دو گروه وجود ندارد و هدف، بارور کردن و تکامل فرهنگ‌های ملی کشورهاست که در سایه آن، ملت‌ها خصوصیات برجسته و مثبتی نظیر نظم و انضباط، روحیه‌ی سخت کوشی، کنجکاوی در مسائل علمی و غیره را از هم‌دیگر فرا می‌گیرند ولی در تهاجم فرهنگی اینگونه نیست. به بیان دیگر تبادل فرهنگی یک چیز لازمی است و هیچ ملتی از اینکه معارفی را در تمام زمینه‌ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می‌شود از ملت‌های دیگر بیاموزد بی‌نیاز نیست. در همیشه‌ی تاریخ این‌طور بوده که ملت‌ها در رفت و آمدهایشان با یکدیگر آداب زندگی، خلیقات، علم، نحوه‌ی لباس پوشیدن، آداب معاشرت، زبان، معارف و دین را از هم فراگرفته‌اند که این از مهم‌ترین مبادله‌ی ملت‌ها باهم بوده است.^۲

برخی از ویژگی‌های جوامع مورد هجوم، کلیدهای گسترش و آسان‌سازی تهاجم فرهنگی است که یکی از آن‌ها، بی‌توجهی به فرهنگ خودی است به این معنا که تا زمانی فرهنگ خودی حیات داشته باشد، تازه‌های فرهنگ واردتی را هضم می‌کند و بر عکس اگر فرهنگ خودی پویایی و جذابیت خود را از دست بدهد و قدرت انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه به راحتی می‌تواند در جامعه رخنه کند. عامل دیگر، خود باختگی فرهنگی است که ناشی از خود کم‌بینی و احساس حقارت است. بی‌لیاقتی سران حکومت‌ها، رفاه‌طلبی و تجمل‌گرایی، عقب ماندگی علمی و صنعتی نیز از جمله عوامل دیگری است که بستر تهاجم فرهنگی را آماده می‌کند.

۱.۲.۲.۲ اهداف و شاخصه‌های تهاجم فرهنگی

با بررسی ویژگی‌های تهاجم فرهنگی مشخص می‌شود که سلطه‌گر است، در آن انتقال ارزش‌های فرهنگی تحمیل می‌شود، همراه با جذب و ظرافت خاصی است، حرکت ناگهانی غیرطبیعی و نامحسوسی

۱- سخنان رهبر معظم در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و رؤسای مناطق آموزش و پرورش ۱۳۷۱/۵/۲۱

۲- مهیمنی، محمد علی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، ص ۳۰۱.

دارد و در نهایت، شخصیت افراد در برابر فرهنگ بیگانه منحل می‌شود و باعث شکست و تهی شدن فرد در تمام زمینه‌ها می‌گردد. آنچه که امروزه هدف اصلی تهاجم فرهنگی را تشکیل می‌دهد درست در این راستا بررسی می‌شود یعنی از بین بردن شاخصه و مؤلفه شناسایی یک جامعه اسلامی و بدین سان تهاجم فرهنگی برای تضعیف باورهای دینی و بی اعتقاد کردن افراد انجام می‌گیرد. این تهاجم مقدمه‌ای برای از بین بردن تفکر توحیدی در تمام جهان بوده و دو شاخصه مهم دارد؛ یکی از بین بردن فرهنگ اسلام و دیگری جایگزین کردن فرهنگ مهاجم به جای فرهنگ اسلام.

دشمن در تهاجم خود از اصول و ضوابط خاصی تبعیت می‌کند که شناخت آن‌ها، مبارزه و مقابله با تهاجم را آسان می‌سازد. بعضی از این اصول عبارت اند از: برنامه‌ریزی، آینده‌نگری، جوان‌گرایی، جامعیت، گسستن پیوند مردم با دین و رهبری است.

۲.۲.۲.۲ شیوه‌های تهاجم فرهنگی و راه‌های مبارزه با آن

شیوه‌های تهاجم فرهنگی، مجموعه‌ای از روش‌ها، راهکارها و سبک‌هایی است که مهاجمان به صورت مستقیم و غیرمستقیم برای تحقق اهداف خویش به کار می‌گیرند که در اینجا بعضی از این شیوه‌ها به اختصار بیان می‌شود.

۱ - تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی: مهاجمان با القای شبهات عقیدتی، بزرگ نمایی مشکلات فردی، غافل نمودن مردم از مبانی استدلالی و منطقی، ترویج سطحی‌نگری و تحجرگرایی و در نتیجه وارد کردن آسیب به عقاید و باورهای دینی مسلمانان در تلاشند تا ساحت مقدس اسلام را خدشه‌دار نمایند و آن را در پاسخ‌گویی به نیازهای فکری - فرهنگی نسل جوان امروز ناتوان جلوه دهند.

۲ - تحریف گرایش‌های معنوی: دشمنان با ترویج برنامه‌های مبتذل فرهنگی خود، تبلیغ خرافات و گسترش برنامه‌های سرگرم‌کننده و بدآموز، درصدد تخریب و تحریف گرایش‌های معنوی، به ویژه در بین نسل جوان می‌باشند. آنان با ترویج تقوا گریزی، عرفان کور، زهدگرایی منفی، اخباری‌گری، ولایت ضد توحید، درصدد شکست دادن معنویات هستند.

۳ - تخریب و نفی هویت ملی: پیوندهای ملی و بومی، سبب پایداری جامعه و ایجاد هویت واحد است. بی‌هویت جلوه دادن اقوام و یا ایجاد تفرقه‌های فرهنگی، زبانی، موجبات گسستگی پیوندهای اجتماعی را فراهم می‌آورد و هویت ملی و فرهنگی را خدشه‌دار می‌سازد.

۴- طرد و تخریب الگوها: دشمن تلاش می‌کند با استفاده از امکانات و ابزارهای تبلیغی نظیر: فیلم‌های مبتذل تلویزیونی و سینمایی، برنامه‌های ماهواره‌ای، کتاب‌ها، مجلات و نشریات و حتی تبلیغات

تجاری و اقتصادی، الگوهای منطبق با فرهنگ خویش را در بین اقشار مختلف جامعه ترویج نماید و الگوهای ملی و مذهبی کشور مورد تهاجم را طرد و یا تخریب کنند.

۵- استفاده از مذهب علیه مذهب، تکیه افراطی بر تفاوت‌های شیعه و سنی، ترویج خرافه‌گویی، گسترش روحیه‌ی غرب‌گرایی، ایجاد جریان‌ات انحرافی، تحریف مفاهیم معنوی و... از دیگر روش‌ها و شیوه‌های استعمارگران برای غلبه‌ی فرهنگ خود در دیگر کشورها است.

یکی از مهم‌ترین روش‌های مبارزه با فرهنگ مهاجم، مجهز شدن به سلاح آگاهی، تفکر و ایجاد روش‌هایی برای شناساندن تاریخ و فرهنگ ایران به عموم مردم است. این کار بیشتر به دست اولیای تعلیم و تربیت، والدین، مربیان، جراید، رسانه‌های صوتی و تصویری و به خصوص، نظارت عمیق مسئولین امر است. تهاجم فرهنگی چیزی نیست که در گوشه‌ی مساجد، دفاتر انجمن‌های اسلامی، مدارس، دانشگاه‌ها، نهادها و... از بین برود بلکه برای مبارزه با آن به استفاده از اصولی نیاز داریم که باید خیلی ماهرانه و منطقی پیاده شوند. چنانچه به صورت تهاجمی با آن برخورد شود و مسئولان با اعمال زورگویی و سخت‌گیری در صدد مبارزه و پاک کردن آن از اذهان عمومی برآیند، مسلماً نتیجه‌ای تلخ به دنبال خواهد داشت. اساسی‌ترین راه، به کار گرفتن روش‌های دینی نظیر: صداقت، تقوا، آگاهی، خوش‌اخلاقی، خوش‌قولی، صبوری و... است. بنابراین به جای تکیه بر شیوه‌های سنتی که بر ضرورت کنترل عوامل خارجی و نقش انفعالی انسان‌ها تأکید دارد، باید به انسان‌ها و نیروهای درونی و نگرش‌ها و اعتقادات آن‌ها اعتماد و توجه بیشتری نشان داده شود.

۳.۲.۲ آسیب‌شناسی فرهنگی در سبک زندگی ایرانی

پرداختن به موضوع مهمی مانند سبک زندگی در واقع فرع بر پذیرش دو نکته اساسی و مهم در جهان معاصر است؛ نخست سرعت و گستره‌ی تغییر و تحول در زندگی امروزی و دوم کثرت الگوهای مورد توجه جامعه‌ی بشری برای زیستن. روشن است که اگر این دو پدیده نبود دیگر پرداختن به سبک زندگی اهمیت کنونی را نداشت برای اثبات این امر کافی است درباره‌ی دیروز و امروز جامعه‌ی خودمان مطالعه کنیم مثلاً سبک زندگی ایرانیان از حدود یکصد سال قبل و بخصوص در دوره‌ی سلطنت پهلوی با هدف خودباختگی در برابر فرهنگ غربی و شروع روند دگرگونی و اضمحلال فرهنگ و تمدن بومی به معنای عام آن، دچار تغییرات عمیق شد.

و اگر به دگرگونی‌های کمی و کیفی که در حوزه‌ی رسانه و ارتباطات در جامعه‌ی ایران و تنها در همین پنجاه سال اخیر رخ داده است، توجه شود به آسانی می‌فهمیم که دگرگونی‌ها زیادی وجود دارد که نتیجه‌ی آن نیز انتخاب‌های گوناگون برای سبک زندگی است. بنابراین سبکی شدن زندگی، نتیجه‌ی دگرگونی‌های گسترده در زندگی و کثرت الگوهای آن است.

انسان امروزی چنان به استفاده از الکتریسیته، اتومبیل شخصی، دوربین، تلفن همراه، آپارتمان نشینی، انواع و اقسام ماشین‌ها و وسایل نوین عادت کرده و در آن غرق شده است که نه به نو ظهور بودن سبک زندگی حاصل از آن‌ها توجه دارد و نه به این مسأله که ورود هر یک از این روش‌ها و فناوری‌ها، دگرگونی‌های بنیادینی در زندگی، احساس، اندیشه، شیوه‌ی زیست و فرهنگ انسان امروزی به وجود آورده و می‌آورد. روشن است که جامعه‌ی ایرانی نیز مانند جوامع دیگر از این دگرگونی‌ها اثر پذیرفته است. در چنین فضایی افراد می‌کوشند سبک زندگی خاص و دلخواه خودشان را بیافرینند. از پیامدهای پرهیزناپذیر سلطه‌ی چنین فرهنگی در جامعه، گسترش ارزش‌های لذت‌گرایانه، نوجویانه، مصرف‌گرایانه و عامه پسند است. برای بررسی وضعیت موجود در جامعه‌ی ایرانی می‌توان به یک مورد در رابطه با سبک زندگی اشاره کرد:

— طولانی شدن دوره‌ی جوانی: تغییر نگاه جامعه به مقوله‌ی اشتغال و فرهنگ کسب و کار، ایجاد موانع متعدد فرهنگی و اجتماعی در برابر ازدواج جوانان و افزایش سطح انتظارات اجتماعی ناشی از ارتقای سطح تحصیلی جوانان همگی موجب شده است که دوره‌ی جوانی در جامعه‌ی ایرانی طولانی‌تر از گذشته شود و جوانان احساس مسئولیت کمتری در برابر خانواده و جامعه داشته باشند. جوان ایرانی در سطوح گوناگون ذهنی و عینی برای عبور از دوره‌گذرا عجله ندارد و برای تکمیل و تصاحب نقش‌های متداول هنجاری مرتبط با بزرگسالی مانند اتمام تحصیلات، اشتغال، ازدواج و فرزندآوری انگیزه‌ی کافی ندارد و با ترتیب و توالی خاص آن مفهوم‌سازی نمی‌کند.^۱

ما ایرانیان از جمله افراد و جوامعی هستیم که متأسفانه شکافی آشکار میان ذهن و زبان اخلاقی ما از یک طرف و رفتار و کردار اخلاقی ما از طرف دیگر وجود دارد. هم ذهنیت اخلاقی بسیار قوی و پربسامدی داریم و هم زبان و گفتار اخلاقی ما از جوامع بسیار دیگری قوی‌تر و آشکارتر است. اما در عمل به بسیاری از گفته‌های اخلاقی خودمان پایبند نیستیم. در نتیجه ظاهرسازی و ظاهرفریبی از جمله آسیب‌هایی است که تعدادی از ما مبتلای به آن هستیم. این ظاهرسازی و ظاهرفریبی را در عرصه‌های مختلفی از زندگی اجتماعی می‌توانیم مشاهده کنیم. هم در ابراز باورها و اعتقادات دینی و هم در مسائل اجتماعی حتی می‌توان گفت استفاده افراطی از لوازم آرایشی در بیرون از خانه، خود نمودی از همین معضل است. البته ظاهرسازی خود معلول روحیه‌ی ظاهرپرینی در جامعه است و در نتیجه به ظاهرفریبی منجر می‌شود.^۲

۱- ذکایی، محمدسعید، فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین نسلی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، ش ۲، ص ۳۶.

۲- شریفی، احمد حسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، ص ۱۱۹.

از جمله عوامل آسیب زننده به سبک زندگی می‌توان به قانون‌گریزی، مصرف‌گرایی، تجمل‌گرایی، کم مطالعه کردن، کارگریزی، اتلاف وقت و... اشاره کرد. در قرآن و سنت مسلمانان به تکرار از نقض و عدول از قوانین الهی منع شده‌اند. داستان‌های فراوان قرآنی مبین مجازات اقوامی است که از قوانین و مقررات شرع سر باز زده و دچار گرفتاری‌ها و عذاب‌های دردناکی گردیده‌اند. باید اقرار کرد معضل قانون‌گریزی از بزرگترین چالش‌ها و آسیب‌های تهدیدکننده سبک زندگی در جامعه‌ی نوین اسلامی ایرانی می‌باشد که در اینجا به بیان برخی از علل آن می‌پردازیم.

— علل تاریخی و حکومت‌های استبدادی سابق: قبل از وقوع انقلاب اسلامی و در قرون گذشته در سرزمین ایران غالباً حکومت‌هایی غیر اسلامی و غیر شرعی به حکومت پرداخته‌اند. خاصه حکومت پهلوی که رویه و مسیری کاملاً غیر اسلامی و غیر شرعی را پیش گرفته و در حوزه‌ی مدیریت و قانون‌گریزی نیز به جای توجه به مضامین و فرامین اسلامی به دنبال تصویب قوانینی بوده است که زمینه‌ی حکومت مطلق و استبداد را برای حکام و پادشاهان فراهم نماید. از این رو مقررات مربوط به آن حکومت نیز غیر شرعی و غیر اسلامی شناخته شده تا جایی که مخالفت علما و مراجع با آن و نقض قانون در میان عامه، قباح خود را از دست داده است. به همین دلیل قانون‌گریزی به صورت یک فرهنگ و عادت متعارف درآمده و همین مسأله موجب شده است که حتی پس از انقلاب اسلامی نیز برخی بر پایه‌ی همان فرهنگ و باور سابق فکر کنند که قانون قداست و اهمیت لازم را نداشته و گاهی در مقابل آن قد علم کنند.

— عدم شناخت و آگاهی نسبت به قانون: به موجب اصل ۱۶۹ قانون اساسی هیچ فعل یا ترک فعلی به استناد قانونی که پس از آن تصویب شده است جرم محسوب نمی‌شود. از این اصل به عنوان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها یاد می‌کنند که به موجب آن اگر هرگونه رفتاری از یک شهروند سر بزند به گونه‌ای که این رفتار در هیچ قانونی جرم شناخته نشده باشد هرچند این عمل کریه و ناپسند باشد غیرقانونی نبوده و جرم محسوب نمی‌شود. اگر مرتکب فعل مجرمانه از غیرقانونی بودن و مجرمانه بودن رفتار خود بی‌خبر باشد چه گناهی بر وی وارد است.

ماده ۲ قانون مجازات اسلامی: هر فعل یا ترک فعلی را که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم خوانده است. اما هیچ مرجع یا مستند قابل دسترس و شناختی وجود ندارد که شهروندان با آن از جرم یا جرم نبودن اعمال خویش پیشاپیش آگاه شوند.

— ضعف عملکرد دستگاه‌های قضایی و نظارتی: توانایی و سلامت عمل قوه‌ی قضاییه در یک جامعه بارزترین و اصلی‌ترین عاملی است که می‌تواند سلامت و دوام و بقای آن جامعه را تضمین کند. متأسفانه دستگاه قضایی به معنای خاص و اجزای پیوسته و تحت پوشش آن نظیر سازمان زندان‌ها و نیروی

انتظامی نتوانسته‌اند مأموریت خطیر و مهم خویش را در کنترل وقوع جرم و جنایت، جلوگیری از تحقق جرم و ناامنی و اصلاح مجرمان که زمینه‌ساز اصلاح جامعه است به نحو مطلوب انجام دهند.

— مشکلات اقتصادی جامعه (فقر و بیکاری): در کلام معصومین علیهم‌السلام فقر بسیار مذموم و مخرب بوده است و مکرراً می‌بینیم که ایشان از فقر به خدا پناه می‌برند و در روایات می‌فرمایند: «اگر فقر از یک در وارد شود ایمان از درب دیگر خارج می‌شود». به نظر می‌رسد فقر و نداری آنقدر خطرناک است که حتی می‌تواند ایمان را برباید. برای فقر تعاریفی ارائه شده است اما به نظر می‌رسد فقر را باید محرومیت مادی، محرومیت از آموزش و بهداشت، آسیب‌پذیری و در معرض خطر بودن، بی‌پناهی و بی‌نوایی دانست.^۱

بیکاری از معضلات امروز جامعه‌ی ایرانی است، هرچند دولت‌ها و مسئولان در دهه‌های اخیر و در شعارهای خویش محرومیت را بر فقرزدایی و مهار بیکاری متمرکز کرده‌اند اما امروزه وضعیت فلاکت‌بار فقر و بیکاری از چالش‌های بزرگ جامعه و از بسترگاه‌های اصلی و عمده‌ی قانون‌گریزی و قانون‌شکنی می‌باشد.^۲

در ادامه برای علل وقوع قانون‌گریزی در ایران می‌توان به دلایل دیگری نظیر ابهام و اجمال قوانین، تکرر و تناقض قوانین، عدم تطابق قوانین با واقعیات جامعه، بی‌توجهی به فرایند حق و تکلیف، تفکیک اخلاق از قانون، بی‌توجهی به اهداف قانون، منفعت‌طلبی و راحت‌طلبی اشاره کرد.^۳ البته هیچ ملت و جامعه‌ای را نمی‌توان یافت که سراسر عیب و نقص باشد جامعه‌ی ما نیز از جمله جوامعی است که نقاط قوت بسیار زیادی دارد از جمله آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی، توجه به حلال و حرام، ظلم‌ستیزی و حمایت از مظلوم، رعایت احترام و ادب را می‌توان از نقاط قوت جامعه‌ی اسلامی ایران برشمرد.^۴

۱- گزارش سال ۲۰۰۱ بانک جهانی در تعریف فقر.

۲- سلسله گزارش‌های رویکرد اجتماعی به جامعه ایران، خرداد ۱۳۹۲.

۳- حسینی، عدالت‌الدین، سبک زندگی و علل وقوع آن در جامعه‌ی ایرانی، ص ۵ - ۱۲.

۴- همان، ص ۱۱۳ - ۱۹۶.

فصل سوم

انواع و عوامل جرم

۱.۳ معرفی جرم

با توجه به تعاریف متعدد از جرم هنوز تعریف واحدی از آن مشاهده نشده است حتی دیده شده که گاهی تعاریف و معانی نه تنها نزدیک به هم نیستند بلکه گاهی ضد و نقیض هم می‌باشند.^۱ جرم با تعابیر مشابهی همچون جنایت، گناه، بزه بکار می‌رود البته جرم در رشته‌های مختلف^۲ به یک معنا نیست. جرم در حقوق کیفری عملی است که در قانون برای آن مجازات پیش‌بینی شده است. جرم به این معنا موضوع جرم‌شناسی نیست زیرا جرم‌شناسی همه‌ی اعمالی را که قانون برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی کرده است را جرم نمی‌داند نظیر برخی از جرایم که از قبح اجتماعی کمتری برخوردارند. مثل عبور از چراغ قرمز.

در حقوق ایران می‌توان به حسد و دروغ اشاره کرد که جرم نیستند ولی در جرم‌شناسی به آن‌ها پرداخته می‌شود و در کشورهای اروپایی جرایمی نظیر همجنس بازی و قمار جرم نیست با این وجود در جرم‌شناسی از آن‌ها بحث می‌شود.^۳

قبل از ورود به بحث لازم است وجه تمایز و تشابه بین جرم و انحرافات مشخص شود. جرم و انحراف^۴ هر دو از نظر اجتماعی نظام جامعه را نقض کرده‌اند، در واقع انحراف به دوری جستن از هنجار اطلاق می‌شود و زمانی رخ می‌دهد که یک فرد یا گروه، معیارهای جامعه را رعایت نکند، اما جرم (که تعریف آن در فصل اول گذشت) متفاوت از انحراف می‌باشد. از این رو جرم به عنوان یک پدیده‌ی قضایی عملی است که قابل مجازات باشد؛ یک رفتار اگرچه هنجارهای اجتماعی را نقض کند تا زمانی که در قانون برای آن ضمانت اجرایی تحت عنوان مجازات تعیین نشود، جرم محسوب نمی‌شود هرچند که می‌توان آن عمل را انحراف نامید. بنابراین واژه‌ی انحراف مفهومی گسترده‌تر از جرم دارد اگرچه هر دو واژه نقض هنجارهای اجتماعی محسوب می‌شوند اما هر نقض هنجاری را نمی‌توان جرم نامید.^۵

۱- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد ۱، ص ۲۱۸.

۲- رشته‌هایی چون، جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اخلاق و حقوق جزا و آیین دادرسی کیفری.

۳- خسروی، محمدحسین، جرم‌شناسی از منظر امام علی (علیه السلام)، دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، ۱۳۸۶ ص ۶-۷.

۴- انحراف عبارت است از مجموعه رفتاری که با هنجارهای اجتماعی در عین اعتبار و اجرا، مطابقت ندارد یا هرگونه رفتاری که با چشم داشت‌های جامعه یا گروه معینی در داخل جامعه تطبیق نداشته باشد.

۵- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۲۳.

۱.۱.۳ جرم از دیدگاه‌های مختلف

در رابطه با جرم دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد که در اینجا به بیان آن‌ها می‌پردازیم.

۱.۱.۱.۳ دیدگاه قرآنی

واژه‌ی جرم و مشتقات آن بیش از شصت بار در قرآن آمده است که اصولاً بر همان معنای لغوی بار می‌شود. قرآن کریم جرم را در مصادیق گسترده‌ای بکار برده است که شامل مستکبران، ستمگران و منکران معاد نیز می‌شود. قصد مرتکب و حالات گوناگون گناهکار می‌تواند تحت عناوینی نظیر ذنب، خطا، اثم آورده شود.^۱

۲.۱.۱.۳ دیدگاه اسلام

از آنجا که جرم در اسلام عبارت است از تجاوز به حریم مصالح معتبر اسلامی انسان، هر تجاوز و ستمی که بر یکی از مصالح عمومی برود از نظر اسلام جرم تلقی می‌شود و برای آن کیفری است.^۲ مصالح معتبر اسلام، مصالح بشر است و نیازهای وی را در جهت مادی و معنوی برآورده می‌کند. انواع مختلف تجاوز و تعدی نسبت به این مصالح انواع مختلف جرم را ایجاد می‌کند.^۳

تجاوز به حق‌الله یعنی تجاوز به حدود و حقوق خداوند متعال که با استغفار، مجرم (شخص معصیت کار) می‌تواند از مجازات رها شود.^۴

تجاوز به حق الناس یعنی تجاوز به حدود و حقوق امت اسلامی که قانون‌گذار برای فرد خاص یا افراد معین مقرر داشته است.^۵

بنابراین از دیدگاه اسلام افکار عمومی هیچ‌گونه دخالتی در جرم بودن یا نبودن فعل یا ترک فعلی ندارند. در شریعت اسلام مبنای گناه و معصیت، کتاب و سنت است که متکی بر وحی الهی است. از این حیث گناه دارای مفهوم ثابت و تغییرناپذیری است که در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها در نزد امت اسلامی لازم الاجراست و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد.^۶

۱- الاهی اصل، محمدرضا، راه‌های پیشگیری از وقوع جرم، ص ۲۳-۲۴.

۲- فیض، علی‌رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۷۵.

۳- همان، ص ۷۷.

۴- شامیبانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ص ۲۲۰.

۵- فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، ص ۴۶.

۶- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، ج ۲، ص ۵۶.

۳.۱.۱.۳ دیدگاه فقها

انجام دادن فعل یا گفتن قول که قانون اسلام آن را حرام شمرده و بر فعل آن کیفری مقرر داشته است یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر ترک آن کیفری مقرر داشته است و این از آنجا نشأت گرفته که هر کس از اوامر و نواهی خدای متعال سرپیچی کند برای او کیفر و مجازاتی معین شده است و آن کیفر یا در دنیا گریبانگیر مجرم می‌شود و در این صورت بوسیله امام علیه‌السلام یا نائب او (یعنی حاکم شرع و ولی‌امر و فقیه جامع‌الشرایط) یا قضات منصوب از طرف او به اجرا در می‌آید و یا کیفر تکلیفی است دینی که مجرم برای اینکه گناهش پوشیده و محو گردد، انجام می‌دهد تا کفاره‌ی گناه او گردد یا اینکه کیفر در آخرت مجرم را معذب خواهد داشت و گناهکار در سرای دیگر به سزای عمل زشت و ناهنجار خود خواهد رسید مگر اینکه توبه مجرم طبق شرایطی مورد پذیرش خدای متعال قرار گیرد.

به طور کلی می‌توان گفت که جرم، مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت است که به تباه شدن فرد یا جامعه می‌انجامد.^۱ این تعریف گرچه ممکن است قلمرو جرم را مشخص کند اما نمی‌تواند به عنوان تعریفی مشخص و روشن از جرم که لازمه‌ی آگاهی به ماهیت آن برای کلیه‌ی افراد است قابل پذیرش باشد.^۲

۴.۱.۱.۳ دیدگاه حقوق‌دانان مسلمان

گروهی از حقوق‌دانان مسلمان جرم را به دو قسمت تقسیم کرده اند:

الف) گناهان یا جرایمی که اثبات آن‌ها در محکمه‌ی شرع بسیار دشوار و یا محال است زیرا این گناهان به گونه‌ای هستند که اغلب ادله‌ای که بتواند آن‌ها را اثبات کند در دست نیست نظیر دروغ، تهمت و ...

ب) گناهان یا جرایمی که در محکمه‌ی قضایی می‌توان برای اثبات آن‌ها شواهدی اقامه کرد. این دسته از گناهان، جرایمی هستند که کیفر و جزایی دنیوی از حد و تعزیر و قصاص و دیات برایشان مشخص شده است. حقوق‌دانان برای این دسته از معاصی، جرم را اصطلاح کرده‌اند و به دسته‌ی اول گناه و اثم را لقب داده‌اند.^۳

۱- شامبیانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ص ۲۱۹.

۲- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، ص ۱۳۶.

۳- فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی، ص ۷۲.

۵.۱.۱.۳ دیدگاه مذهبیون

مذهبیون در تعریف جرم از عقاید دینی الهام گرفته و آن را تضييع و تجاوز به حق الله و حق الناس می دانند.^۱

۲.۱.۳ عناصر تشکیل دهنده ی جرم

برای اینکه رفتار انسان جرم تلقی شود وجود سه عنصر ضروری است که عبارتند از:

۱- عنصر قانونی جرم (یا نص قانونی): قانون فعل یا ترک فعلی را تحت عنوان جرم، قانون گذاری و مجازات آن را بیان کرده باشد. در واقع وصف مجرمانه را باید قانون تعیین کرده باشد. در اینجا به طور خلاصه به دلایل این عنصر اشاره خواهیم داشت:

— آیات

الف) «ما كنا معذبينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُوْلًا»^۲ ما کسی را در خورِ کیفر نمی دانیم مگر هنگامی که پیامبری را برانگیخته باشیم.^۳

ب) «لَا يُكَلِّفُ اللهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا»^۴ خدا هیچ کس را مکلف نمی کند مگر به آنچه که برای آنان آورده باشد.

— سنت

الف) حدیث رفع: مهمترین روایتی که بدان استناد می شود^۵، حدیث رفع است در فرازی از آن حدیث شریف نبوی که عبارت است از «رُفِعَ مَا لَا يَعْلَمُونَ» آنچه را که مکلفین نمی دانند، حکم و مسئولیت و مؤاخذه و عقابی نیست.^۶

۱- شامبانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ص ۲۱۸-۲۱۹؛ گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۹۷.

۲- سوره اسراء، آیه ۱۵.

۳- مراد از بعثت پیامبر همان وصول حکم است به مکلفین، زیرا پیامبر واسطه است که حکم را از خدا به بنده ابلاغ کند. بنابراین قبل از بیان حکم، کسی را مکلف و مسئول نمی دانند.

۴- سوره طلاق، آیه ۷.

۵- این حدیث که سند آن صحیح است هم در مباحث اصولی و هم در مباحث فقهیه در موارد زیادی (در باب معاملات و عبادات) مورد استناد قرار می گیرد. (لنگرانی، فاضل، سیری کامل در اصول فقه، ج ۱۱، ص ۴۰).

۶- فیض، علی رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۱۸۲.

ب) حدیث «الناس فی سِعَةٍ ما لم یَعْلَمون»^۱ یعنی مردم در رابطه با آنچه نمی‌دانند در سعه هستند نسبت به آن چیزهایی که برایشان مجهول است و احکامی که نسبت به آن علم ندارند.^۲

— اصل

الف) اباحه: هرگاه حلال یا حرام بودن چیزی مورد شک و تردید قرار گیرد، اصل اباحه جاری می‌شود پس اصل در اشیاء قبل از ورود شرع، اباحه است زیرا هیچ‌گونه دلیلی (اعم از علم یا علمی) بر اینکه عمل، ضرر دنیوی دارد، دلالت ندارد و برای اثبات ضرر اخروی نیز دلیل شرعی باید اقامه گردد در حالی که فرض ما بر این است که فاقد دلیل شرعی هستیم. اگر در واقع عقابی در کار بود، لازم بود خداوند به ما اعلام نماید بنابراین ضرر دنیوی و اخروی منتفی است و در نتیجه اباحه حاکم است.^۳

ب) اصل قبح عقاب بلا بیان: عقل بر پایه‌ی قاعده‌ی قبح عقاب بلا بیان که یک قاعده‌ی عقلی است حکم می‌کند به اینکه هر قانونی هر گاه از طرف قانونگذار بیان نشده باشد، نمی‌تواند کیفری داشته باشد و هر گاه قانونگذار بخواهد بر چنین مخالفتی کیفر دهد کار زشت و ناپسندی است.

۲— عنصر مادی جرم:^۴ عنصر مادی جرم یا عمل خارجی عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون آن را جرم شناخته است و به وسیله‌ی مجرم در خارج انجام می‌گیرد. چنانچه در خارج تحقق پیدا نکند، عنصر مادی محقق نشده است.^۵ عنصر مادی جرم دارای مصادیقی است:^۶

— ممکن است فعلی از افعال باشد نظیر سرقت، قتل، ایراد، ضرب و جرح، زنا.

— ممکن است ترک فعل باشد یعنی قانون‌گذار وظیفه‌ای را برای مردم مقرر داشته است که ترک وظیفه یا تکلیف، عنصر مادی جرم را تحقق می‌بخشد که خود جرم است. نظیر اینکه پزشکی از درمان بیمار خودداری کند.

— ممکن است داشتن و یا نگه داشتن برخی اشیاء باشد نظیر اسلحه‌ی غیر مجاز.

۳— عنصر معنوی جرم یعنی فرد بالغ و عاقل و مختار بوده و در ارتکاب جرم قصد و آگاهی داشته باشد.

۱- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۱۳، ص ۱۳۹.

۲- لنکرانی، فاضل، سیری کامل در اصول فقه، ج ۱۱، ص ۲۳۳ - ۲۳۴.

۳- قلی‌زاده، احمد، فرهنگ اصطلاحات اصول فقه، ص ۷۴ - ۷۵.

۴- اسلام عنصر مادی را جرم می‌شناسد و آن دو عنصر دیگر را (عناصر قانونی و عنصر معنوی) از امور و شرایط لازم برای تحقق یافتن جرم قلمداد می‌کند.

۵- ر.ک: گلدوزیان، ایرج؛ شامیاتی، هوشنگ؛ اردبیلی، محمدعلی؛ حقوق جزای عمومی و فیض، علی‌رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی.

۶- فیض، علی‌رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۱۹۱.

۳.۱.۳ تقسیم جرایم و مجازات‌ها

هر جرمی به نحوی حقوق دیگران و امنیت و آرامش جامعه را خدشه‌دار می‌کند، در حقوق اسلامی برای جرایم مختلف بنابر محاسباتی مجازات‌هایی تعیین شده که در این قسمت به اقسام جرم و مجازات‌ها می‌پردازیم.

۱.۳.۱.۳ اقسام جرایم

تقسیمات کلی و بیشماری در مورد جرایم وجود دارد.^۱ می‌توان جرم را به چند دسته تقسیم نمود:^۲

— جرایم جنسی: هر رابطه‌ی جنسی که از حیطه‌ی روابط مشروع بیرون باشد، جرم جنسی خواهد بود که زنا و لواط از شایع‌ترین آن‌ها است. دستورات نظام اسلامی در خصوص نحوه‌ی ارتباط و معاشرت با زنان بیگانه، اقدام پیشگیرانه‌ای است بر تمام جرایم جنسی از جمله تجاوز به عنف.

بعضی از جرایم جنسی در قوانین جزایی کشور ما در قانون مجازات (کتاب دوم تحت عنوان حدود و فصل هجدهم از کتاب پنجم تحت عنوان جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی، تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) جرم‌انگاری شده‌اند. به‌ویژه با توجه به ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد «هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

به نظر می‌رسد هر نوع انحراف جنسی که مستقیماً در قانون جرم‌انگاری نشده است را می‌توان تحت عنوان فعل حرام (طبق این ماده) مجازات نمود. از طرفی در فقه جزایی اسلام به حاکم اسلامی اجازه داده شده که در صورت ارتکاب هر نوع انحراف جنسی از قبیل حیوان‌خواهی، خودارضایی و... از ناحیه‌ی فرد وی را تعزیر نماید. از این رو می‌توان گفت قوانین جزایی ما با توجه به جنبه‌ی اسلامی آن و با توجه به مواد اشاره شده تمامی انحرافات جنسی را پوشش داده و برای آن‌ها مجازات تعیین نموده

-
- ۱- یک نمونه تقسیم جرم در حقوق موضوعه: - جرایم علیه اشخاص، - جرایم علیه اموال - جرایم علیه امنیت و آسایش - جرایم علیه عدالت که هر کدام از این جرایم تقسیم بندی جداگانه ای دارد. برای مطالعات بیشتر رجوع شود به کتب جزای عمومی.
 - ۲- خردمند، محمد، درسنامه‌ی پیشگیری از جرم، ص ۲۰-۲۱ و علی‌پور رجبی، علی، مقایسه کارآمدی نظام دینی و غیر دینی در پیشگیری از جرم، پایان نامه سطح ۳ حوزه علمیه استان قم، ص ۳۹-۴۰.

است. لذا با تسامح می‌توان گفت که پیشگیری از جرایم جنسی در قانون ما شامل تمامی انحرافات جنسی نیز می‌گردد.^۱

— جرایم اخلاقی و اجتماعی: نظام الهی برای پدیده‌های جرم‌زایی مانند غیبت، تهمت، نگاه به نامحرم، بی‌احترامی به والدین و... سفارشات پیشگیرانه نموده است که اگر رعایت شود جرایم منبعث از این مبادی به کلی از بین خواهند رفت.

— جرایم سیاسی: تعریف دقیقی از جرم سیاسی ارائه نشده است ولی می‌توان آن را جرایمی دانست که ضد دولت و حکومت انجام می‌شود. جرایمی نظیر کوتاهی و سستی از رهبران و حاکمان عدل و مجازات آنان، سپردن مقام‌های سیاسی به افراد ناشایسته و عزل شایستگان و عواقب آن، تقلب در انتخابات و شمارش آرای مردم و... که نظام اسلامی در تمام اعصار اقدامات پیشگیرانه دارد.

— جرایم اقتصادی: جرایمی که به پایمال کردن حقوق مالی شخص یا گروهی می‌انجامد. نپرداختن خمس و زکات و کفاره‌ی واجب، غصب اموال دیگران، اختلاس از بیت‌المال، اسراف و تبذیر اموال شخصی و عمومی، احتکار و انحصار تولید و توزیع از این جمله‌اند. جرم سرقت در همه‌ی اعصار و در همه‌ی جوامع معضل بزرگی برای اندیشمندان جرم‌شناسی و حقوق‌دانان است. نظام الهی در پیشگیری از این جرم در هر زمان و مکانی وجوب اجرای حد را پیشنهاد می‌دهد. اگر کسی بداند که نتیجه‌ی ارتکاب جرم سرقت موجب از دست دادن یکی از اعضای خود می‌شود، اندیشه‌ی مجرمانه‌ی سرقت را در سر هم نخواهد داشت.

— جرایم فرهنگی: تبلیغ و ترویج آموزه‌های ضد اسلامی و تشکیک در آموزه‌های اصیل اسلامی، تحریف دین و بدعت‌گذاری، اهانت به مقدسات اسلامی و پیامبران آسمانی و تحقیر مسلمانان و تضعیف روحیه‌ی آنان، تعطیل کردن مساجد و حسینیه‌ها و مدارس علوم اسلامی، ممانعت از مراسم عزاداری امام حسین علیه‌السلام، جلوگیری از نشر کتاب‌ها و مجله‌های علمی و اسلامی از این دسته هستند.

برخی جرایم دو یا چند وجهی است. مثلاً از جهتی سیاسی است و از جهتی دیگر اخلاقی برای نمونه نپرداختن خمس و زکارت از این نظر که سبب اختلال در وضعیت اقتصادی جامعه اسلامی شود، جرم اقتصادی می‌شود و از آن نظر که باعث فساد می‌شود، جرم فرهنگی است.^۲

۱- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۲۷.

۲- خردمند، محمد، درسنامه‌ی پیشگیری از جرم، ص ۲۱.

۲.۳.۱.۳ تقسیم مجازات‌ها

وجود دو کیفر دنیوی و اخروی در شریعه‌ی اسلام مسلمانان معتقد و مسئول را از ارتکاب گناه مستلزم عقوبت باز می‌دارد و واجد جنبه‌ی پیشگیری است^۱ که به برخی از جنبه‌های دنیوی در ذیل اشاره می‌کنیم.

۱- اعمال ممنوع از سوی شارع مقدس گاهی علاوه بر مجازات اخروی دارای مجازات دنیوی معین هم هستند که حدود نام دارند. گاهی در این اعمال ممنوع علاوه بر مجازات اخروی به خاطر تجاوز به حقوق اشخاص حقیقی، مجنی علیه حق مقابله به مثل یا اخذ خسارت مالی بر اساس توافق یا عفو را دارد که به آن‌ها قصاص و دیات می‌گویند. گاهی نیز اعمال ممنوعی وجود دارد که جز برای برخی موارد خاص آن، مجازاتشان معین نشده است، برخلاف اینکه مجازات اخروی دارند و ممکن است از اعمال ممنوع و گناهان صغیره باشند یا کبیره که تعزیر نامیده می‌شوند.^۲ اما در کنار این سه دسته اعمال ممنوع برخی اعمال وجود دارد که شرعاً نهی مشخصی در مورد آن‌ها وارد نشده است اما ارتکاب آن‌ها از سوی مردم موجب ایجاد مفساد و آثار سوء در جامعه می‌شود و منخل نظم اجتماعی خواهد بود نظیر قوانین راهنمایی و رانندگی^۳ ولی باید گفت دایره‌ی شمول گناه مستلزم کیفر و عقوبت در شریعت اسلام بسیار وسیع‌تر از رفتارهایی است که قوانین حدود و قصاص و دیات و تعزیرات آن را جرم می‌داند و لذا سیاست کیفری در این مورد با پیشگیری از ارتکاب جرم همراه است.^۴

۲- کیفرهای اخلاقی مانند کسی که می‌تواند برهنه‌ای را در هوای سرد زمستان بپوشاند اما این کار نیک را انجام ندهد که در این حال وجدان او به سرزش و توبیخ خواهد پرداخت و او را آزرده‌خاطر خواهد ساخت تا به انجام کار نیک و ترک رفتار زشت مجبور شود.

۳- کیفر طبیعی یعنی ممکن است گناهی در پنهان واقع گردد و وجدان شخص جنایت‌کار از فعالیت بازبماند و یا اعمال زشت در جامعه پسندیده جلوه کند و منکری به جای معروف بنشیند که در این صورت احکام الهی به مرحله‌ی اجرا در نمی‌آید و فرد یا جامعه‌ی گناهکار از مجازات طبیعی در امان نخواهند بود. برای مثال اگر در جامعه‌ای شراب‌خواری مباح شمرده شود، بیماری‌های ناشی از الکل از قبیل زخم معده و نارسایی کبد و کلیه و... او را مجازات خواهند کرد. همچنین کسی که گندم و برنج و سایر غلات را احتکار کند از هجوم شپش به انبارهای خود در امان نخواهد بود و یا شخصی که به

۱- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۰۵.

۲- غلامی، علی، از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی ص ۳۵۲.

۳- همان ص ۲۵۲.

۴- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۰۵.

زناکاری عادت کند علاوه بر بیماری‌های ناشی از ضعف اعصاب به امراض مقاربتی گرفتار خواهد شد. جامعه‌ی آلوده به گناهان نیز به انواع مصائب و جنایات مبتلا خواهد شد مانند جوامع امروز بشری که مهم‌ترین اخبار رسانه‌های گروهی آن‌ها را جنگ و سرقت‌های هوایی و ترور و آدم‌کشی تشکیل می‌دهد. بنابراین هرکسی یا هر قوم و ملتی که سنت الهی و قانون خداوندی را در هم شکند از مجازات طبیعی رهایی نخواهد یافت.^۱

پس کیفرهای دنیوی (و البته اخروی) در حقوق جزای اسلامی نسبت به مجازات‌ها در سایر جوامع از قاطعیت و حتمیت اجرایی بیشتری برخوردار است زیرا صرف‌نظر از عوامل مختلف مؤثر در ارتکاب جرم لااقل از این لحاظ به بزهکار برای محاسبه و ترجیح منافع حاصل از ارتکاب گناه به امید رهایی از جنگال قانون و عدالت، مجالی نمی‌دهد.^۲

۳.۱.۲.۳.۱. حدود؛ تاریخچه و مبانی دینی اجرای آن

تاریخچه‌ی علنی حدود به زمان پیامبر اسلام و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام برمی‌گردد و پس از آن در برخی از کشورهای اسلامی صورت گرفته و کماکان نیز ادامه دارد.^۳ حدود دارای ویژگی‌هایی است که به صورت جداگانه مورد نظر شارع مقدس قرار گرفته است. در تعریف حدود آمده آن دسته از کیفرهایی که شارع مقدس در کتاب و سنت در مقابل برخی از گناهان به طور دقیق، میزان و چگونگی آن را معین نموده است. گناهانی که کیفر آن از طرف شارع تعیین شده عبارتند از: زنا، سحر، قیاد، قذف، شرب خمر، دزدی، محاربه، ارتداد و موارد دیگر.^۴

در حقوق کیفری اسلام کمتر جایی را می‌توان یافت که مستقلاً به مبانی اجرای علنی حدود الهی پرداخته باشد ولیکن در کتب فقهی به صورت پراکنده به موضوع لزوم اجرای حدود و در عین حال آثار ترک آن برای جامعه اشاره شده است. آیه دوم سوره‌ی نور تنها جایی است که در قرآن کریم صریحاً به علنی بودن اجرای مجازات اشاره شده است.^۵ در این آیه حد زنای غیرمحصن را یکصد ضربه شلاق تعیین کرده است و سستی در اجرای حد را مردود دانسته و خواسته است که هنگام اجرای حد طایفه‌ای

۱- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۵۰.

۲- گلدوزیان، حقوق جزای عمومی ایران، ص ۱۰۵.

۳- صدیق سروسستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی، ص ۲۰۶.

۴- فیض، علی‌رضا، مبادی فقه و اصول، ص ۳۱۷.

۵- «الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلْيَشْهَدْ عَذَابُهُمَا طَائِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ»

از مردم حضور یابند. منظور شارع از احضار مردم در اطراف افرادی که حد بر آنان جاری می‌شود این است که مجرم شناخته شود و آبرویش برود. البته در متون فقهی علاوه بر صد ضربه شلاق برای مرد و زن زانیه غیرمحسن، تراشیدن موی سر و تبعید نیز برای مرد منظور شده است. با این استدلال که حفظ آبروی مؤمن قبل از اثبات جرم واجب است ولی بعد از اثبات جرم باید علنی شود. از این رو شرع هم فرموده سرش را تراشیده و در حین شلاق زدن مردم را جمع کنید و از شهری به شهری تبعید کنید تا آبرویش از بین برود.

در مورد سرقت، بریدن دست سارق و آویختن دست بریده به گردن وی جز سنت رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله محسوب شده است.^۱ تکثیر جرایم و جنایات معلول اجرا نشدن حدود اسلامی است. اگر دست دزد را می‌بریدند و مرتکبین اعمال زشت دیگر را مطابق موازین اسلامی به کیفر می‌رساندند هرگز برای جلوگیری از این مفاسد محتاج به صرف این مخارج هنگفت و این تشکیلات عریض و وسیع و بی‌فایده نمی‌شدند.^۲

در اهمیت اجرای حدود الهی همین بس که برخی از ائمه نظیر امام کاظم و امام باقر علیهم‌السلام اجرای آن را مفیدتر از باران چهل شبانه‌روز دانسته‌اند. همچنین روایت شده که در اجرای حدود لحظه‌ای درنگ جایز نیست و اینکه افراط و تفریط در این کار و تبعیض بین فقیر و غنی، زن با مرد و مسئول یا غیرمسئول وجود ندارد.^۳

نظام کنترل اجتماعی در هر جامعه‌ای نیز مجازات رفتارهای خلاف قانون را با مقاصدی خاص اعمال می‌کند که از جمله آن‌ها عبارتند از:

— بازدارندگی فردی: به متخلف هشدار می‌دهد که ارتکاب اعمال خلاف با چنین مجازات‌های تلخی مواجه خواهد بود.

— بازدارندگی جمعی: به دیگران هشدار می‌دهد که از ارتکاب اعمالی که عامل آن با چنین مجازات‌های تلخی مواجه خواهد شد، پرهیز کنند.

— آرامش اجتماعی: به مردم اعلام می‌شود که متخلفان نمی‌توانند از چنگ مجازات قانونی اعمال خلاف خود فرار کنند و چشم نظارت و کنترل قانون باز و مراقب است و از منافع مردم حمایت می‌کند. اصل بر تنبیه متخلف و بازدارندگی و پیشگیری از جرم در جامعه است که بر اساس آن اولاً هرکس که جرمی مرتکب می‌شود سزای عمل خلاف خود را خواهد دید و ثانیاً وضعیت اجرای مجازات

۱- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۲۰۸.

۲- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص ۶.

۳- صدیق سروستانی، رحمت‌الله، آسیب‌شناسی اجتماعی، ص ۲۰۹.

بازدارندگی و پیشگیری از تخلف مشاهده می‌شود. احتمالاً علت تعمیم و تسری حکم قرآنی در مورد حد زنا به سایر حدود و تعزیرات همین نکته است.^۱

۲.۲.۳.۱.۳ تعزیرات

تعزیر در لغت به معنای تعظیم، توقیر، ضرب، منع و تأدیب مادون حد (در امری که حد شرعی ندارد) «التعزیر هاهنا الإعانة و التوقیر مرّة و أصل التعزیر: المنع و الردُّ فكأن من نصرته قد ردّدت عنه اعداءه و منعته من أذاه و لهذا قيل للتأدیب الذی هو دون الحد».^۲

در جایی دیگر آمده تعزیر یعنی نصرت توأم با تعظیم و تعزیر (تنبیه مجرم) را از آن جهت تعزیر گویند که تأدیب است و تأدیب یاری کردن به مجرم است.^۳

در اصطلاح به «نظام کیفرهای نامعین» تعزیر گفته می‌شود به عبارت دیگر عقوبتی است که مقدار آن در شرع معین نشده است. لذا رکن اصلی این کیفرها «عدم مقدر بودن» آنهاست و بر این امر ادعای اجماع شده است. تعزیر ملاک دیگری هم دارد که آن «دون الحد» یعنی کمتر از حد بودن آن است. در اینکه تعزیر انحصار در زدن دارد یا شامل مجازات‌های دیگر حتی اعدام نیز می‌شود، توافق نظر وجود ندارد. بعضی بر این باورند که تعزیر تنها به وسیله‌ی زدن انجام می‌شود و ملاک آن‌ها روایات و کلمات فقها بوده که در آن تعبیر «دون الحد» به کار رفته است ولی اکثر فقها معتقدند، تعزیر اختصاص به زدن ندارد و عنوان زدن در روایات و کلمات فقها به دلیل سهل الوصول بودن آن یا به دلیل تأثیر بیشتر آن بوده است. بنابراین تعزیر بر حسب مراتب گناه و مرتکب آن می‌تواند دارای مراتبی باشد.

محقق حلی بر این امر تصریح کرده که تعزیر اعم از زدن، حبس، توبیخ و... است که در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۸۷ نیز این نظر مورد تبعیت بوده^۴ البته تعزیر در قانون مجازات اسلامی (ماده ۱۸) مصوب ۱۳۹۲ چنین تعریف شده: «تعزیر مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد.

۱- همان.

۲- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم، لسان‌العرب، ج ۴، ص ۵۶۲.

۳- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۳۷.

۴- ماده ۱۶ قانون مجازات مصوب ۱۳۸۷ تعزیر را ایگونه تعریف کرده است:

«تعزیر تأدیب یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع معین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس، جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد».

نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود...»

۱.۲.۳.۱.۳ ویژگی های تعزیر

از مجموع احکام و مقررات ناظر بر تعزیرات می توان ویژگی های آن را چنین فهرست نمود:

- ۱- تعزیر، کیفری نامعین است.
- ۲- تعزیر یک ضرورت است، لذا به حداقل آن اکتفا می شود «الضرورت تقدر بقدرها».
- ۳- در تعزیر، شخصیت مجرم، وضع روحی و جسمی و شرایط زمان و مکان دخالت دارد.
- ۴- در کیفر تعزیر، حاکم حق عفو دارد.
- ۵- در اجرای تعزیر، باید امید به اصلاح و تأدیب وجود داشته باشد.
- ۶- تعزیر، تناسب مستقیم با جرم و حالات مجرم دارد.
- ۷- تعزیر، مطلقاً با توبه ساقط می شود.
- ۸- تعزیر، قابل شفاعت است.
- ۹- تعزیر، کمتر از حد باید باشد.

امروزه اکثر حقوق دانان بر این باورند که بهترین عامل در تأمین عدالت اجتماعی و امنیت قضایی و تضمین حقوق انسان ها همان اجرای تعزیرات است که معروف به سیستم کیفری نامعین می باشند. از دیدگاه حقوق کیفری اسلام فلسفه ی تعزیرات، تأدیب و منع بوده و کیفر تعزیر جنبه ی اصلاحی و تربیتی دارد و بررسی آن تابع مصلحت است. حاکم اسلامی باید طبق مصالح فرد و جامعه، شرایط زمانی و مکانی، ویژگی های اخلاقی، روانی و حتی خصوصیات جسمانی بزهکار به تعیین و اجرای کیفر تعزیر اقدام نماید.

به طور کلی تعیین حکم تعزیر به عهده ی حاکم و قاضی است و زمان و مکان اجرای تعزیرات و علنی و غیر علنی بودن آن را نیز حاکم و قاضی تعیین می کند. البته تعزیرات همیشه شلاق زدن و حبس کردن نیست و شامل هر نوع مجازاتی است که مجرم را تحت فشار قرار می دهد.

— تفاوت تعزیر با حد^۱

اگرچه حد و تعزیر در وجوهی همچون مجازات بودن، اثبات از طریق ادله ی شرعی با هم اشتراکاتی دارند ولی تفاوت های متعددی نیز با یکدیگر دارند که عبارتند از: تفاوت در میزان (حداقل و حداکثر)،

۱- غلامی، علی، از امنیت اخلاقی تا اخلاق حسنه، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.

وجوب اقامه‌ی حد بر خلاف تعزیر، توجه به تناسب جرم و مجازات در تعزیر، اجرای تعزیر به شرط سودمندی، تعزیر تابع مفسده، تفاوت در سقوط، تفاوت در تأثیرناپذیری شرایط، تفاوت در حق‌الله و حق‌الناس، تفاوت در حکم اقامه و عدم قبول عفو و شفاعت در حدود.

اما آیا در رابطه با حق اقدام اجرای تعزیر، حکومت حق دارد اقدام به جرم‌انگاری نماید و این اعمال که شرع نهی مشخص و خاصی نسبت به آن در نظر نگرفته است را ممنوع اعلام کرده و مرتکبان را مجازات نماید؟

در این مورد شهید اول (ره) می‌فرماید: «الرابع: انه تابع للمفسده و إن لم تكن معصیه كتادیب الصیبان ... و المجانین، استصلاحاً لهم». نظر ایشان این است که تعزیر تابع مفسده است و اگر عملی مفسده داشته باشد می‌توان برای آن مجازات تعزیری اعلام نمود؛ هرچند در شرع حرام نباشد مانند اعمال ارتكابی از ناحیه اطفال و مجانین که تأدیب آن‌ها به صورت تعزیر به منظور اصلاح و تربیت آن‌ها صورت می‌گیرد. لذا ایشان تعزیرات را لزوماً مصادیق محرمات الهی نمی‌دانند و اعمال مفسده‌آور را در برخی موارد مشمول تعزیر می‌دانند.

این عبارت شهید اول به وضوح بیان‌کننده‌ی این مطلب است که جرم‌انگاری و مجازات مرتکبین اعمالی که در شرع مشمول ممنوعیت خاصی نیست ولی حاکم اسلامی بنا به ضرورت و ناظر به مصالح و مفسد واقعی جامعه‌ی اسلامی آن‌ها را جرم‌انگاری نموده است، امری طبیعی و ضروری می‌باشد و ضرورتی جهت انحصار اوامر و نواهی حاکم در الزامات و منهیات شرع وجود ندارد و ملاک، رعایت مصالح و مفسد جامعه‌ی اسلامی است.^۱

بر همین اساس حکومت اسلامی را باید علاوه بر اینکه موظف به جرم‌انگاری اعمالی دانست که در شرع مشمول حکم حرمت قرار نگرفته اند که انجامشان ایجاد مفسده می‌نماید، ضرورت هم دارد که از آن‌ها جلوگیری و با مرتکبینشان برخورد شود.^۲

۱- همان، ص ۳۵۳.

۲- همان.

۲.۳ عوامل ارتکاب جرم

ارتکاب جرم یعنی از قوه به فعل درآوردن هر نوع جرمی است^۱، جرم مانند مسائل دیگر بدون مقدمه تحقق نمی‌یابد و برای تحقق آن یک‌سری پیش‌نیازها لازم است. بنابراین می‌توان گفت جرم مشمول اصل علیت است؛ علت وقوع جرم عامل مهمی برای پیشگیری از وقوع آن است.

عوامل جرم‌زا شامل عوامل زیستی یا وراثتی، عوامل محیطی یا اجتماعی و امثال آن‌ها است و مشتمل بر مواردی بوده که اراده‌ی مجرم را تحت تأثیر قرار داده و او را به سمت جرایم به حرکت در می‌آورد. بنابراین ابتدا باید علل و عوامل جرم را بررسی نمود و سپس راهبردهای مؤثر در پیشگیری از جرم را در مورد آن اعمال نمود.^۲

در علل جرایم از منظر آموزه‌های دینی لازم است بعضی از عوامل که وجود آن‌ها در جامعه موجب انحراف و ضلالت انسان است را براساس اهمیت هر یک و به میزان گنجایش رساله، مورد بحث و ارزیابی قرار دهیم.

۱.۲.۳ نقش جهالت در ارتکاب جرم

جهل به معنی نادان بودن یا نادانی کامل است^۳ و وقوع جرم با جهالت رابطه‌ای مستقیم دارد به طوری که نخستین زمینه‌ی بروز هر ناهنجاری و عصیانی است و به اثبات رسیده که مردمان جاهل جنایات بزرگ را مرتکب شده‌اند. بنابراین هر چه مردم جاهل‌تر باشند وقوع جرایم در میان آن‌ها بیشتر خواهد بود.^۴ از دیدگاه متون اسلامی، آگاهی صحیح از جمله عوامل بازدارنده‌ی انسان از رفتارهای نادرست و نابهنجار است و جهالت و نادانی سرمنشاء بسیاری از خطاها و گمراهی‌ها است.^۵ بنابراین برای اینکه جامعه از خطر جرم در امان باشد ابتدا باید با جهالت مبارزه شود.

۱- دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، ص ۳۷۶

۲- میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از بزهکاری، ص ۳۷ - ۳۸.

۳- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۲۵۹.

۴- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۸۳ - ۸۵.

۵- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۵۴.

۱.۱.۲.۳ آثار جهل در قرآن کریم^۱

۱- جهل عامل اختلاف است.

«لَا يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَىٰ مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ»^۲ (یهودان از ترس) بر جنگ با شما جمع نمی‌شوند مگر در قریه‌های محکم حصار یا از پس دیوار (دشمنی مکر و حيله و جاسوسی)، کارزار بین خودشان سخت است، شما آن‌ها را جمع و متفق می‌پندارید در صورتی که دل‌هاشان سخت متفرق است زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند.

۲- جهل عامل برادرکشی است.

«قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ»^۳ گفت: آیا دانستید وقتی که نادان بودید با یوسف و برادرش چه کردید؟

۳- جهل عامل بت‌پرستی است.

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»^۴ و بنی‌اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. به موسی گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار ده، همان‌گونه که آن‌ها معبودان (و خدایانی) دارند. گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید!

۴- جهل عامل بی‌ادبی است.

«إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ»^۵ کسانی که تو را از پشت حجره‌ها بلند صدا می‌زنند بیشترشان نمی‌فهمند.

۱- هاشم پور، یوسف، علل بزهکاری و راه‌های پیشگیری آن در اسلام، رساله سطح ۴ حوزه علمیه قم، ص ۶۹-۷۰.

۲- سوره حشر، آیه ۱۴.

۳- سوره یوسف، آیه ۸۹.

۴- سوره اعراف، آیه ۱۳۸.

۵- سوره حجرات، آیه ۴.

۵- جهل عامل بی‌ایمانی است.

«وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَكِنْ أَكْثَرُهُمْ يَجْهَلُونَ»^۱؛ و اگر ما فرشتگان را به سویشان نازل می‌کردیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و هر چیزی را در برابرشان گرد می‌آوردیم، امکان نداشت ایمان بیاورند مگر اینکه خدا بخواهد ولی بیشترشان نادانی می‌کنند.

۶- جهل عامل بهانه‌جویی است.

«وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»^۲؛ افراد نادان گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید یا برای ما معجزه‌ای نمی‌آید کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می‌گفتند [و افکار] شان به هم می‌ماند ما نشانه‌ها [ای خود] را برای گروهی که یقین دارند نیک روشن گردانیده‌ایم.

۷- جهل عامل بی‌بصیرتی است.

«فَمَنْ يَعْلَمْ أَنَّما أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنَ رِبِّكَ الْحَقَّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَى إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُوا الْأَلْبَابِ»^۳؛ آیا کسی که می‌داند آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده حق است همانند کسی است که نابیناست؟! تنها صاحبان اندیشه متذکر می‌شوند.

۸- جهل عامل تقلید کورکورانه است.

«إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ، قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ، قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۴؛ آنگاه که به پدر و قوم خویش گفت: این مجسمه‌هایی که شما آن‌ها را می‌پرستید، چیستند؟ (مشرکان در پاسخ) گفتند: ما پدران و نیاکان خود را بر پرستش آن‌ها یافتیم. (ابراهیم) گفت: همانا شما و پدرانتان در گمراهی آشکار بوده‌اید.

۱- سوره انعام، آیه ۱۱۱.

۲- سوره بقره، آیه ۱۱۸.

۳- سوره رعد، آیه ۱۹.

۴- سوره الانبیاء، آیه ۵۴-۵۲.

۹- جهل عامل سقوط انسانیت است.

«إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»؛ به یقین بدترین جنبنندگان نزد خدا، افراد کر و لال (و کوردلی) هستند که اندیشه نمی کنند.

۱۰- جهل عامل سوء ظن است.

«ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُم مِّن بَعْدِ الْغَمِّ أَمْنَةً نَّعَاسًا يَغْشَى طَآئِفَةً مِّنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَى مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحَّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ»؛^۱ سپس [خداوند] بعد از آن اندوه آرامشی [به صورت] خواب سبکی بر شما فروفرستاد که گروهی از شما را فرا گرفت و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند و درباره‌ی خدا گمان‌های ناروا همچون گمان‌های [دوران] جاهلیت می بردند و می گفتند: آیا ما را در این کار اختیاری هست بگو سر رشته کارها [شکست یا پیروزی] یکسر به دست خداست آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می داشتند که برای تو آشکار نمی کردند، می گفتند: اگر ما را در این کار اختیاری بود [و وعده‌ی پیامبر واقعیت داشت] در اینجا کشته نمی شدیم بگو اگر شما در خانه‌های خود هم بودید کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می رفتند و [این‌ها] برای این است که خداوند آنچه را در دل‌های شماست [در عمل] بیازماید و آنچه را در قلب‌های شماست پاک گرداند و خدا به راز سینه‌ها آگاه است.

۱۱- جهل عامل خودنمایی و بی حجابی است.

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»؛^۲ و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینت‌های خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و فرستاده‌اش را فرمان برید خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.

۱- سوره انفال، آیه ۲۲.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۴.

۳- سوره احزاب، آیه ۲۳.

۱۲- جهل عامل زشت کاری است.

«إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»^۱ پذیرش توبه بر خدا برای کسانی است که از روی جهالت کار بد می‌کنند سپس زود توبه می‌کنند. پس خداوند توبه‌ی آنان را می‌پذیرد و خداوند دانا و حکیم است.

«وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۲ و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند نزد تو آیند بگو درود بر شما پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید پس وی آمرزنده‌ی مهربان است.

«ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»^۳ باز هم خدا بر آنان که از روی جهالت و نادانی عمل زشتی انجام داده و سپس به درگاه او توبه کرده و (فساد آن عمل زشت را) اصلاح کنند، بعد از توبه خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۱۳- جهل عامل فراموشی و شک است.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نَظْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرَّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَى أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»^۴ ای مردم، اگر شما در (روز قیامت و قدرت خدا بر) بعث مردگان شک و ریبی دارید (برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید که ما شما را نخست از خاک آفریدیم آنگاه از آب نطفه، آنگاه از خون بسته، آنگاه از پاره‌ای گوشت با آفرینشی تمام و ناتمام تا) در این انتقال و تحولات قدرت خود را) بر شما آشکار سازیم و (از نطفه‌ها) آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحم‌ها قرار می‌بخشیم تا به وقتی معین، آنگاه شما را به صورت طفلی (چون گوهر از صدف رحم) بیرون آریم تا (زیست کرده و) سپس به حد بلوغ و رشد خود برسید و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرف شود و هیچ فهم

۱- سوره نساء، آیه ۱۷.

۲- سوره انعام، آیه ۵۴.

۳- سوره نحل، آیه ۱۱۹.

۴- سوره حج، آیه ۵.

نکند و دلیل دیگر از ادله‌ی قدرت خدا بر معاد آنکه) زمین را بنگری وقتی خشک و بی‌گیاه باشد آنگاه چون باران بر آن فرو باریم سبز و خرم شود و (تخم‌ها در آن) نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند.

«وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدِّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ»؛^۱ خدا شما را آفریده و سپس می‌میراند؛ و بعضی از شما را به سن انحطاط و پیری می‌رساند که هر چه دانسته همه را فراموش می‌کنید. همانا خداست که همیشه دانا و تواناست.

۱۴- جهل عامل فحشا و تعرض به ناموس دیگران است.

«قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ»؛^۲ [یوسف] گفت: پروردگارا زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد.

۱۵- جهل عامل فساد است.

«لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ»؛^۳ تا با وجود آن همه نعمت که به آن‌ها دادیم باز به راه کفر و کفران روند. باری (این دو روزه دنیا) به کامرانی بپردازید که به زودی خواهید دانست.

۱۶- جهل عامل کفرورزی است.

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا»؛^۴ کسانی که کافر شدند، و (مردم را) از راه خدا بازداشتند، در گمراهی دوری گرفتار شده‌اند.

۱۷- جهل عامل لغوگرایی و هززه‌گویی است.

«وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ»؛^۵ و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید که ما هرگز مردم (هززه‌گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

۱- سوره نحل، آیه ۷۰.

۲- سوره یوسف، آیه ۳۳.

۳- سوره نحل، آیه ۵۵.

۴- سوره الانساء، آیه ۱۶۷.

۵- سوره قصص، آیه ۵۵.

۱۸- جهل عامل لجاجت است.

«إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا»؛^۱ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که کافران در دل‌های خود خشم و نخوت جاهلیت داشتند؛ و (در مقابل)، خداوند آرامش و سکینه‌ی خود را بر فرستاده خویش و مؤمنان نازل فرمود و آن‌ها را به حقیقت تقوا ملزم ساخت و آنان از هر کس شایسته‌تر و اهل آن بودند و خداوند به همه چیز دانا است.

۱۹- جهل عامل مصیبت‌های اجتماعی است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ»؛^۲ ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد تحقیق کنید، مبادا (از روی زودباوری و شتاب‌زدگی تصمیم بگیرید و) ناآگاهانه به قومی آسیب رسانید سپس از کرده‌ی خود پشیمان شوید.

۲۰- جهل عامل هم‌جنس‌گرایی است.

«أَأَنتُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»؛^۳ آیا شما با مردان شهوت‌رانی کرده و زنان را ترک می‌گویید؟ بلکه شما بسیار مردم جهالت پیشه و گمراهی هستید.

۲۱- جهل عامل وسوسه و انتقام است.

«خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»؛ «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛^۴ با عفو و مدارا رفتار کن و به کارهای شایسته دعوت نما و از جاهلان روی بگردان (و با آنان ستیزه مکن) و اگر وسوسه‌ای از شیطان به تو رسد به خدا پناه بر که او شنونده و دانا است.

۱- سوره فتح، آیه ۲۶.

۲- سوره حجرات، آیه ۶.

۳- سوره نمل، آیه ۵۵.

۴- سوره اعراف، آیه ۱۹۹ و ۲۰۰.

۲.۱.۲.۳ رابطه‌ی جرم با علم

اسلام علم را می‌ستاید و جستن آن را واجب می‌شمارد ولی استفاده از علم را مقید می‌کند و عالمی که علمش را در خدمت مردم بکار نبرد مذمت می‌کند. هر چند بین وقوع جرم و علم رابطه‌ای مستقیم وجود ندارد ولی اگر علم در اختیار عالم بدکار قرار گیرد، جرایمی به وقوع می‌پیوندد که کشف آن‌ها مشکل و زیانش بسیار زیاد است نظیر جعل اسناد که به وسیله‌ی شیمی‌دانان و کسانی که بفنون عکاسی واردند دقیق‌تر انجام می‌گیرد و به سختی مغایرتش با سند اصلی آشکار می‌شود. همین‌طور سازندگان هروئین و سایر مواد مخدر که از اطلاعات علمی و فنی برخوردارند و با چراغ علم مشعل زندگی جوانان را خاموش می‌سازند. پس برای اینکه جامعه از جرم در امان بماند ابتدا باید با جهل مبارزه شود اما تاریخ نشان داده که علم به تنهایی رافع همه‌ی مشکلات نیست بلکه به موازات دانا شدن مردم، ادب آنان نیز باید فزونی یابد. پس اشاعه‌ی علم برای رفع جهل است و ترویج ادب برای درست بکار بستن علم است.^۱ ائمه علیهم‌السلام در روایات متعددی به جهل و علم اشاره کرده‌اند و تأکیدهای فراوانی بر اهمیت معرفت و بصیرت، ضرورت علم و یادگیری، عقل و فکر و فهم و مدح و ستایش شده و مذمت و نکوهش شک و تردید چنان زیاد است که تنها می‌توان به قطره‌ای از آن دریا اشاره کرد. در اینجا به چند نمونه از احادیث اشاره می‌شود.

امام علی علیه‌السلام یکی از بزرگترین مصیبت‌ها را نادانی معرفی کرده^۲ که سرآغاز دشمنی با مردم است^۳ و همچنین نادانی را ریشه‌ی همه‌ی بدی‌ها می‌داند و علم و دانش را نابود کننده‌ی نادانی برمی‌شمرد.^۴ ایشان عبادت کننده‌ی بی‌دانش را همچون خر آسیاب تشبیه کرده که مرتب می‌گردد ولی همیشه سر جای خویش است. از تشبیه انسانی که به ظاهر دین توجه دارد به حیوانی چون خر معلوم می‌شود که اسلام دین عمل به علم است و تاریخ هم نشان داده که جرایم و جنایات میان جوامعی فزونی یافته که جاهل بوده‌اند. بنابراین برای پیشگیری از وقوع جرایم با جهل باید مبارزه کرد و علم را اشاعه داد و نور دانش را بر جامعه پرتو افکن کرد.^۵

۱- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۹۰.

۲- غرالحکم و دررالکلم، ص ۷۴.

۳- همان، ج ۴، ص ۵۱.

۴- همان، ص ۴۴ و ۷۳.

۵- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۶۷ - ۶۸.

۳.۱.۲.۳ رابطه‌ی جرم با اراده

اگر اراده به معنی دقیق آن وجود داشته باشد یک عامل ترقی و بازدارندگی از جرم است. توانایی انسان به پیروی از عقل و داشتن اراده و پشتکار دلیل مختار بودن اوست. کسی که از عقل پیروی نکرده و اراده‌ی ضعیف داشته باشد، اسیر و مقهور طبع سرکش و نفس اماره شده است و به احتمال زیاد به ورطه‌ی جرم و جنایت سقوط می‌کند.^۱ اراده‌ی ارتکاب جرم زاییده‌ی باورها، احساسات و عواطف است. شاید تعبیر دقیق‌تر این باشد که باورها و دانش‌ها و احساسات و عواطف زمینه و شرایط اراده‌ی جرم را فراهم می‌سازد.^۲ برای اصلاح نفس دو چیز اهمیت ویژه دارد؛ یکی بینش صحیح و دیگری اراده‌ی قوی است.^۳ خداوند متعال در قرآن کریم علاوه بر بینش صحیح، تأکید ویژه‌ای روی اراده نموده و فرموده: خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنکه مردم آنچه را در خودشان است تغییر دهند.^۴

۴.۱.۲.۳ نقش غفلت و پیروی از هوی و هوس در ارتکاب جرم

در درون انسان امیال و کشش‌هایی وجود دارد که او را به تحریک وامی‌دارد و مبنای حرکت‌های فردی و اجتماعی را رقم می‌زند. برخی از این امیال، الهی و ریشه‌ی کردارهای نیک‌اند و بعضی هم شیطانی و از سر هوا و هوس که ریشه‌ی کردارهای زشت هستند. آنچه که به عنوان عامل ناهنجاری گناه شمرده می‌شود، نفس اماره است و منظور از هواپرستی نیز همین نفس است. هوا پرستی در واقع ثمره‌ی تلخ غفلت‌زدگی و درست در مقابل خداپرستی است به عبارت دیگر هواپرستی پذیرش نابخردانه حکومت نفس اماره و شیطان درون است. پس یکی از عوامل گناه و ناهنجاری در جامعه، هوس‌مداری بعضی از انسان‌هاست که امید است با بهره‌گیری از کلام نورانی وحی و مکتب حیات‌بخش اسلام به بازسازی خویش پردازند تا از این طریق چهره‌ی واقعی جامعه‌ی اسلامی نمایان شده و به جامعه‌ی آرمانی خود که حاصل اعتقادات دینی است، برسیم. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند: «صَافُوا الشَّيْطَانَ بِالْمُجَاهَدَةِ وَ أَغْلِبُوهُ بِالْمُخَالَفَةِ تَزْكُوْا أَنْفُسَكُمْ وَ تَعْلُوا عِنْدَ اللَّهِ دَرَجَاتِكُمْ»^۵؛ با مجاهده به مصاف شیطان روید و

۱- صلاحی، جاوید، درآمدی بر جرم‌شناسی و بزه‌دیده‌شناسی، ص ۲۸.

۲- خسروی، محمدحسین، جرم‌شناسی از منظر امام علی(ع)، پایان نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶، ص ۳۶.

۳- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۹.

۴- سوره رعد، آیه ۱۱.

۵- تمیمی‌آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۲۳.

با مخالفت فرمان‌هایش بر او غلبه یابید، نفس خود را پاکیزه کنید و درجات خود را نزد خداوند بالا ببرید.

۲.۲.۳ نقش بدحجابی در ارتکاب جرم

در طول تاریخ شیطان‌ها و شیطان صفتان از ضعف و نادانی افراد در جوامع سوء استفاده نموده و آن‌ها را وسیله‌ای برای رسیدن به اغراض شوم خود قرار می‌دادند که امروزه بی‌حجابی و بدحجابی را بنام تمدن، آزادی و پیشرفت و تکامل و... به افکار جامعه تزریق می‌کنند. نمونه‌ی بارز آن دوستی دو جنس مخالف است البته آنچه مسلم است اینکه حجاب قبل از اسلام در ادیان و اقوام مختلف رواج داشته و اسلام مبدأ آن نبوده است و تنها تشریع حدود آن توسط اسلام صورت گرفته است. از آیه‌ی «فَدَلَاهُمَا بُغُورٌ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ»^۱ می‌توان دریافت که پوشش ریشه در فطرت بشر دارد. وقتی حضرت آدم و حوا از بهشت هبوط کردند به دنبال ساتری از برگ درختان می‌گشتند و این مطلب فطری بودن پوشش را می‌رساند، هر چند حد و مرز آن را شرع مشخص می‌کند.

داشتن پوشش، عفت و حفظ حریم قانونی بین زن و مرد و یا در مقابل، برهنگی و بی‌بندوباری در روابط بین زن و مرد موضوعی است که در مبحث پیشگیری از جرم، اهمیت بسزایی دارد.^۲ به بیان دیگر در هستی نظام یافته و در جامعه‌ی مرتبط نمی‌توان ولنکار و بی‌تفاوت بود^۳ و چنانچه بی‌حجابی رواج یابد نتیجه‌اش فساد، خیانت، ناامنی و ربودن دختران می‌شود. زنان کمتر از مردان مرتکب جرم می‌شوند در عین حال در بعضی از جرایم زنان به گونه‌ای خاص قربانی می‌شوند از جمله جرایم جنسی که در رأس آن تجاوز به عنف قرار دارد که البته گاهی عامل اصلی این جرم ممکن است خود زن باشد که با تحریک جنس مخالف، زمینه‌ساز وقوع جرم گشته است. انگیزه‌ی برخی از متجاوزین، سرقت زیورآلات قربانیان است و به همین جهت است که پوشاندن زیورآلات در بیرون از منزل علاوه بر اینکه واجب شرعی است، ضریب امنیت زنان را نیز افزایش می‌دهد. قرآن کریم می‌فرماید: به زنان با ایمان بگو زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که به خودی خود آشکار است.^۴

-
- ۱- پس آنان را به فریب و دروغی (از آن مقام بلند) فرود آورد، پس چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان (مانند عورات و سایر زشتیهای پنهان) بر آنان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بپوشانند. سوره اعراف، آیه ۲۲.
 - ۲- میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از بزهکاری، ص ۲۷۵.
 - ۳- صفایی حائری، علی، روابط متکامل زن و مرد، ص ۴۲.
 - ۴- «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا». سوره نور، آیه ۳۱.

۱.۲.۲.۳ حياء و عفت زن و مرد

زن مسلمان با رفتاری متناسب و متین زمینه‌ی گسترش عفت را فراهم می‌سازد. خداوند در قرآن در رابطه با حياء دختران شعیب و عفت متقابل حضرت موسی علیه‌السلام می‌فرماید: «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا»^۱؛ (چیزی نگذشت) یکی از آن دو (دختران شعیب) که با شرم و حیا راه می‌رفت نزد او (حضرت موسی علیه‌السلام) آمد و گفت: پدرم تو را می‌خواند تا مزد آب دادنت را بدهد.

خداوند برای نشان دادن عظمت دختر شعیب، کلمه‌ی «استحیاء» را به صورت نکره آورده است تا عفت و نجابتش را از طریق راه رفتنش نشان داده باشد و در مقابل، عفت موسی علیه‌السلام است که در تفسیر آمده، هنگام بازگشت، موسی علیه‌السلام به دختر شعیب فرمود: راه را به من نشان بده و خودت پشت سرم بیا زیرا ما دودمان یعقوب به پشت سر زنان نگاه نمی‌کنیم و دختر شعیب بخاطر عفت شدید حضرت موسی علیه‌السلام او را ملقب به امین نمود.^۲

از علل بدحجابی می‌توان عقده‌های حقارت، کمبودها، ناآگاهی، نیاز به ازدواج، بالا رفتن سن ازدواج و تبلیغات سوء را برشمرد.

۲.۲.۲.۳ ابعاد حجاب و آثار اجتماعی آن

شیوه و سبک زندگی زنان و دختران در جامعه‌ی امروزی بسیار تحریک‌زا است و خود عامل اصلی وقوع جرایم جنسی علیه زنان و دختران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت سبک زندگی زنان و دختران یکی از علل قربانی شدن آن‌ها در جرایم جنسی می‌باشد. محیط و شرایط آن تأثیر مهمی در ارتکاب جرایم جنسی و به اصطلاح گذر از اندیشه به عمل مجرمانه دارد. آپارتمان نشینی و سکونت در محله‌های جرم‌خیز، مشغول به کار بودن دختران در فروشگاه‌ها و سایر اماکن خصوصی فرصت ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد. سبک زندگی و تأثیر شرایط محیطی در وقوع جرایم از جمله عواملی است که فرد را در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌دهد.^۳

حجاب را در دو بعد فردی و اجتماعی می‌توان ارزیابی نمود. در بعد فردی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۱- سوره قصص آیه ۲۵.

۲- «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبْتَ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ»، همان، آیه ۲۶.

۳- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۴۳.

— حجاب زن باعث امنیت وی است. قرآن در آیه‌ی «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجَكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»^۱ به این امر توجه کرده است که «ای پیامبر به زنان و دخترانت و به زنان مؤمنان بگو پوشش‌های خود را بر خود فرو گیرند این برای آن‌که شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند» [به احتیاط] نزدیکتر است و خدا آمرزنده مهربان است». امام علی علیه السلام می‌فرماید: «فَإِنَّ شِدَّةَ الْحِجَابِ أَبْقَى عَلَيْهِنَّ»^۲؛ نگاه داشتن حجاب برای زنان و سخت‌گیری در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است.

— حجاب یک حکم تکلیفی است و آثاری بر آن مترتب است که اساسی‌ترین آن پابندی زن مسلمان به فرامین حق تعالی است.

در بعد اجتماعی نیز می‌توان به موارد زیر اشاره نمود.^۳

— حجاب زن باعث تحکیم بنیان‌های خانواده می‌گردد.

— حجاب زن موجب آرامش در اجتماع می‌شود.

— حجاب زن باعث آزادی بدون دغدغه‌ی وی در اجتماع است.

باید گفت حجاب تنها مخصوص زن نیست که مرد هم باید حساب شده حرکت کند.^۴ اما علت اینکه در اسلام دستور پوشش به زنان اختصاص یافته این است که میل به خودنمایی و خودآرایی مخصوص زنان است.^۵

بدحجابی دارای آثار سوء اجتماعی فراوانی است از جمله اینکه زمینه‌ساز گناه است و ضررهای مالی و اقتصادی زیادی در پی دارد. به علاوه باعث شیوع بیماری‌های جنسی و پایین آمدن ازدواج‌های مشروع و کاهش رشد فرهنگی در جامعه می‌شود.

۳.۲.۲.۳ رابطه‌ی نگاه و حجاب

از جمله بحث‌های مهم و شایان توجه در بحث حجاب، مسئله‌ی نگاه است. حجاب جلوی نگاه‌های ناپاک را می‌گیرد و مسلم است که نگاه‌های ناپاک مقدمه‌ای برای تحقق گناه است. از این رو در جامعه‌ای که همه‌ی افراد در ارتباط با یکدیگر زندگی می‌کنند اگر دوست ندارند که دیگران به ناموسشان نگاه

۱- سوره احزاب، آیه ۵۹.

۲- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳- مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ص ۷۷ - ۸۶.

۴- صفایی حائری، روابط متکامل زن و مرد، ص ۴۴.

۵- مطهری، مرتضی، مسئله‌ی حجاب، ص ۸۰.

شهوانی داشته باشند خود آنان نیز باید از نامحرم چشم فروبندند و به ناموس مردم چشم طمع نداشته باشند. رابطه‌ی طرفینی سبک زندگی و تزکیه‌ی درون و پاکی دل را می‌توان در آیات و روایات مربوط به تحریم نگاه شهوانی به نامحرم دید. در روایتی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است که هرکس دیده‌ی خود را از نگاه به نامحرم فروبندد عجایب آفرینش را خواهد دید.^۱ برانگیختن آتش شهوت و خسران ابدی را می‌توان دو اثر عمده‌ی نگاه مسموم دانست.

الف) برانگیختن شهوت: نگاه‌های آلوده پیامدی جز فحشا، سیاهی دل و نکبت‌های اجتماعی نخواهد داشت. خداوند فرمان زندگی‌ساز (غض بصر) را مطرح نموده و چنانچه به آن عمل شود زمینه‌ی فساد از بین می‌رود، دل آرام می‌گیرد، دام شیطان برچیده شده و زندگی به سلامت و پاکی خواهد رسید.^۲ قرآن کریم در آیه‌ی «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ»؛^۳ «به مردان مؤمن بگو چشمهای خود را (از نگاه به نامحرم) فرو گیرند و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فروگیرند» به این مسئله اشاره دارد.

در این رابطه روایات متعددی هم آمده است نظیر:

امام علی علیه‌السلام: «الْعُيُونُ مَصَائِدُ الشَّيْطَانِ»؛^۴ چشم‌ها دام‌های شیطانند.

«اللَّحْظُ رَايِدُ الْفِتَنِ»؛^۵ نگاه حرام پیشاهنگ همه‌ی فتنه‌هاست.

ب) خسران ابدی: وقتی در دنیا، انسان اسیر شهوت بشود، به تدریج حیاء کمرنگ می‌شود و دچار خسارتی جبران‌ناپذیر خواهد شد.^۶

۴.۲.۲.۳ راه‌های مبارزه با بدحجابی

با استناد به روایات می‌توان راه‌های متعددی برای مبارزه با بدحجابی مطرح نمود که در اینجا به چند مورد اشاره می‌نماییم.

۱- «غضوا بصرکم تروا العجائب»، مصباح الشریعه، ص ۹، باب الثالث، فی غض البصر ترجمه مصباح الشریعه، گیلانی، عبدالرزاق، ص ۲۷۶.

۲- فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۵۴.

۳- سوره نور، آیه ۳۰ - ۳۱.

۴- آمدی، عبدالواحد، ترجمه محمدعلی انصاری، غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲.

۵- همان، ص ۶۶.

۶- فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۵۴.

۱- تقویت ایمان و اعتقاد

اگر در زن باور استوار و ایمان عمیق ایجاد شود در این صورت هیچ زنی حاضر نمی‌شود خودآرایی و خودنمایی کند و خود را در معرض دیدهای آلوده قرار دهد که زمینه‌های فساد را بوجود آورد. امام علی‌علیه‌السلام فرمودند: «المرءُ بایمانه»^۱؛ شخصیت انسان در گرو باورهای اوست. این بیان نشانگر آن است که باورهای درست و ایمان راسخ، عالی‌ترین نقش را در کیفیت زندگانی انسان ایفا می‌کند.^۲

۲- احیای فرهنگ اصیل اسلامی

احیای ارزش‌های اصیل اسلامی و فراخوانی زن مسلمان به دریافتن ارزش‌ها و آفریدن روح تعبد و تعهد نسبت به این‌ها نقش مهمی در این زمینه خواهد داشت. زن مؤمن باید به آنچه اسلام به عنوان ارزش بدان می‌نگرد، باور داشته باشد.^۳

۳- شناساندن الگوهای والا

الگو در ساختار روحی و رفتاری نقش مهمی دارد. امروزه یکی از تأسف‌های جدی این است که زن مسلمان آنچنان که بایسته و شایسته است با چهره‌های بلند تاریخ اسلام آشنا نیست.

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: به زنان دوستی آل علی‌علیه‌السلام را الهام کنید و به همین مسائل اندک رهایشان کنید.^۴ اسلام چند نمونه‌ی محدود از الگوهای والا از زنان را نام می‌برد: از جمله حضرت مریم علیها السلام^۵، حضرت آسیه علیها السلام^۶.

سیاست جنایی اسلام از طرفی با ایجاد محدودیت در عرضه به پیشگیری توجه نموده و زنان را به حفظ حجاب و عدم خودنمایی امر نموده و از طرف دیگر با ایجاد محدودیت تقاضا، مردان را به فرو بستن چشم‌ها در مقابل نامحرم امر نموده است.

در قانون مجازات اسلامی (ماده ۸۶۴ کتاب تعزیرات مصوب ۱۳۹۲/۲/۱) بدحجابی مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. در این ماده آمده که: هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل

۱- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۲.

۲- فتاحی‌زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۱۸۷ و غلامی، علی، مسئله حجاب در جمهوری اسلامی، ص ۸۰ - ۸۵.

۳- فتاحی‌زاده، همان، ۱۸۷.

۴- فتاحی‌زاده، همان، ص ۱۸۸ به نقل از من لایحضر الفقیه ج ۳، ص ۴۹۳.

۵- سوره آل عمران، آیه ۴۲.

۶- سوره تحریم، آیه ۱۱.

حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد.

تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

۳.۲.۳ نقش طلاق در ارتکاب جرم

طلاق در لغت جدا شدن زن از مرد، رها شدن از قید نکاح و رهایی از زناشویی است.^۱ طلاق در شرح لمعه به معنای زایل کردن و از بین بردن قید نکاح بدون آنکه عوضی در برابر آن در نظر گرفته شود، به واسطه‌ی صیغه‌ی طلاق آمده است.^۲

طلاق جز حساس‌ترین پدیده‌های انسانی- اجتماعی است. می‌توان گفت طلاق، همواره یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل پیش روی جوامع بشری بوده است. چرا که نه تنها بر تعادل روانی زوجین و فرزندان آثار مستقیم و غیر مستقیمی بر جای می‌گذارد بلکه آثار منفی آن بر نظام اقتصادی، بر کمیت و کیفیت نظام جمعیتی و بر نظام فرهنگی غیر قابل انکار است. بنابراین شناخت علل و عوامل و ابعاد مختلف آن و آثاری که بر فرد و جامعه بر جای می‌گذارد بسیار حائز اهمیت است.

به اعتقاد بسیاری از آسیب‌شناسان اجتماعی و جرم‌شناسان رابطه‌ی مستقیمی میان طلاق و افزایش میزان گرایش افراد خانواده به بزهکاری و نقض قوانین وجود دارد. هنگامی که طلاق محقق می‌شود، بیشترین آسیب را فرزندان در مرحله‌ی اول و زن و مرد در مرحله‌ی دوم متحمل می‌شوند. نگاه خانواده-های سنتی به طلاق همان حلالی است که خداوند از آن متنفر است که همین اعتقاد از فروپاشی بسیاری از خانواده‌ها جلوگیری می‌کند.^۳ زمانی که جامعه‌ای به لذت‌گرایی و تمتع‌آنی و مادی‌دل می‌بندد به یقین هر پیوند اجتماعی در آن سست، شکننده و آسیب‌پذیر می‌شود. جامعه‌ای با چنین خانواده‌هایی در سال‌های آتی با مشکلاتی چون فرزندان بی‌سرپرست و مشکل حضانت از آنان، همچنین تعداد زنان مطلقه و مشکل معیشت آنان مواجه خواهد بود^۴ که زمینه‌های جدی گرایش به انحرافات جنسی و جرایم را به همراه خواهد داشت.

۱- عمید، محمد، فرهنگ فارسی، ص ۷۱۷.

۲- «وَهُوَ إِزَالَةُ قَيْدِ النِّكَاحِ لِغَيْرِ عَوَضٍ بِصِيغَةِ طَلَقٍ»، شهیدثانی، شرح لمعه، ص ۳۵۱.

۳- عباسی، محسن، بشقاب‌های سفره‌ی پشت بامان، ص ۳۶.

۴- ساروخانی، باقر، طلاق؛ پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص ۳۴.

۱.۳.۲.۳ علل و عوارض طلاق

طلاق در بسیاری از موارد ضروری است و زوجین ناگزیر به قبول این امر هستند. ولی در اغلب موارد می‌توان برای طلاق علل متعددی از جمله توقعات نامحدود اقتصادی و عاطفی زن یا مرد، تجمل‌پرستی و اسراف، بی‌اعتنایی زن به مرد و همچنین مرد به زن، عدم پاکیزگی،^۱ سوءظن و بدبینی بی‌مورد، نداشتن صبر و گذشت در زندگی، حسادت بیش از حد زن و شوهر، پرخاشگری و تندخویی زن یا مرد و غرور و خودخواهی بی‌مورد را برشمرد.

با وجود این باید اعتراف کرد که نظام اجتماعی اسلام نتایج دلخواهی را برای خانواده‌هایی به بار می‌آورد که به اخلاق مذهبی معتقد باشند و اساس آن‌ها بر مبنای اسلام استوار باشد. اگر اخلاق مذهبی از احکام طلاق جدا شود، سوءاستفاده‌ها و زورگویی‌ها نیز آغاز می‌شود و این دلیل اصلی شکایاتی است که پیش از قانون حمایت خانواده از گوشه و کنار در باب احکام قانون مدنی به گوش می‌رسد.

با اینکه طلاق به حکم ضرورت برای اجتناب از مخاطراتی پذیرفته شده است با این حال چون عامل از هم گسیختگی و پاشیدگی کانون خانواده است به ناچار باید عواقب اجتماعی را از آن انتظار داشت زیرا طلاق در نظر جرم‌شناسان در واقع از عوامل جرم‌زا محسوب می‌شود. میزان طلاق در یک جامعه را می‌توان به مثابه‌ی معیار عدم ثبات و تزلزل اجتماعی تلقی کرد.

از نظر جرم‌شناسان نتایج وخیم طلاق را باید به شرح زیر بررسی نمود.

- اثر طلاق در مردان و زنان و فرزندان: تأثیر طلاق بر روی مردان نیز به صورت ناهنجاری‌هایی بروز می‌کند و آنان را افرادی غیرمتعهد بار می‌آورد. وقتی مردی از همسر خود جدا می‌شود با مشکلات و ناراحتی‌های روحی - روانی فراوانی روبرو می‌شود زیرا او دیگر حاضر نیست و نمی‌تواند برای ادامه‌ی زندگی به درون خانواده‌ی پدری خود بازگردد بنابراین ترجیح می‌دهد که به صورت تنها و مجردی زندگی کند. اینگونه مردان معمولاً برای رهایی از تنهایی به دوستان ناباب پناه برده و به فساد اخلاقی گرایش پیدا می‌کنند. از سایر تبعات طلاق بر روی مردان می‌توان به گرایش آن‌ها به سوی استعمال مواد مخدر و الکل اشاره کرد. مردان تحت تأثیر چنین شرایطی برای فراموش کردن مشکلات سعی می‌کنند از اینگونه مواد به عنوان آرام‌بخش و تسکین دهنده استفاده کنند، گرایش به سرقت، جیب‌بری و... نیز از سایر تأثیرات طلاق بر روی مردان است.

اثر طلاق در زنان بخصوص آن‌هایی که پناهگاهی ندارند و فاقد استقلال اقتصادی هستند سخت خطرناک است. زنان مطلقه خیلی دیر به خانه‌ی بخت دوم پای می‌گذارند و چه بسا که این امید هرگز

۱- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۱۵.

جامه‌ی عمل نپوشد و احتمالاً راه را برای انحراف و سقوط آنان بگشاید. متأسفانه عده‌ای از زنان مطلقه که تعدادشان نیز کم نیست به باندهای فساد گرایش پیدا می‌کنند. یکی دیگر از تبعات و تأثیرات طلاق بر روی زندگی زنان مطلقه به وجود آمدن پدیده «قاچاق زنان» است زیرا هیچ نهاد و سازمانی در جامعه عهده‌دار مسئولیت حمایت مادی و معنوی از زنان مطلقه و کودکان طلاق نیست.

اثر طلاق روی فرزندان نیز بسیار شدید است و عقده‌هایی غیرقابل تحمل و توأم با نفرت را در آنان بوجود می‌آورد. بدیهی است درگیری‌های خانوادگی و مشاجره‌های پدر و مادر در حضور فرزندان، تأثیرات روحی شدیدی بر آنان می‌گذارد و در رفتارهای پرخاشگرانه‌ی کودکان و نوجوانان اثر مزمن بر جای خواهد گذاشت.

۴.۲.۳ تأثیر رسانه‌ها در ارتکاب جرم

عصر حاضر، عصر ارتباطات است که رسانه‌ها با انتقال اطلاعات و مبادله‌ی افکار و عقاید عمومی، نقش بزرگی در فرهنگ‌سازی و هنجارآفرینی جوامع به عهده دارند، به‌گونه‌ای که اگر رسانه به نحو درست در راستای فرهنگ اسلامی جامعه فعالیت کند، می‌تواند موجب ارتقای ارزش‌های انسانی گردد و از وقوع بسیاری از جرایم در جامعه پیشگیری نماید^۱ و یا می‌تواند فرهنگ عمومی را دگرگون سازد و جامعه را بسوی ذلت و بدبختی بکشانند.^۲

تأثیرات گوناگون رسانه‌های ارتباط جمعی، موضوع مباحث گسترده‌ای است که در حال حاضر در اغلب کشورهای صنعتی جهان جریان دارد.^۳ قرن‌هاست که غرب در پی تحقق دهکده‌ی جهانی است و خودش را کدخدای این دهکده‌ی جهانی می‌داند اما مانع بزرگی به نام اسلام را در مقابل خود می‌بیند زیرا سبک زندگی اسلامی با آموزه‌های غربی سازگار نیست. سالیان درازی است که غرب قصد کرده با برنامه‌های گوناگون این مانع را از سر راه خود بردارد. یکی از اصلی‌ترین راهکارهای غرب برای رسیدن به این هدف فاسد کردن مسلمانان است،^۴ دشمن تلاش می‌کند تا با ایجاد شک و تردید در اعتقاد مسلمانان رفته‌رفته آن‌ها را از پایبندی به اصول و مبانی الهی باز دارد. امروزه گسترش رسانه‌هایی که محدود به مرزها نیستند و تسلط دولت‌ها بر آن ممکن نیست با تبلیغ جرم و فساد، هرزگی و عیاشی، خشونت و قانون‌شکنی موجب افزایش جرایم و انحرافات در جامعه می‌گردد. همچنین نقش مؤثری در

۱- طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره؛ افول فرهنگ، ص ۳۱.

۲- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، ص ۱۵۸.

۳- طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره؛ افول فرهنگ، ص ۳۱.

۴- عباسی، محسن، بشقاب‌های سفره‌ی پشت‌بامان، ص ۳۳.

تحریک و آموزش افرادی که آمادگی ارتکاب جرم را دارند ایفا می‌کند از جمله روابط جنسی نامشروع، اعتیاد جنسی، طلاق و خودکشی. از سویی دیگر فرهنگ برآمده از رسانه‌های جمعی تنها سرچشمه‌ی تغذیه‌ی عامه‌ی مردم نیستند بلکه نخبگان جامعه نیز جرقه‌های نخستین انگیزه‌های احساس و اندیشه‌ی خود را از آن می‌گیرند.^۱

۱.۴.۲.۳ اهداف رسانه‌ها^۲

در هر جامعه‌ای نقطه‌ی پیشرفت و سقوط افراد، نهاد خانواده است. رسانه‌ها عامل دور شدن خانواده‌های ایرانی از سبک زندگی اسلامی بوده و در از هم گسیختگی و به سمت تباهی رفتن آن‌ها و جامعه‌ی ایرانی نقش بسزایی دارد. رسانه‌ها با اهداف زیر سعی در دگرگونی و تغییر آداب و سنن اجتماعی و اخلاقی دارند.

- فروپاشی کانون خانواده
- ترویج خانواده‌های بی قید در برابر خانواده‌های سنتی
- ترویج خیانت زن و شوهر
- از بین بردن قبح ارتباط دختر و پسر
- از بین بردن مفهوم مقدس و متعالی خانواده
- ارزش‌زدایی از مفهوم غیرت
- تحریک حس رقابت در میان زنان و مردان
- ایجاد حس رقابت در میان زنان و دختران برای جلب توجه مردان
- ایجاد بلوغ زودرس جنسی
- ایجاد روحیه تنوع‌طلبی جنسی
- خارج کردن خانواده از قید مذهب و تغییر سبک زندگی

۱- علیخانی، مصطفی؛ عسکری، سعید؛ زکی‌بی، علی، رسانه؛ محتوا و ادراک مخاطب از جرم، ص ۱۸-۱۹.

۲- طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره؛ افول فرهنگ، ص ۳۱ و عباسی، محسن، بشقاب‌های سفره‌ی پشت‌بامان، ص ۳۴-۶۸.

فصل چهارم

ارتباط سبک زندگی و جرم

۱.۴ پیشگیری از جرم

بحث پیشگیری از جرم تنها یک ایده و مفهوم ذهنی نیست بلکه واقعیتی است که زنجیره‌ای از تدابیر، خط مشی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها و اقدامات عملی را در برمی‌گیرد. در اصطلاح علمی تعاریف متعددی برای پیشگیری ارائه شده است که بعضی از معانی آن پیش از این گذشت. برخی پیشگیری و درمان را از یکدیگر تفکیک می‌کنند که هر چند به ظاهر این دو قابل تفکیک‌اند اما باید توجه داشت که اگر مفهوم درمان را در معنای وسیع خود استعمال کنیم بی‌تردید پیشگیری در داخل مفهوم درمان قرار خواهد گرفت و از آن جدایی نخواهد داشت. اما اگر درمان در مفهوم خاص یعنی درمان در محیط‌های درمانی چون زندان‌ها و ندامتگاه‌ها را مورد توجه قرار دهیم در اینجا هر چند پیشگیری می‌تواند مورد توجه قرارگیرد اما پیشگیری عام که در محدوده‌ی جامعه‌ی کلی مورد توجه است، تفکیک خواهد شد و محدود به محیط درمانی زندان خواهد گردید پس نباید از کلمه‌ی درمان صرفاً معالجات طبی - روانی را استنتاج کرد. درمان صحیح می‌تواند به پیشگیری از وقوع جرم بیانجامد و بزهکاری (گناهکاری)^۱ را در حد قابل توجهی مهار کند.^۲ با این وجود بر کسی پوشیده نیست که پیشگیری بر درمان مقدم است.

۱.۱.۴ انواع پیشگیری از جرم

پیشگیری از جرم دارای انواع مختلفی است که در ذیل به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) پیشگیری گسترده

هرچیزی که بتواند جرم را کاهش دهد و علیه آن به کار گرفته شود (شامل اقدامات کیفری و غیر کیفری) پیشگیری گسترده نامیده می‌شود.^۳ جامعه‌ای موفق است که فرهنگ پیشگیری از وقوع جرم در آن گسترده باشد و جامعه برای بدست آوردن این مهم باید از طرق مختلف تلاش نماید نظیر بالا بردن سطح آگاهی عمومی مردم که از طریق آموزش صورت می‌گیرد. در جوامع اسلامی وقوع جرم علاوه بر جنبه‌ی شخصی می‌تواند جنبه‌ی حق الله هم داشته باشد که در پیشگیری گسترده می‌توان از اقدامات زیر بهره برد:

۱- معین، محمد، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۵۲۴.

۲- نوربها، رضا، زمینه جرم‌شناسی، ص ۲۱۸.

۳- عابدی، محمد، وظایف دولت در پیشگیری از جرم، ص ۲۰.

— اقدامات رفاه اجتماعی که منظور از آن پیشگیری با هدف بهبود زندگی و رفع نیازها و محرومیت- های دخیل در جرم است.

— اقدامات کیفری: ارزش و مصونیت در جامعه‌ی اسلامی آنقدر بالاست که شخص مجرم علاوه بر وارد کردن خسارات مادی و معنوی، حیثیت جامعه‌ی اسلامی را نیز با ارتکاب جرم زیر سؤال می‌برد. بنابراین می‌بایست اقدامات کیفری صورت گیرد؛ مجازات‌های صدور و اجرای احکام کیفری، بازپروری و اصلاح بزه‌کاری، مجازات‌های سلب کننده‌ی آزادی که در چهارچوب نظام قضایی اعمال می‌شوند و بعد از وقوع جرم انجام می‌شود.^۱

— اقدامات فردی: وقتی جرمی اتفاق می‌افتد و محکومیت صورت گرفت برای جلوگیری از تکرار جرم توسط مجرم اقداماتی صورت می‌گیرد؛^۲ باید وی را به عنوان فردی که قابلیت اصلاح دارد، وارد کانون‌های اصلاح و تربیت نماییم. بدین منظور که از ارتکاب جرایم دیگر وی جلوگیری نماییم. — ترمیم خسارت بزه‌دیدگان و حمایت از آن‌ها با هدف جلوگیری از آسیب‌پذیری و عامل بستر جرم شدن در این نوع قرار می‌گیرد.

— کنترل بزهکاری مانند گشت‌های پلیس و نظارت‌ها در شمار پیشگیری گسترده از جرم جای می‌گیرند حتی اگر برخی آن را از پیشگیری به معنای خاص بیرون بدانند.^۳

ب) پیشگیری محدود

در این نوع پیشگیری دولت برای مهار مناسب جرم و گناه دو راهکار (حذف یا محدود سازی عوامل جرم‌زا، اعمال مدیریت مناسب بر عوامل محیطی دخیل در جرم آفرینی) را بکار می‌برد. این تعریف از پیشگیری مربوط به قبل از وقوع جرم بوده و وجه تمایز آن با پیشگیری گسترده نیز در همین جهت است. پیشگیری محدود تنها تدابیر غیرکیفری را شامل می‌شود و هدف اصلی آن اثرگذاری بر عوامل یا فرایندهای مؤثر در جرم و گناه است که پیش از ارتکاب جرم اعمال می‌شود و جنبه قهرآمیز هم ندارد.

ج) پیشگیری کیفری و جنایی

— پیشگیری کیفری یعنی قانونگذار برای مبارزه با جرایم به حقوق جزا و اصل انتقام متوسل شده است. سیاست کیفری با توسل به حقوق جزا، مبارزه علیه جرم را دنبال می‌کند و طبیعتاً جنبه‌ی سرکوبی

۱- همان.

۲- همان.

۳- همان، ص ۲۱.

و تنبیهی^۱ دارد. نمونه‌ی بارز پیشگیری کیفری، زندان است و از اهداف کیفر مجرم عبرت‌اندوزی او و دیگران است. بنابراین اگر کیفر مجرم در زمان متناسب و به تناسب جرمش باشد از اقدام دوباره به جرم جلوگیری می‌شود.

— پیشگیری جنایی به معنای سامان بخشیدن منظم به مبارزه علیه بزهکاری است البته سیاست جنایی بعد از سیاست کیفری ایجاد می‌شود چون پیشگیری کیفری به تنهایی موجب تعادل جامعه نمی‌شود. بنابراین به طرق پیشگیری غیرکیفری احساس نیاز شده است زیرا ماهیت افراد در مقابل کیفرها یکسان نیست و یک کیفر با توجه به ماهیت متنوع بزهکاران اثر یکسان ندارد و اعمال سرکوب و قهرآمیزی صرف، نقش کاملاً مثبتی ندارد و از این رو سیاست پیشگیری جنایی با ابزارهای متنوع غیرکیفری لازم است. این سیاست پیشگیری در مجموعه سیاست‌های اجتماعی قرار می‌گیرد زیرا برای جلوگیری از جرم علاوه بر ابزارهای قضایی، جامعه نیازمند ابزارهای اجتماعی هم می‌باشد.^۲

د) پیشگیری قهرآمیز و غیرقهرآمیز

— پیشگیری قهرآمیز: تمام تدابیر کیفری با دو هدف پیشگیری خاص و عام در این تعریف جای می‌گیرند در پیشگیری خاص از ارتکاب جرم توسط مرتکب جلوگیری می‌شود و در پیشگیری عام این کار با تهدید و ارعاب دیگران که در معرض ارتکاب هستند، ایجاد می‌شود. پیشگیری غیر قهرآمیز: شامل پیشگیری اجتماعی و وضعی است.^۳

ه) پیشگیری اجتماعی و وضعی

— پیشگیری اجتماعی: عوامل مختلفی مثل محیط اجتماعی عمومی و شخصی در ایجاد جرم و گناه نقش عمده دارند. بنابراین باید این عوامل را خنثی کرد در این روش در محیط مداخله می‌شود تا جرم-زایی و مجرم‌پروری کاهش یابد. این محیط‌ها می‌تواند خانواده (ارتباط با والدین، محیط تشنج، گسست خانواده، تأثیرات روابط عاطفی و...) یا مسکن باشد که خود دو بخش اصلی دارد؛ مسکن انتخابی (خانواده، شخص، شغل، تفریح، ارتباط جمعی گروه‌های سازمان یافته، باندهای گروهی) و مسکن تحمیلی (محل تحصیل، سربازی، اردوها، زندان‌ها و...) و در پیشگیری اجتماعی ابتدا عوامل جرم‌زا شناسایی می‌شوند، آنگاه اقداماتی برای خنثی کردن یا کنار زدن آثار آن عوامل صورت می‌گیرد برای مثال

۱- دانش جرم شناسی نشان داده که سرکوبی و تنبیه صرف، همیشه و به طور کامل موجب تعادل جامعه نمی‌شود.

۲- عابدی، محمد، وظایف دولت در پیشگیری از جرم، ص ۲۲.

۳- همان، ص ۲۳.

فقر یک عامل جرم‌زا (به ویژه از جهت تبعیض و شکاف طبقاتی) است. حال اگر تنها به محاکمه‌ی مجرم اقدام کنیم، ریشه‌ی فساد از بین نمی‌رود و علت جرم نابود نمی‌شود هرچند معلول تنبیه می‌شود. در کنار تنبیه مجرم که آثار بازدارندگی و پیشگیرانه دارد باید عوامل جرم (در این مثال فقر) را شناسایی و اصلاح کنیم تا مانع توسعه‌ی جرم شویم. در اسلام توجه به علل جرایم بیشتر از توجه به معلول‌ها است و اسلام رابطه‌ی علی و معلولی عوامل اجتماعی و جرایم و گناهان را فراموش نمی‌کند.

در رابطه با فقر، نظام اسلامی موظف است که بخش عمده‌ای از توان خود را صرف این موضوع کند. از نگاه قرآن همان‌طور که فقر عامل امتحان الهی است و شخص با کسب مهارت لازم می‌تواند دین خود را در عین فقر حفظ کند و به گناه نیفتد در مورد ثروت هم همین‌طور است. از این رو افرادی نظیر قارون و فرعون با وجود برخورداری از ثروت و داشتن قدرت به علت نداشتن مهارت لازم و ناتوانی در حل مسائل به جرم و گناه کشانده می‌شوند یا همچون حضرت سلیمان با مهارت لازم به حل مسأله خود می‌پردازند و از جاده اصلاح و درستکاری خارج نمی‌شوند. بنابراین چنین دیدگاهی باید اصلاح شود که تنها راه پیشگیری، فقرزدایی است زیرا در این صورت در برابر جرایم ناشی از ثروت هم باید ثروت زدایی باشد.^۱

— پیشگیری وضعی: در این روش وضعیت فرد یا شرایط بیرونی (مکان و زمان) تغییر داده می‌شود تا از ارتکاب جرم پیشگیری گردد. در این شیوه توجه به وضعیت پیش از وقوع جرم است و تلاش می‌شود که فرایند گذر از اندیشه‌ی مجرمانه به عمل مجرمانه قطع شود. گذر از فکر به گناه تا عمل به گناه به عواملی مانند انگیزه‌های مجرم، خصوصیات وضعی، شرایط موضعی و شرایط موجود در اوضاع و احوال قبل از جرم بستگی دارد و باید بر این عوامل غلبه کرد تا جرم کاهش یابد.^۲

و) پیشگیری فردی از جرایم

این پیشگیری زمانی اعمال می‌شود که جرم صورت بگیرد و به دنبال جلوگیری از تکرار جرم باشیم. اقدامات پیشگیری فردی عبارتند از: کاهش وضعیت‌های جرم‌زایی پیش از وقوع جرم و اقداماتی که منجر به افزایش هزینه‌ی کیفری برای مجرم می‌شوند.^۳

۱- همان، ص ۲۴.

۲- همان، ص ۲۵.

۳- همان، ص ۲۶.

ی) پیشگیری زودهنگام

منظور از پیشگیری زود هنگام آن است که پیشگیری را حتی قبل از تولد فرزند شروع کنیم و سپس آن را در سال‌های پیش از شروع مدرسه ادامه دهیم و در سال‌های مدرسه از کودکی تا نوجوانی آن را به صورت روش‌مند استمرار دهیم. پیشگیری زودهنگام رویکردی تأکید شده و ضروری است که اگر از آن غفلت کنیم، هزینه‌های زیادی را باید متحمل شویم.

ن) پیشگیری از قوانین جرم‌زا

بخش مهمی از جرم‌ها در نظام‌های سیاسی از مرحله‌ی قانون‌گذاری (با فرایندهای مختلفی که به ایجاد قانون می‌انجامد) آغاز می‌شود. قانون‌های متعددی در تمام نظام‌های سیاسی دنیا وجود دارد که جرم یا جرم‌زا می‌باشند و بارها از سوی قانون‌گذاران اصلاح گردیده‌اند. جرم‌شناسان موارد متعددی از قوانین را در کشورهای مختلف که باعث ایجاد جرم شده برمی‌شمارند. برخی از این موارد که بی‌توجهی به آنها عامل مهمی در جرم‌زایی قوانین در همه‌ی بخش‌های اجرایی، قضایی و تقنینی است عبارتند از:

— مهندسی جامع و اصلاح ساختارها: ساماندهی صحیح مبارزه علیه جرایم و مبارزه‌ی پیشگیرانه با آن‌ها نیازمند مهندسی جامع و همه‌جانبه‌ای است که در نهایت به محو یا کاهش جرم منجر می‌شود.^۱

— متن محوری قوانین: منظور مطابقت قوانین با قرآن و سنت و سیره‌ی معصومین علیهم‌السلام است که مانع از انحراف در قوانین و برنامه‌ها می‌شود و بستر جرایم پدید نمی‌آید. این مهم در قانون اساسی لحاظ شده و لذا کلیه‌ی قوانین، محکوم موازین اسلامی است و تشخیص آن بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان می‌باشد. مهم این است که تمام قوانین و آیین‌نامه‌های حکومتی باید متن محور باشند.^۲ درباره‌ی لزوم متن محوری مناسب است، این آیه یادآوری شود که «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا»^۳؛ ما این کتاب را که سراسر حق است به سوی تو فرو فرستادیم تا بر اساس آنچه خدا آن را به تو نمایانده است میان مردم داوری کنی و نباید مدافع خیانتکاران باشی.

۱- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۴۱.

۲- همان، ص ۴۷.

۳- سوره نساء آیه ۱۰۵.

— واقع‌گرایی و روزآمدی: هر قدر هم در تدوین قوانین یا راه‌های اجرا و نظارت، بر عنصر جرم-ستیزی تأکید شود به مرور زمان راه‌های فرار از موانع قانونی، نظارتی، قضایی و... شناخته می‌شود و مجرمان با پوشش‌های جدید به سمت ارتکاب جرم می‌شتابند؛ اگر قوانین و شیوه‌های اجرا به طور روز-آمد و واقع‌گرایانه بازنگری نشوند، خود تولید جرم خواهند کرد و فرصت‌هایی در اختیار مجرمان قرار خواهد گرفت. بنابراین نظام اسلامی باید در همه‌ی بخش‌ها از جمله بخش‌های قانون‌گذاری و برنامه-ریزی به بحث روزآمدی توجه کافی داشته باشد و از همان زمان قانون‌گذاری حداقل و حداکثر زمان بازنگری و کنترل را به طور جدی مورد توجه قرار دهد.^۱

بنابراین هیچ‌کدام از روش‌های پیشگیری را نباید برتر از سایر روش‌ها دانست بلکه هرکدام از این روش‌ها باید گوشه‌ای از کار را بگیرند و در برنامه‌ی کلی باید به صورت متوازن از تمامی روش‌های پیشگیری استفاده شود. همچنین مزایا و معایب هر روش در هر مورد خاص باید در طراحی و اجرای برنامه‌های پیشگیری مدنظر باشد.^۲

۲.۱.۴ سطوح پیشگیری

پیشگیری به سه سطح اولیه، ثانویه و ثالثیه تقسیم می‌شود. این تقسیم‌بندی به دنبال تبیین این نکته است که نظام عدالت کیفری در کدام مرحله باید وارد شود و در هر مرحله باید چه پاسخی برای پدیده‌ی مجرمانه در نظر بگیرد، این تقسیم‌بندی گرچه همچنان مورد استفاده قرار می‌گیرد اما تمام مسائل مرتبط با پیشگیری از جرم و ساخت جامعه ایمن را در برنمی‌گیرد.

پیشگیری اولیه نظر به برنامه‌ها و طرح‌هایی که دارد هدفش در جامعه کسانی هستند که تاکنون مرتکب جرم نشده‌اند. به عنوان نمونه به برنامه‌هایی اشاره دارد که با هدف آگاهی‌افزایی یا آموزش مردم یا جوانان در خصوص خشونت خانگی یا خشونت در مدارس به انجام می‌رسد.

پیشگیری ثانویه ناظر بر برنامه‌هایی است که به صورت خاص برای کودکان و نوجوانانی که در معرض خطر بزهکاری هستند به اجرا درمی‌آید. خطر ارتکاب جرم ممکن است از سوی مددکاران اجتماعی، نظام‌آموزشی یا قضایی تشخیص داده شود.

پیشگیری ثالثیه به برنامه‌هایی گفته می‌شود که با هدف پیشگیری از تکرار جرم پس از بازگشت محکومان کیفری به جامعه انجام می‌شود.^۳

۱- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۵۲ - ۵۳.

۲- عبدالرضا، جوان جعفری؛ سیدزاده ثانی، مهدی؛ رهنمودهای علمی پیشگیری از جرم، ص ۵۱.

۳- همان، ص ۵۳ - ۵۴.

۳.۱.۴ ضمانت‌های اجرایی پیشگیری از جرم

ضمانت نخستین: نیروی بازدارنده‌ی درونی انسان یعنی تقوای خدای تبارک و تعالی نخستین ضامن اجرایی است. اسلام با روش‌های گوناگون سعی در پرورش این شعور در دل‌های مسلمان داشته است. ضمانت دوم: قدرت حکومت عادل در جامعه‌ی اسلامی است. چرا که حکومت اسلامی وظایف خود را تنها به آنچه رژیم‌های دیگر آن را جز وظایف اساسی می‌شمارند که مهم‌ترین آن‌ها حفظ امنیت داخلی و خارجی است، محدود نمی‌داند بلکه برای خود وظایف اجتماعی، تربیتی و فرهنگی قائل است. ضمانت سوم: نیروی اجتماع که فرضیه‌ی امر به معروف و نهی از منکر از آن ناشی می‌شود.^۱ در مباحث بعدی در مورد هریک از این موارد توضیحاتی آورده شده است.

۴.۱.۴ مصلحت‌های اجرای مجازات

مصالح معتبر از دیدگاه اسلام تابع مصالح و مفاسد واقعی است. جرم در اسلام شامل مسائل و موضوعاتی است که دارای مفاسد اجتماعی و شخصی بوده و تجاوز به مصلحت‌ها و ارزش‌های اسلامی تلقی می‌شود که عبارتند از:

— مصلحت حفظ دین و کیان اسلام: اگر برخی از جرایم نظیر ارتداد و بدعت‌گذاری مورد تعقیب و کیفر قرار می‌گیرند به این دلیل است که دین مقدس اسلام از هر تعرضی مصون بماند و مورد حفاظت واقع شود.

— مصلحت حفظ جان: اگر برخی از جرایم مورد تعقیب و کیفر قرار می‌گیرند به خاطر حفظ و صیانت جان اشخاص و دفاع از تمامیت افراد است. نظیر قاتل، ضارب و جراح.

— مصلحت حفظ نوامیس: اجرای مجازات حد در مورد جرم زنا و لواط و مساحقه و تفخیز و قذف جهت حمایت از حیثیت و شرف انسان‌ها و حفظ نسل سالم است.

— مصلحت حفظ عقل: تعیین اجرای مجازات حد جهت شرب خمر برای آن است که سکر زائل‌کننده‌ی عقل است.

— مصلحت حفظ اموال: مجازات حد و یا تعزیر سارق و غاصب به منظور حمایت از اموال افراد جامعه است.^۲

۱- کورانی، علی، امر به معروف و نهی از منکر؛ والاترین و گران قدرترین فرضیه اسلامی، ص ۵-۶.

۲- شامیبانی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ص ۲۲۱ - ۲۲۲.

همه‌ی احکام و قوانین اسلام در یکایک ابواب فقهی و حقوقی برای پاسداری از این مصالح و تقویت و پشتیبانی از آن‌هاست. از این رو اسلام تجاوز و ستم به هر یک از این مصلحت‌ها را جرم می‌شناسد و برای هر کدام کیفری متناسب مقرر داشته است.^۱ بنابراین اگر در جامعه‌ای امنیت و عدالت نباشد، جان و دین و اندیشه و ناموس و مال افراد در معرض خطر و تجاوز قرار می‌گیرد.^۲

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: دو نعمت همواره مورد ناسپاسی و کفران قرار می‌گیرد، سلامتی و امنیت.^۳

امام خمینی (ره) می‌فرماید: برقراری امنیت و حفظ نظام اجتماعی، از واجبات مؤکد اسلامی است.^۴ همچنان که اختلال و ناامنی در جامعه‌ی اسلامی، مبعوض و ناپسند شارع مقدس است. بدیهی است که تحقق بخشیدن به این امر نیز بدون حکومت امکان‌پذیر نیست.^۵

۱- فیض، علی رضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی، ص ۵۶.

۲- شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، ص ۲۲۲.

۳- «نعمتان مکفورتان الامن والعافیه»، ابن بابویه صدوق، محمدبن علی، خصال، ص ۳۴.

۴- امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۱.

۵- ربانی گلپایگانی، علی، دین و دولت، ص ۱۴۵.

۲.۴ عوامل بازدارنده‌ی جرایم

یکی از اهداف وجود کیفر در حقوق اسلام پیشگیری از وقوع جرم است اما نحوه‌ی پیشگیری از وقوع جرم در شریعت اسلام با سایر نظام‌های موضوعه بشری متفاوت است زیرا اسلام با اهتمام در نشر تعلیمات اخلاقی و تهذیب نفوس و آموزش مبانی عقیدتی و راهنمایی مردم به انجام کارهای نیک و پرهیز از جرایم و منکرات امیدوار است که تا حد امکان افراد را از دست زدن به ارتکاب جرم باز دارد.

۱.۲.۴ بازدارندگی بواسطه‌ی جهان‌بینی توحیدی و اندیشه‌ی خدامحور

مراد از جهان‌بینی توحیدی مجموعه‌ای از معارف است که آدمی از منبع وحی درباره‌ی خدا، جهان طبیعت، انسان و نظام‌های حاکم بر آن به دست می‌آورد.^۱ جامعه‌ی دینی از توحید جان می‌گیرد و می‌کوشد تا قصد مجرمانه را از بین ببرد و تلاش می‌کند تمام اوصاف خداوند در جامعه‌ی دینی ظهور و بروز پیدا می‌کند.^۲

در ابتدا ممکن است نقش جهان‌بینی توحیدی در پیشگیری از جرم و گناه چندان چشم‌گیر نباشد اما با کمی دقت در منابع حقوق اسلام به‌ویژه قرآن کریم نقش بازدارندگی جهان‌بینی توحیدی در جلوگیری از جرم و گناه به خوبی قابل درک است.

— «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ».^۳

خداست که معبودی جز او نیست، زنده و برپادارنده است نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران، آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند آنچه در پیش‌روی آنان و آنچه در پشت‌سرشان است؟ می‌داند و به چیزی از علم او جز به آنچه بخواهد احاطه نمی‌یابند، کرسی او آسمان‌ها و زمین را در بر گرفته و نگهداری آن‌ها بر او دشوار نیست و اوست والای بزرگ.

۱- عمیدزنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، ص ۶۶۲.

۲- علی‌پور رجبی، علی، مقایسه کارآمدی نظام دینی و غیردینی در پیشگیری از جرم، ص ۲۰.

۳- سوره بقره، آیه ۲۵۵.

— «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ».^۱
آنچه را در آسمان‌ها و زمین است می‌داند و از آنچه پنهان یا آشکار می‌کنید با خبر است و خداوند از آنچه در درون سینه‌هاست آگاه است.

— «فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ».^۲
پس چگونه خواهد بود [حالشان] آنگاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم و به هر کس [پاداش] دستاوردش به تمام [و کمال] داده شود و به آنان ستم نرسد.

— «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».^۳

آیا نمی‌دانی که خداوند آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است می‌داند، هیچ‌گاه سه نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند چهارمین آن‌هاست و هیچ‌گاه پنج نفر با هم نجوا نمی‌کنند مگر اینکه خداوند ششمین آن‌هاست و نه تعدادی کمتر و نه بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آن‌هاست هر جا که باشند، سپس روز قیامت آن‌ها را از اعمالشان آگاه می‌سازد چرا که خداوند به هر چیزی داناست!

با توجه به این آیات، جهان‌بینی توحیدی عاملی است که انسان را در کلیه‌ی شرایط از انحراف و کج‌روی بازمی‌دارد البته نقش بازدارندگی این عامل نسبی است و در نزد همه‌ی افراد یکسان نیست و به میزان پابندی آن‌ها به مبانی جهان‌بینی توحیدی بستگی دارد. عامل اساسی این نوع جهان‌بینی را می‌توان سلامت روانی، انسجام و توحید یافتگی دانست که بهترین راه دستیابی به آن، تمرکز و تأکید بر اهداف متعالی و ارزش‌های دینی و معنوی است.^۴ در هر جامعه‌ای که دینداری تقویت شود، جرم و جنایت کمتر می‌گردد و بالعکس هر چه دین و ایمان مردم تضعیف شود، فساد و تباهی افزایش می‌یابد.^۵ بنابراین باید

۱- سوره تغابن، آیه ۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۲۵.

۳- سوره مجادله، آیه ۷.

۴- شریفی‌نیا، محمدحسین، بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال اول، ش ۲، ص ۱۰.

۵- خردمند، محمد، درسنامه‌ی پیشگیری از جرم، ص ۲۲.

گفت ایمان به خدا بهترین وسیله‌ای است که می‌تواند جلوی جنبش‌های نفس انسان بایستد و او را از افراط و تفریط نجات دهد.^۱

ایمان به خدا و حضور او^۲ تأثیر عمیقی بر عواطف، شناخت‌ها، رفتارها و عملکرد انسان دارد از این رو اینکه هر انسانی احساس کند عالم محضر خداست تأثیر زیادی در کاهش جرم خواهد داشت؛ چنانچه امام خمینی (ره) نیز فرموده‌اند: عالم محضر خداست در محضر خدا معصیت نکنید.^۳

معیارها و شاخص‌های مختلفی برای دین‌باوری در منابع ذکر شده است که در معیارهای مستخرج از آیات و روایات عواملی از قبیل معرفت و ایمان به خدا، شکرگزاری، اخلاص، حسن ظن به خدا، احساسات معنوی چون اعتقاد به پاداش بهشت، ایمان به حیات پس از مرگ، ترجیح دادن سعادت اخروی بر سعادت دنیوی، اعتقاد به نتایج اعمال، جاودانگی روح، شوق بهشت و ترس از دوزخ، اعتقاد به نبوت و امامت، الگو بودن اولیای دین، رعایت شعائر دینی، رعایت حدود و احکام الهی، پرداخت زکات، خمس، مراقبت از سلامت خود، تعدیل غرایز، رعایت پاکیزگی و طهارت، رعایت حقوق دیگران، احساس مسئولیت نسبت به دیگران، خوش‌رفتاری، پرهیز از سوءظن و آزار دادن دیگران، بهره بردن از دنیا و آبادانی، تقوا، توبه، نوسازی خویشتن، محاسبه‌ی اعمال، عزت نفس، صبر و پایداری، تفکر و تعقل، پرهیز از خودبینی را می‌توان نام برد.^۴

۲.۲.۴ بازدارندگی به واسطه‌ی امر به معروف و نهی از منکر

تعلیمات اسلامی بهترین و کامل‌ترین تعلیمات آسمانی است و ممکن نیست که جامع‌تر از آن به فکر هیچ متشرعی برسد اما این تعلیمات وقتی سودمند خواهد بود که توسط امر به معروف و نهی از منکر ضمانت گردد.

امر به معروف و نهی از منکر محیط را برای تربیت افراد صحیح و لایق مساعد می‌کند و زمینه‌های فساد را از بین برده و کانون‌های فحشا و منکرات را ریشه‌کن می‌سازد پس انسان تا در این جهان زندگی می‌کند هیچ‌گاه از امر به معروف و نهی از منکر بی‌نیاز نیست.^۵

۱- صافی‌گلپایگانی، لطف الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص ۹.

۲- «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى»، مگر نمی‌دانند که خدا کارهایشان را می‌بیند؟، سوره علق، آیه ۱۴.

۳- امام خمینی (ره)، صحیفه‌ی امام، ج ۱۳، ص ۴۶۱.

۴- شریفی‌نیا، محمدحسین، بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، مطالعات اسلام و روانشناسی، سال اول، ش ۲، ص ۴۳.

۵- صافی گلپایگانی، لطف الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۳.

۱.۲.۲.۴ تعریف امر به معروف و نهی از منکر

تعریف مشهور نزد گروهی از فقها این است که معروف عبارت از کار نیکویی است که کننده‌ی آن، آن را بشناسد یا به انجام آن راهنمایی شود و منکر نیز هر کار زشتی را گویند که باز هم کننده‌ی آن، آن را می‌شناسد یا اینکه آن را به وی بشناسانند. از نظر فقهی منکر هر فعل یا ترک فعلی است که قانونگذار اسلام ارتکاب آن را ممنوع کرده است. معروف شامل مستحبات می‌شود و منکر اختصاص به فعل حرام دارد نظیر تهمت، غیبت و... اگر منظور از حسن و قبح اعمال، حسن و قبح شرعی یا عقلی باشد، تفاوتی نمی‌کند چرا که شرع و عقل در قضاوت نیکی و زشتی کردارها، لازم و ملزوم یکدیگرند.^۱

۲.۲.۲.۴ آیات و روایات

آیاتی که درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر نازل شده و احادیث و روایاتی که از معصومین علیهم‌السلام در این باره رسیده برای جلوگیری از وقوع جرم و سلامت جامعه است. از جمله‌ی این آیات:

۱- «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۲ و باید از میان شما گروهی [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.

۲- «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۳ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید زیرا به کار پسندیده فرمان می‌دهید و از کار ناپسند بازمی‌دارید.

۳- «يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۴ به خدا و روز دیگر ایمان می‌آورند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

۱- کورانی، علی، امر به معروف و نهی از منکر والاترین و گرانقدرترین فرضیه اسلامی، ص ۷.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۳- همان، آیه ۱۱۰.

۴- همان، آیه ۱۱۴.

۴- «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَامُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۱ پسرم! نماز را بر پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن.

۵- «... يَأْمُرُهُم بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ يُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ...»^۲ آن‌ها را به معروف دستور می‌دهد و از منکر باز می‌دارد؛ اشیاء پاکیزه را برای آن‌ها حلال می‌شمرد.

۶- «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۳ مردان و زنان با ایمان ولی یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و... .

۷- «... الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ»^۴ آمران به معروف، نهی‌کنندگان از منکر و حافظان حدود (و مرزهای) الهی، (مؤمنان حقیقی‌اند)؛ و بشارت ده به (این چنین) مؤمنان!

۸- «الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۵ همان کسانی که در زمین به آن‌ها قدرت بخشیدیم، نماز را بر پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

امر به معروف و نهی از منکر یکی از اصول عملی اسلام است که در قرآن مجید با صراحت و تأکید آمده و در احادیث و روایات دربارہی آن بسیار سخن گفته شده و همین‌طور علما و بزرگان دین دربارہی این اصل سخن‌ها گفته و مطالبی نوشته‌اند و بیش از هر جا در کتب فقهی مورد تحقیق قرار گرفته است.^۶ در ذیل به دو نمونه از این روایات اشاره می‌شود.

۱- سوره لقمان، آیه ۱۷.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۵۷.

۳- سوره توبه، آیه ۷۱.

۴- همان، آیه ۱۱۲.

۵- سوره حج، آیه ۴۱.

۶- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ۲۰، جلد دوم از بخش فقه و حقوق، ص ۱۸۹.

۱- امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ ... وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ».^۱ امر به معروف و نهی از منکر دو واجب بزرگ الهی می‌باشند که سایر واجبات با آن‌ها برپا می‌مانند و بوسیله‌ی این دو راه‌ها امن و کسب و کار مردم حلال می‌شود. با این دو واجب است که داد ستم‌دیدگان ستانده می‌شود و زمین آباد می‌گردد.

۲- امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ دَعَاءٌ لِلْسُّفَهَاءِ».^۲ امر به خوبی‌ها را برای اصلاح مردم و جلوگیری از زشتی را برای بازداشتن بی‌خردان قرار داده است. آیات و روایات در زمینه‌ی امر به معروف نشان‌دهنده‌ی آن است که پیشگیری از گناه به ویژه گناهان مشهوری که جرم و جنایت و خلاف شناخته می‌شوند وظیفه‌ای اجتماعی است که نه تنها برگزیدگان جامعه مسئول نظارت بر اجرای قانون نمی‌باشند بلکه هر فرد جامعه‌ی اسلامی موظف به نظارت بر اجرای قانون و پاسداری از حدود آن است.^۳

همان گونه که انسان وظیفه دارد خود را مقید به نظام کند و همان گونه که قدرت حاکم وظیفه دارد افراد را از اخلال در نظام جامعه باز دارد، جامعه نیز وظیفه دارد که قدرت جلوگیری و الزام افراد را از طریق امر به معروف و نهی از منکر اعمال کند.^۴ بنابراین اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی دینی ترک نشود جرأت بر گناه و زشتی در دل هیچ آدمی ریشه‌دار نخواهد شد.^۵

نقاط ضعف در انسان زیاد و نواقص او بسیار است و باید به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، اینگونه افراد را ملتفت کرد تا متنبه و پشیمان شوند.^۶ آیات جهاد، امر به معروف و نهی از منکر و همچنین آیات تبرا و تولی نقش اساسی در پیشگیری از جرم دارند. بخش مهمی از نهی از منکر این است که می‌کوشد بعد از ملاحظه‌ی گناه و جرم با نهی گناهکار از ارتکاب آن جلوگیری کند.

۱- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۵۶

۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۵۴۳-۵۴۴.

۳- البته آنجا که اعمال زور و حبس و زدن و حتی کشتن است از وظیفه‌ی عمومی خارج است و وظیفه‌ی حاکم اسلامی است اما سایر مراتب از تذکر دادن و موعظه کردن و در مواقعی اعراض و امثال این‌ها وظیفه‌ی فرد فرد مسلمانان است.

۴- کورانی، علی، امر به معروف و نهی از منکر والاترین و گرانقدرترین فرضیه‌ی اسلامی، ص ۸.

۵- عابدی میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۲۶.

۶- صافی گلپایگانی، لطف الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، ص ۱۱.

۳.۲.۴ نقش ازدواج در بازدارندگی از جرم

بشر با همه‌ی پیشرفت خود در علوم، صنایع و فناوری، گرفتار بحران‌ها و نابسامانی‌های فراوانی در زمینه‌ی تعلیم و تربیت به‌ویژه در آموزش و تربیت جنسی است. غفلت از جنبه‌های روانی، معنوی، اخلاقی و اجتماعی باعث شده است که بشر در این بحران همچنان غوطه‌ور باشد و نه تنها پیشرفت نکند بلکه در مراحل تنزل نیز یابد^۱ اما هیچ مسئله‌ی تربیتی نیست که اسلام درباره‌ی آن هدایت و راهنمایی لازم را نداشته باشد.

مشکلاتی که بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد و شرایط نامطلوبی که از سنت‌ها برمی‌خیزد هیچ‌گونه پایه‌ی مذهبی ندارد و مانع بزرگی بر سر راه ارضای غرایز طبیعی آنان می‌باشد و رفته‌رفته به نقطه‌ی بحرانی خود رسیده است. خبرهایی که از این بحران حکایت دارد و غالباً برای حفظ آرامش نسبی خانواده‌ها منتشر نمی‌شود میزان جدی بودن این مسئله را نشان می‌دهد.^۲

عدم جهت‌دهی پرورش غریزه‌ی جنسی و تربیت نکردن این استعداد بشری باعث شده است که پیامدهای منفی چون شهوت‌پرستی، بی‌بندوباری اخلاقی، شانه خالی کردن بسیاری از جوانان از تشکیل خانواده، بروز امیال کاذب بین دختران و پسران، آشفتگی روحی بین زنان و مردان، جامعه‌ی بشری را فراگیرد.^۳ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: وقتی کسی که خلق و دین وی مایه‌ی رضایت است به خواستگاری می‌آید به وی زن بدهید و اگر چنین نکنید فتنه و فساد در زمین فراوان خواهد شد.^۴

در کتاب میزان‌الحکمه از امام صادق‌علیه‌السلام روایت شده فردی را که استمناء کرده بود و از خود منی خارج ساخته بود نزد امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام آوردند، حضرت آنقدر به دست او تازیانه زد که دستش سرخ شد و با پول بیت‌المال برای او زن گرفت.^۵

بدیهی است اگر امام تنها به تعزیر گناهکار اکتفا می‌کرد، درد اصلی که فشار غریزه‌ی جنسی بوده درمان نمی‌گشت و چه بسا مرتکب جرایم دیگری چون زنا می‌شد که برای جامعه هم خطرناک می‌بود.

۱- فقیهی، علی‌نقی، تربیت جنسی - مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، ص ۷.

۲- طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره: افول فرهنگ، ص ۵۱.

۳- فقیهی، علی‌نقی، تربیت جنسی - مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، ص ۸.

۴- «إِذَا أَتَاكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ خُلُقَهُ وَ دِينَهُ فَرَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوا تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فِسَادٌ عَرِضٌ». نهج الفصاحه، ص ۲۳.

۵- «إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عَلِيَهُ السَّلَام) أَتَى بِرَجُلٍ عَبَثَ بِذِكْرِهِ فَضْرَبَ يَدَهُ حَتَّى احْمَرَّتْ ثُمَّ زَوَّجَهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ»، ری شهری، محمد، میزان

الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی، ج ۱۱، ص ۷۷.

نکته‌ی دیگر اینکه برای او از هزینه‌ی بیت‌المال همسر اتخاذ کرد و علت این بوده که به حکومت‌های اسلامی بفهماند، دولت وظیفه دارد که ازدواج جوانان را تسهیل کند.^۱

می‌توان گفت علل برخی از جرایم، سبک زندگی افراد است برای نمونه مجرد زیستن، معاشرت با مردان جوان، رفت و آمد شب هنگام به اماکن عمومی و زندگی در شهرهای بزرگ از جمله شیوه‌های زندگی است که نرخ برخی از جرایم را افزایش می‌دهد.

دقت در آمار جرایم زنان در کشورهای مختلف و توجه به وضع خانوادگی و اجتماعی آن‌ها بیشتر اهمیت توصیه‌ی پیشوایان ما به ازدواج جوانان و حفظ حریم زن و مرد را نمایان می‌سازد زیرا فرد مجرد آمادگی بیشتری برای ارتکاب جرم دارد. همان‌گونه که لباس در بدن پوششی است که عیب‌ها و ننگ‌ها را می‌پوشاند و باعث حفظ حیثیت انسان در بین مردم است، زن و مرد هم نسبت به یکدیگر پوششی هستند که از لحاظ معنوی و حیات انسانی از بروز بسیاری از بدی‌ها و زشتی‌ها در جامعه جلوگیری کرده و یکدیگر را حفظ می‌کنند. در قرآن نیز آمده که مرد و زن لباس یکدیگرند^۲ و یکدیگر را از خطرها حفظ می‌کنند و در روایتی از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله نقل شده است: «من تزوج احرز نصف دینه»^۳ هرکس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ نموده است.

۴.۲.۴ بازدارندگی به واسطه‌ی تهذیب نفس و توبه

اسلام با هماهنگی دو عنصر تهذیب و توبه زمینه‌ی انحراف و گناهکاری را کاهش می‌دهد. لذا این دو عنصر نقش عمده‌ای در پیشگیری از جرایم ایفا می‌نمایند.

۱.۴.۲.۴ تهذیب و تزکیه

تغییر با تکامل ارتباط تنگاتنگی دارد و از آنجا که انسان به لحاظ فطری کمال‌گراست همواره به دنبال تغییر می‌باشد بنابراین تغییر بخش جدایی‌ناپذیر حرکت انسان به سوی کمال است.^۴ برای جلوگیری از غرق شدن در گرداب رذایل، تلاش و کوشش فراوانی لازم است و راهی جز تزکیه و تهذیب نفس یعنی

۱- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۳۱-۱۳۲.

۲- سوره بقره، آیه ۱۸۷.

۳- الحرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۴، کتاب نکاح، ص ۲۵۶.

۴- علوی گنابادی، جعفر، مهارت تغییر رفتار دیگران در آموزه‌های دینی، ص ۷.

کسب مکارم و فضایل و دوری از رذایل اخلاقی وجود ندارد. پس اولین وظیفه‌ی انسان خودسازی است و سپس جامعه‌سازی و تا انسان حریف خود نشود، حریف دیگران نمی‌شود.^۱

امام خمینی (ره) فرموده‌اند: تهذیب نفس به معنای غلبه کردن انسان بر قوای ظاهری خود و آن‌ها را تحت فرمان خالق قرار دادن و مملکت را از لوٹ وجود قوای شیطان و جنود آن خالی نمودن است.^۲

امام خمینی (ره) در بیان اهمیت تزکیه و تهذیب نفس به طور مکرر در سخنرانی‌های خود بر تقدم تزکیه بر تعلیم تأکید نموده است.

۲.۴.۲.۴ توبه

توبه، قبل از کشف و آشکار شدن جرم یا گناه نقش عمده‌ای در پیشگیری از آن دارد و بعد از جرم و گناه نیز در بعضی موارد می‌تواند مؤثر باشد. فقها و صاحب‌نظران اسلامی در آثار خود با استشهاد به آیات و روایات وارده، درباره‌ی نقش اصلاحی توبه و همچنین تأثیر آن در سقوط مجازات با رعایت شرایط خاصی بحث‌های فراوانی نموده‌اند. در این مبحث به بیان توبه در آیات و روایات و اقوال فقها و همچنین فرق میان توبه و استغفار می‌پردازیم.

۱.۲.۴.۲.۴ توبه‌ی مجرم در قرآن کریم

در کلام الهی توبه به عنوان راه اصلاح افراد تأکید و تبیین شده است و خداوند در آیات فراوانی گناهکاران را به توبه دعوت کرده است. در اینجا چند آیه از قرآن به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

— «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءُ بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ».^۳

دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است. اما آن کس که پس از ستم کردن، توبه و جبران نماید خداوند توبه او را می‌پذیرد زیرا خداوند آمرزنده و مهربان است.

۱- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۱۱.

۲- امام خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۶.

۳- سوره مائده، آیه ۳۸ - ۳۹.

آیه بیان می‌دارد که باید دست دزدان به کیفر عملی که انجام داده‌اند، بریده شود حتی اگر زن باشد. این کار برای این است که دیگر این عمل را انجام ندهد اما آیه بعد در تکمیل این آیه می‌فرماید: آن کس که پس از عمل نادرستش توبه کند خداوند توبه‌ی او را می‌پذیرد.

— «إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ. إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدَرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱.

کیفر آن‌ها که با خدا و پیامبر به جنگ برمی‌خیزند و در روی زمین دست به فساد می‌زنند. (و با تهدید به اسلحه به جان و مال و ناموس مردم حمله می‌برند) این است که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا (چهار انگشت از) دست راست و پای چپ آن‌ها بریده شود و یا از سرزمین خود تبعید گردند، این رسوایی آن‌ها در دنیاست و در آخرت مجازات بزرگی دارند مگر آن‌ها که قبل از دست یافتن شما بر آنان توبه کنند، بدانید (خدا توبه آن‌ها را می‌پذیرد) خداوند آمرزنده و مهربان است.

— «وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَ لَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَآئَهَا، يُضَاعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا، إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا، وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا»^۲.

و بندگان واقعی خدای رحمان کسانی‌اند که با وجود خدا، معبود دیگری نمی‌خوانند و انسان را که خدا کشتن او را حرام کرده است، نمی‌کشند مگر اینکه قتل او به حق باشد و زنا نمی‌کنند و هر کس این کارها را انجام دهد با وزر و وبال گناهانش روبه‌رو خواهد شد، عذابش در روز قیامت دو چندان می‌شود و برای همیشه با خفت و خواری در آن عذاب می‌ماند مگر کسانی که از شرک توبه کنند و به یکتایی خدا ایمان بیاورند و کار شایسته کنند که خدا بدی‌های برخاسته از گناهانشان را از دل و جانانشان می‌زداید و آن‌ها را به آثاری نیکو تبدیل می‌کند چرا که خداوند آمرزنده و مهربان است. هر کس از گناهانش توبه کند و کار شایسته انجام دهد قطعاً او چنانکه بایسته است به سوی خدا باز آمده و درخور این است که خداوند بدی‌های او را به نیکی‌ها مبدل سازد.

۱- همان، آیه ۳۳-۳۴.

۲- سوره فرقان، آیه، ۶۸-۷۱.

خداوند در این آیات پس از بیان گناهان کبیره چون زنا، شرک، قتل نفس بر تأثیر توبه تأکید نموده است.

— «وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى»^۱.

و به یقین من آمرزنده‌ی کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته انجام دهد و به راه راست رهسپار شود.

۲.۲.۴.۲.۴ توبه‌ی مجرم در روایات

توبه در روایات بسیاری مورد توجه و تأکید واقع شده است. حضرت علی‌علیه‌السلام فرمودند: خوشا به حال کسی که... پیش از آنکه درها بسته شود و وسایلش قطع گردد، بشتابد و در توبه را بگشاید و گناهان را از بین ببرد. پس چنین فردی به راه راست ایستاده و به راه حق هدایت شده است.^۲ همچنین فرمودند: کسی که توبه کند خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد و به اعضای بدنش دستور داده می‌شود که بر گناه او پرده‌ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می‌شود که بر گناه او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگهبان او آنچه را که علیه او نوشته‌اند فراموش می‌کنند.^۳

امام صادق علیه‌السلام فرمودند: هر بنده‌ی مؤمنی که گناهی کند خداوند هفت ساعت به او مهلت دهد اگر توبه کرد چیزی در نامه‌ی عمل او نوشته نخواهد شد و اگر توبه نکرد یک گناه بر او نوشته می‌شود.^۴

۳.۲.۴.۲.۴ توبه‌ی مجرم در اقوال فقها

امام خمینی (ره) در کتاب حدود تحت عنوان حد محاربه معتقد است اگر محارب قبل از دستگیر شدنش توبه کرده باشد حد از او ساقط می‌شود^۵ البته در صورتی که حق‌الناس بر ذمه‌ی مرتکب جرم نباشد^۶ و صاحب لمعه دمشقیه درباره‌ی توبه‌ی محارب معتقد است اگر محارب قبل از دستگیری توبه

۱- سوره طه، آیه ۸۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۴، ص ۳۱۳.

۳- حرعاملی، محمدبن حسن، جهادنفوس وسائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی نهاوندی، ص ۳۲۵.

۴- طبرسی، علی بن حسن، مشکاه الانوار، مترجم: هوشمند و محمدی، ص ۲۰۹.

۵- خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، ج ۴، ص ۳۷۷.

۶- یعنی اگر کسی را کشته و یا مجروح کرده و یا مالی را تلف کرده باشد، حق صاحب حق بجای خود محفوظ است.

۳.۴ نهادهای مؤثر در پیشگیری از جرم

پیشگیری از گناه به ویژه گناهان مشهوری که جرم و جنایت و خلاف شناخته می‌شوند، وظیفه‌ی اجتماعی است که بر عهده‌ی افراد جامعه و دولت است که نیاز به هماهنگی و همکاری افراد و نهادهای مختلف دارد. فلاسفه، انسان را موجودی مدنی بالطبع دانسته‌اند که خواهان زندگی اجتماعی است. بسیاری از فضایل اخلاقی مثل عدالت، انصاف، احسان، ایثار، انفاق، تواضع، امانت، صداقت و عفت همگی در زندگی اجتماعی معنی پیدا می‌کند.^۱ بی‌تردید زندگی باید به گونه‌ی اجتماعی و همراه با روح تعاون و همکاری اداره شود. اسلام غیر از عوامل درونی مانند وراثت، عوامل محیطی یا برون‌زا را در پیشگیری از جرم مورد بررسی قرار داده است مانند نقش محیط اجتماعی، خانواده و تربیت صحیح و... مهم‌ترین نهادهای مؤثر در پیشگیری از جرم عبارتند از: خانواده و حکومت که در این بخش به تفصیل هر یک را بررسی می‌نماییم.

۱.۳.۴ نقش خانواده در پیشگیری از جرم

نهاد خانواده یکی از اصلی‌ترین و قدیمی‌ترین نهادهایی است که اجتماعات بشری آن را تجربه کرده است. نقش نهاد خانواده در رفاه و سالم زیستن اعضای آن، تأثیر و تأثر هر یک از اعضا از یکدیگر و نیز اثرگذاری خانواده‌ها بر اجتماع بر کسی پوشیده نیست.^۲ خانواده را به عنوان پایگاه شکل‌گیری شخصیت افراد می‌توان به خانواده‌ی پیوسته و گسسته تقسیم کرد. در خانواده‌های پیوسته روابط عاطفی میان والدین و فرزندان برقرار است و تنش‌های مختلف نادر است و احساس ایمنی فراوانی دیده می‌شود، در چنین خانواده‌هایی اگر فرزند دچار اشکالات و مشکلات روانی و یا جسمی نباشد و یا این اختلاف‌ها در حد جدی ایجاد نگردد، می‌توان امیدوار بود که گرایش‌های انحرافی از جمله جرم، کمتر مجال ظهور یابند.^۳

در حالی که در خانواده‌های گسسته که والدین یا به طور کامل جدا از فرزندان هستند و یا با وجود کانون خانوادگی، تنش‌های متعدد در روابط افراد خانواده وجود دارد، احساس ایمنی دچار تردید خواهد شد و عصیان و سرکشی به شکل خودآگاه یا ناخودآگاه زمینه‌ی انحرافات بعدی را فراهم می‌کند.^۴ البته نمی‌توان گفت که خانواده‌های گسسته در مسیر حتمی ارتکاب جرم قرار دارند و یا اینکه در خانواده‌های

۱- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۱۱۲.

۲- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، ص ۱۱.

۳- نوربها، رضا، زمینه‌ی جرم‌شناسی، ص ۱۹۷.

۴- همان.

پیوسته جرم و مجرم وجود ندارد. بنابراین تحکیم بنیان خانواده یک عامل مؤثر و قوی بازدارنده در وقوع جرم است که باید همواره مورد توجه و مراقبت باشد. گفتنی است که جرایم خانوادگی بیشتر برگرفته از شرایط نامطلوب خانواده مانند تنزل بنیان اوضاع نابسامان جامعه، از هم پاشیدگی خانواده (طلاق یا مرگ یکی از والدین)، عدم مراقبت کافی از فرزندان، مشکلات اقتصادی و بیکاری، تفاوت و گوناگونی زیاد خانواده از نظر نژادی و مذهبی را می‌توان نام برد.

۱.۳.۴ تربیت خانوادگی و تأثیر آن در کاهش جرم

انسان دارای سرشتی خاکی و مادی و محسوس است که بدن نامیده می‌شود و همچنین دارای وجودی نامحسوس که از آن به روح تعبیر می‌گردد.^۱

تربیت یعنی ایجاد تحولات ثمربخش در محیط زندگی انسان به منظور ساختن و شکوفتن استعدادهای آدمی.^۲ از نظر اسلام تربیت عبارت است از هدایت و اداره‌ی جریان ارتقایی و تکاملی بشر و یا ایجاد هیئتی تازه در فرد به منظور فراهم آوردن زمینه جهت رشد و تکامل همه جانبه‌ی انسان.^۳ شهید مطهری تربیت را پرورش استعدادهای درونی یک شیء که از بالقوه به فعلیت در آمده است، معنا می‌کند.^۴ از دیدگاه قرآن برای انسان یک روند تکاملی ترسیم شده است^۵ که در جریان زندگی روزمره به هر نسبت که از وابستگی‌ها و علایق مادی و لذت‌های شهوانی و تعلق‌هایش کاسته شود، سرعت سیرش بسوی تعالی و کمال افزایش می‌یابد و عقل و قدرت و کارآیی بیشتری پیدا کرده و حرکت بالندگی او در بستر خاک به طرف عالم ملکوت شدت می‌یابد و به میزانی که به معرفت الهی دست می‌یابد و راه تزکیه-ی نفس و تقوای عملی و عمل صالح را می‌پیماید، جهت‌گیری در زندگی دقیق‌تر شده و هدایت خاصه‌ی الهی شامل حالش می‌گردد و به قرب الهی نائل می‌شود.^۶ بنابراین باید گفت که اسلام مکتب انسان‌ساز است که تعلیم و تربیت انسان باید در هر دو جهت به طور هماهنگ پیش رود. قواعد و احکام این دین مبین، انسان را چنان تربیت می‌کند که از جرم و گناه بیزار باشد. به همین جهت احکام تربیتی و

۱- فرهادیان، رضا، اصول و مبادی تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۰.

۲- راشدی، لطیف، کودک و تربیت اسلامی، ص ۹.

۳- همان، ص ۸.

۴- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۳.

۵- «أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَا خَلَقْنَاهُ مِنْ نَطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ» سوره یس، آیه ۷۷.

۶- فرهادیان، رضا، اصول و مبادی تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۲۳-۲۴.

تعلیماتی اسلام گسترده، دقیق و فراوان است.^۱ امام علی علیه السلام می‌فرمایند: مردم به تربیت نیک نیازمندترند تا به زر و سیم.^۲

نقش تربیت خانوادگی را در سبک زندگی و پیشگیری از جرم نباید نادیده انگاشت، انسان بسیاری از بی‌نظمی‌ها و قانون‌گریزی‌ها را در محیط خانواده فرا می‌گیرد. در تربیت نادرست، گاه فرزندان به دلیل عدم برخورداری از آموزش‌های صحیح توسط والدین به افراد فاسد یا مجرم در جامعه تبدیل می‌شوند. گاهی هم تعلیم و تربیت نادرست باعث به انحراف کشیده شدن فرزندان و یا رفتن به سمت گروه‌های انحرافی می‌شود. به تعبیر روایت مشهوری از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله: «کل مولود یولد علی الفطرة حتی یكون أبواه یهو، وینصرانه، و یمجسانه»؛^۳ هر نوزادی بر فطرت پاک الهی متولد می‌شود تا اینکه والدینش او را یهودی، مسیحی یا مجوسی می‌کنند.

۲.۱.۳.۴ خشونت خانوادگی در ارتکاب جرم

رفتار خشونت‌آمیز والدین در خانواده با کودک یا همدیگر، این عقیده نادرست را در ذهن کودک ایجاد می‌کند که پیش رفتن با خشونت در جامعه هم باعث برطرف شدن مشکلات می‌شود. بیشتر خشونت‌ها در خانواده‌ها روی می‌دهد به عنوان مثال آمریکا، چنان در معرض خشونت‌های اعضای خانواده خود قرار دارد که خانواده را پس از پلیس و ارتش خشن‌ترین نهاد اجتماعی نامیده‌اند و برخی مدعی‌اند که خشونت خانوادگی مهم‌ترین مسئله‌ی اجتماعی است که امروزه آمریکائیان با آن دست به گریبانند.^۴

خانواده فضایی پر از احساس و عاطفه است که اعضا، ناکامی‌های خارج از آن را به داخل می‌آورند و بروز می‌دهند. پرخاشگری‌هایی که خارج از خانواده روی می‌دهد را به طور معمول کسی تحمل نمی‌کند ولی در خانواده و در بین اعضای آن تحمل می‌شود از همین رو بروز خشونت در خانواده امری متداول و عادی است. برخی از عوامل عمده‌ی خشونت خانوادگی فشار، فقر، ارزشهای پدرسالارانه، بیماری‌های روانی و اختلالات شخصیتی می‌باشد.^۵ جرایم خانوادگی (ناهنجاری‌ها و انحرافات اجتماعی) در

۱- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۴۰.

۲- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، حدیث ۳۳۴، ص ۹۹.

۳- عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، ص ۳۵.

۴- صدیق سروسستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی، ص ۱۴۱.

۵- همان، ص ۱۴۱-۱۴۲.

شرایط نامطلوبی مانند تزلزل بنیان خانواده و اوضاع نابسامان جامعه، رخ می‌دهد. یکی از موجبات فرار از خانه، در مورد فرزندان را بازتاب‌های خشونت والدین می‌دانند که تأثیرات انکارناپذیری در جامعه دارد.^۱

۳.۱.۳.۴ راهکارهای پیشگیری از ناهنجاری‌ها و انحرافات در خانواده

در این قسمت به برخی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری از انحرافات اعضای خانواده اشاره می‌شود.

۱.۳.۱.۳.۴ اهتمام زوجین به وظایف مختص و مشترک

رعایت آداب و وظایف از مهم‌ترین اموری است که اسلام برای تشکیل خانواده بنا نهاده است، باید گفت یکی از مهم‌ترین دلایل جدایی زوجین ناآشنایی با وظایف و عدم توجه به این امر مهم می‌باشد. در مواد متعددی از قانون مدنی حقوق و وظایف متقابل زوجین از قبیل نفقه، حقوق و وظایف زن نسبت به شوهر و همچنین شوهر نسبت به زن بحث می‌شود.

۲.۳.۱.۳.۴ محبت در خانواده

عشق و محبت از مهم‌ترین ارزش‌هایی است که باید فرد در محیط خانواده فراگیرد، والدین باید با رفتار عطوفت‌آمیز و انسانی، فرزندان خود را از عشق و محبت و گذشت سرشار ساخته و آن‌ها را در گسترش این مسأله آنقدر اهمیت دارد که ریشه‌ی بسیاری از ناسازگاری‌ها و بزهکاری افراد را باید کمبود مهر و محبت به آنان از سوی والدین در مراحل اولیه‌ی کودکی جست‌وجو کرد به طوری که اگر پدر و مادر بتوانند این نیاز عاطفی را برآورده سازند شاید از مشکلاتی که بعدها در سنین جوانی ممکن است خودنمایی کند، جلوگیری گردد.^۲ از نظر روانشناسان، اختلالات روانی ناشی از کمبود محبت افراد به شکل یکی از صور ذیل ظاهر می‌شود که هریک از این امور می‌تواند زمینه‌ی انحراف افراد را فراهم نماید:

- احساس ناامنی روانی و عدم آرامش
- بدبینی و عدم اعتماد نسبت به دیگران
- عدم حظ و لذت زنده بودن و زندگی کردن
- ضعف اعتماد به نفس

۱- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۳۴.

۲- همان، ص ۵۸.

— عدم احساس مسئولیت و تعهد

— خجالت و تمایل به تقلید کورکورانه

— نیاز به جلب توجه و خودنمایی از طریق روش‌های نامطلوب.^۱

بنابراین والدین باید عواطف انعطاف‌پذیر و دور از انجماد قلبی، کلامی و رفتاری خود را از طریق نگاه‌های محبت‌آمیز و سخنان صادقانه و اعمال امیدوارکننده نسبت به اعضای خانواده خود ابراز نمایند.^۲ هرچند زیاده روی در محبت نیز طفل را زودرنج، خودپسند و ترسو بار می‌آورد.^۳

۳.۳.۱.۳.۴ توجه والدین به مسائل جنسی فرزندان

عدم توجه والدین به مسائل جنسی و برخوردهای غلط با این قضیه می‌تواند عامل مهمی برای انواع انحرافات باشد. حساسیت بیش از حد خانواده‌ها نسبت به مسائل جنسی فرزندان و همچنین نادیده گرفتن این مسائل در برخی خانواده‌ها باعث می‌شود فرد به سوی انحرافات جنسی سوق داده شود.^۴ آموزش و تربیت جنسی در مراحل مختلف رشد جهت جلوگیری از انحراف فرزندان ضرورت دارد.^۵ حضرت علی علیه‌السلام در نامه‌ی خود به فرزندش یادآور می‌شود که در هر زمینه‌ای آموزش و اطلاعات لازم را داده و حلال و حرام خداوندی را به او آموخته است.^۶ در این نامه آموزش‌های جنسی به چشم می‌خورد و این امر نشان از اهمیت و ضرورت آموزش جنسی می‌باشد. به طور کلی تربیت جنسی والدین باید در سه جنبه صورت گیرد:

— هدایت جنسی؛ که ضرورت دارد فرزندان را به مبانی اعتقادی و شرعی پایبند کرد و به او آموخت که کارها و تلاش‌های خود را در چهارچوب دستورها و نواهی پروردگار سوق دهد که بخشی از این هدایت در رابطه با تقویت ایمان، عزت نفس و اخلاق است.

— تعدیل غریزه؛ که غرض کاستن از شدت‌ها و حالات غریزی است که برای تعدیل آن در زمینه‌ی خوردن و آشامیدن، پوشش و غیره که بسیار حائز اهمیت است.

۱- همان، ص ۵۸ - ۵۹.

۲- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، ص ۱۱۷.

۳- دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، ص ۱۸۶.

۴- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۳۱.

۵- همان، ص ۴۰.

۶- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

— کنترل‌ها و مراقبت‌ها؛^۱ که با درایت خانواده شکل می‌گیرد از این رو والدین باید توجه داشته باشند که آموزش زودرس، شتابزده و ناشیانه‌ی مسائل جنسی به فرزندان همان‌قدر آسیب‌زا است که اگر این آموزش‌ها با تأخیر و پنهان‌سازی همراه باشد.^۲

اهتمام به جریان یافتن آموزه‌های اسلامی در محیط خانواده و رعایت عفاف در مسائل جنسی والدین و نظارت و کنترل صحیح بر اعمال و رفتار فرزندان باعث جلوگیری از به انحراف کشیدن فرزندان می‌شود.

۴.۳.۱.۳.۴ توجه به مراقبت‌های والدین در رابطه با فرزندان

در رابطه با مراقبت‌هایی که والدین با فرزندان خود باید داشته باشند تا احساس شهوانی آن‌ها بی‌موقع بیدار نشود و رفتار فرد به عادات ناپسند جنسی منجر نگردد، رعایت برخی اقدامات در رابطه با فرزندان ضرورت دارد. از جمله اینکه در حین شست‌وشو و تطهیر کودک، مادر نباید زیاد به دستکاری کودک بپردازد، وجود برخی از انگل‌ها و بیماری‌ها ممکن است سبب تحریک اطراف دستگاه تناسلی گردد و این کار سبب خودارضایی شود و در نتیجه باعث انحرافات بعدی گردد. بنابراین والدین در درمان بیماری‌های کودکان باید با جدیت برخورد کنند و مراقب اوقات خواب و استراحت کودکان خود باشند. فرستادن کودکان به رختخواب قبل از آنکه وقت خوابشان فرا رسیده باشد کاری اشتباه است زیرا اگر کودک در رختخواب خود تنها باشد ناچار باید با تفکر به موضوعی و یا اشتغال به کاری خود را تا خواب سوق دهد و در این هنگام بهترین اوقات جهت کشف خود و دستیابی به وجود میل لذت بخشی همچون میل جنسی می‌باشد. برنامه‌ی خواب کودک باید طوری تنظیم شود که همیشه زودتر از والدین به خواب بروند و صبح‌ها پس از بیداری در رختخواب نمانند و حتی دست‌ها از پتو بیرون باشند که لحاظ کردن این امور نوعی مصون‌سازی از وسوسه‌هاست.^۳ توصیه‌های پیشگیرانه‌ی اسلام در مورد ناهنجاری‌ها در رابطه با خانواده بسیار زیاد است برای نمونه در رابطه با جرایم جنسی پرهیز از بازی با آلت تناسلی کودکان، بوسیدن آنان به‌ویژه بوسیدن مناطق خاصی از بدن از سنین خاص به بعد، جداسازی بستر کودکان از یکدیگر و مسائلی مانند آن در این راستا توجیه و تبیین می‌شود.^۴ مراعات اخلاق جنسی در

۱- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۶۹.

۲- همان، ص ۵۶.

۳- همان، ص ۶۳.

۴- همان، ص ۶۴.

پیشگیری از انحرافات و جرایم جنسی به قدری مهم است که قرآن به رعایت اخلاق و توجه به مراقبت‌ها در رابطه با فرزندان توصیه نموده است.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَوةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهِيرَةِ وَمِنْ بَعْدِ صَلَوةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَّافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»، «وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ»^۱

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بردگان شما و کسانی از شما که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید در سه وقت [برای ورود به اتاق شما] از شما اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح و نیمروز، هنگامی که لباس از تن بیرون می‌کنید و بعد از نماز عشاء، این سه وقت هنگام (استراحت و) خلوت شماست. در غیر این سه وقت، بر شما و آنان گناهی نیست [که بی‌اجازه وارد شوند؛ زیرا] آنان گرد شما می‌گردند [با شما در رفت و آمد هستند] و بعضی بر بعضی دیگر وارد می‌شوید [با یکدیگر نشست و برخاست دارید]. خداوند اینگونه، آیات را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است»، «و هرگاه کودکان شما به حد بلوغ رسیدند، پس باید [در تمام اوقات برای ورود به اتاق خصوصی والدین] اجازه بگیرند، همانند کسانی که پیش از آنان اجازه می‌گرفتند. خداوند اینگونه آیات خود را برای شما بیان می‌کند و خداوند دانا و حکیم است.

۵.۳.۱.۳.۴ توجه به ارزش‌های اسلامی

هرچه اعتقادات افراد به معنویات بیشتر باشد به همان اندازه گرایش به انحرافات خانوادگی کمتر است. توجه به اصل حياء، حفظ حجاب اسلامی و فروکاستن از نیازهای تجملاتی از ارزش‌های اسلامی هستند که اگر به آن‌ها توجه شود، زمینه‌های گرایش به سمت انحرافات کمرنگ می‌شود و یا از بین می‌رود.

بنابراین خانواده به عنوان رابط بین جامعه و اعضای خود، شناخته می‌شود و هر خانواده حلقه‌ای از هزاران خانواده‌های زنجیره‌ای مدور جامعه است که پایداری و ثبات آن باعث پایداری و ثبات جامعه و تزلزل و نامتعادل بودن آن باعث بی‌نظمی و عدم تعادل و ازدیاد جرایم در جامعه می‌باشد.^۲

۱- سوره نور، آیه ۵۸-۵۹.

۲- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، ص ۱۱۹.

۲.۳.۴ نقش حکومت در پیشگیری از جرم

اجتماع به مثابه‌ی یک خانواده‌ی بزرگ است و همان‌طور که افراد یک خانواده توسط سرپرست آن خانواده اعم از پدر و جد پدری و مادر و قیم و وصی و غیره حمایت می‌شوند افراد جامعه نیز باید فکر کنند که حکومت برای آنان به منزله‌ی یک سرپرست خوب و مهربان و دلسوز است و حکومت در هر کشوری با پیشگیری از جرایم و دعاوی می‌تواند وظیفه‌ی یک سرپرست خوب و دلسوز را برای افراد جامعه انجام دهد.^۱ در این قسمت با بیان معنای حکومت و اهداف تشکیل آن و به نقش حکومت در پیشگیری از جرم و... پرداخته‌ایم.

۱.۲.۳.۴ معنای حکومت

دولت‌ها قدرت سیاسی و حاکمیت خود را از طریق مجموعه‌ی تشکیلات و سازمان‌ها و نهادهای خاصی اعمال می‌کنند که به این مجموعه حکومت گفته می‌شود. حکومت‌ها اغلب از سه نهاد اصلی (قوه قضاییه، قوه مجریه و قوه مقننه) تشکیل می‌شوند که بدنه‌ی اصلی رژیم سیاسی هستند. دولت به وسیله‌ی این نهادها تجلی و اعمال حاکمیت می‌کند و در کنار این سه نهاد، ارگان‌های دیگری بکار گرفته می‌شود. نیاز به تشکیل حکومت از مسائل جدید حیات اجتماعی نیست بلکه همواره از ضروریات تشکیل زندگی اجتماعی بوده است.^۲

۲.۲.۳.۴ حکومت دینی؛ مراتب و ارکان آن

حکومت دینی آن است که هماهنگ با تعالیم دینی و بر اساس دین باشد و دست کم در هیچ زمینه‌ای با آموزه‌های دینی ناسازگاری ننماید. (البته در این تحقیق دین اسلام مدنظر است).^۳ حکومت دینی از جمله مسائلی است که در نهج‌البلاغه در مورد آن بحث شده و کتاب‌های مستقلی در این باره فراهم آمده است.

حکومت دینی مقدمه و شرط لازم اجرای احکام الهی است.^۴ حاکمان اسلامی با توجه به منبع قرآن و سنت و سخنان رسول و ائمه علیهم‌السلام به تطبیق سیاست‌های جامعه با منابع الهی می‌پردازند.^۵

۱- عابدی میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۲۹.

۲- عمیدزنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی، ج ۱، ص ۷۵۱.

۳- شاکرین، حمیدرضا، حکومت دینی، ص ۱۸.

۴- همان، ص ۱۳.

۵- عابدی میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۲۸.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام سعی جدی بر این شد تا شریعت اسلام و فقه گران- سنگ شیعه به گونه‌ای قابل توجه در سیاست جنایی ایران تأثیرگذار باشد. بی‌تردید دینداری حاکمان و کارگزاران امری بایسته و لازم است که بدون رعایت احکام و قوانین دینی (در تدوین و اجرای قوانین) کافی نیست زیرا حکومت دینی به معنای نظام دین‌مدار است که نمی‌تواند احکام و دستورهای الهی را زیر پا نهد. پس التزام به احکام الهی از ویژگی‌های اساسی و جدایی‌ناپذیر حکومت دینی است.^۱

حکومت دینی مراتب و درجاتی دارد مرتبه‌ی عالی و ایده‌آل آن، این است که همه‌ی امور و ارکانش مبتنی بر دین و هماهنگ با آن باشد ولی وقتی تأسیس دولت دینی تمام عیار ممکن نیست باید مرتبه‌ی نازل‌تر آن را اجرا کرد. مرتبه‌ی نازل یا بدل حکومت دینی حکومتی است که در آن احکام و قوانین دینی رعایت شود هر چند کل نظام از تعالیم دینی برنیامده و در رأس آن حاکم منصوب از سوی خداوند قرار نگرفته باشد.^۲ از دیدگاه امام علی علیه‌السلام حکومت و شئون آن در زمینه‌های مختلف می‌تواند عامل اصلاح یا فساد مردم باشد.^۳

حکومت و رهبری از ابزارهای سازمان یافتن کارهای جامعه است و حکومت در سایه‌ی نظم و قانون مانع بسیاری از ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها می‌شود. این کارکرد وقتی دست یافتنی است که سه رکن اصلی حکومت (اهداف تشکیل حکومت، سیاست‌ها و قانون‌ها، شیوه‌های اجرای نظارت و قضاوت و کارگزاران) عامل جرم‌زایی نباشند.^۴

اگر حکومت در این سه رکن دچار انحراف گردد و عامل جرم‌زا در آن نفوذ کرده یا تثبیت و پنهان شود، خود نظام، عاملی برای رشد جرائم و گناهان خواهد شد. از این رو شایسته است که حکومت اسلامی در هر سه بخش مانع جرم‌زایی باشد تا نخستین گام برای پیشگیری از جرایم و گناهان با موفقیت برداشته شود.

این قدرت برای رهبری با عنوان تعیین سیاست‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران و نظارت بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام، تنظیم روابط قوای سه‌گانه و حل معضلات نظام که از طریق عادی قابل حل نیست از طریق مجمع تشخیص مصلحت تأمین شده است.^۵

۱- شاکرین، حمیدرضا، حکومت دینی، ص ۱۳.

۲- همان، ص ۱۵.

۳- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶ و حکمت ۴۷۶

۴- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۳۶.

۵- همان، ص ۳۵.

امام صادق علیه‌السلام در تفسیر معنای ولایت به خوبی به امکان جرم‌خیزی و جرم‌سازی حکومت اشاره می‌کند و می‌فرماید: ولایت مشروع، ولایت والی کاملاً عادل است، که خدا به شناختن او و حاکمیت او و کار کردن با او فرمان داده است، پس چون والی، والی بدین‌گونه شد قبول ولایت از طرف او و عمل کردن به او و مدد رساندن به وی در کار ولایتش حلال همچنین کسب کردن با آنان نیز حلال است و از آن جهت چنین است که ولایت حاکم عادل و والیان او هر حق و عدالتی را زنده می‌کند و هر ستمگری و جور و تباهی را می‌میراند، پس کسی که در تقویت حکومت وی بکوشد و یاور وی در حکومتش باشد در فرمانبرداری از خدا کوشیده و دین خدا را نیرو بخشیده است و در حکومتی که عدالت نباشد کار برعکس است.^۱

رئیس جمهور به عنوان نماد توان اجرایی کشور اسلامی چند وظیفه‌ی اساسی دارد و آن پاسداری از مذهب رسمی و نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی است. او باید خود را وقف خدمت به مردم، اعتلای کشور، ترویج دین و اخلاق و پشتوانی از حق، گسترش عدالت، حراست از مرزها و استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی کشور کند.^۲

قانون اساسی به طور مشخص یکی از وظایف قوه‌ی قضاییه را اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین می‌داند.^۳

نهاد قانون‌گذاری یعنی مجلس شورای اسلامی هم طبق سوگندنامه‌ی نمایندگان، وظیفه‌ی مهم پاسداری از حریم اسلام و نگهبانی از دستاوردهای انقلاب و مبانی جمهوری اسلامی را بر عهده دارد که پاسداری و نگهبانی در واقع عبارت دیگری از پیشگیری از جرم و انحراف از اسلام و دین است.^۴

نظام اسلامی به دلیل داشتن قدرت اجرایی در بعد حکومتی و نیز برخورداری از ابزارها، نهادها و سازمان‌های مختلفی مثل دیوان عدالت اداری، دیوان محاسبات کشور، شورای نگهبان، حق استیضاح نمایندگان، سازمان بازرسی کل کشور، نیروهای انتظامی و امنیتی، وزارت اطلاعات، سازمان بهزیستی، کمیته امداد، ستاد مبارزه با مواد مخدر و ... توان زیادی برای جرم‌زدایی و پیشگیری از جرم و گناه در جامعه‌ی اسلامی دارد.^۵

۱- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، الحیاء، ج ۶، ص ۵۲۱

۲- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۲۹ و اصل ۱۲۱ قانون اساسی.

۳- اصل ۱۵۶ قانون اساسی.

۴- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۲۹

۵- همان، ص ۲۹-۳۰.

۴.۲.۳.۴ اهداف حکومت اسلامی

هدف اصلی از حکومت‌داری در نظام اسلامی، اقامه‌ی دین و برپایی ارزش‌های الهی است. خداوند در سوره‌ی حج آیه‌ی ۴۱ می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که اگر آن‌ها را در زمین استقرار دهیم، نماز را بپا می‌کنند و زکات می‌دهند و به معروف امر نموده و از منکر باز می‌دارند و سرانجام کارها با خداست. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «إِن أُطْعِمُونِي فَإِنِّي حَامِلُكُمْ إِن شَاءَ اللَّهُ عَلَى سَبِيلِ الْجَنَّةِ»؛ اگر از من پیروی کنید به خواست خدا شما را به راه بهشت خواهم برد.^۱

نظام اسلامی به دلیل اهداف الهی خود (رشد و تعالی بشر، تعلیم و هدایت، عدالت‌محوری و نظام امامت) در مسیر پیشگیری از گناه و جرم قرار دارد و مبارزه با ایجاد و گسترش موانع رشد و هدایت و عدالت بخش مهمی از اهداف آن است. همچنین نظام اسلامی به دلیل داشتن مشروعیت الهی، توان مصلحت‌سنجی، حفظ انسجام جامعه و گستره‌ی اثرگذاری داخلی و خارجی بیشترین اولویت را برای پیشگیری از جرایم داراست. بنابراین اگر اهداف حکومت اسلامی به چیزی جز اقامه‌ی دین برگردد و دین‌محوری در آن کمرنگ گردد یا اهداف مغایر با آن طراحی شود، خود حکومت اولین ابزار مؤثر برای تولید و افزایش جرایم و گناهان خواهد شد.^۲

در اصل دوم قانون اساسی نیز هدف از ایجاد جمهوری اسلامی ایران چنین مطرح شده که جمهوری اسلامی نظامی است بر پایه‌ی ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریع به او و لزوم تسلیم در برابر امر او،
- ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین،
- ۳- معاد و نقش سازنده‌ی آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا،
- ۴- عدل خدا در خلقت و تشریع،
- ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلامی،
- ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:
 - الف- اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین سلام‌الله‌علیهم‌اجمعین،
 - ب- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته‌ی بشری و تلاش در پیشبرد آن‌ها،

۱- دشتی، محمد، نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص ۲۰۴-۲۰۵.

۲- عابدی‌میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۳۵-۳۷.

ج- نفی هر گونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.

اصل سوم نیز شانزده راه برای رسیدن به اهداف اصل دوم را برشمرده است که دین‌محوری در تمام موارد شانزده‌گانه لحاظ شده و هرگز در میان موضوعات دیگر کمرنگ و گم نشده است. علاوه بر آن برای حاکمیت مطلق در هدف اصلی نظام اسلامی را در اصل چهارم چنین یادآور شده است.

اصل چهارم: کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.

این اصل بر اطلاق یا عموم همه‌ی اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. قانون اساسی با حاکمیت دادن به موازین اسلامی در برابر همه‌ی امور دیگر امکان جرم‌زایی در «هدف از تشکیل دولت» را ناممکن کرده است.^۱

۴.۲.۳.۴ دلایل ضرورت تشکیل حکومت

حضرت امام خمینی (ره) در این مورد می‌فرماید: این حرف که قوانین اسلام تغییرپذیر یا منحصر و محدود به زمان یا مکان خاصی است برخلاف ضروریات اعتقادی اسلام است. بنابراین چون اجرای احکام پس از رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و تا ابد ضرورت دارد تشکیل حکومت و برقراری دستگاه اجرا و اداره ضرورت می‌یابد.^۲

در اینجا به بیان برخی از دلایل ضرورت تشکیل حکومت می‌پردازیم.

— فطری بودن حکومت: علامه طباطبایی در مبحثی تحت عنوان «ولایت و زعامت در اسلام» مسئله‌ی ضرورت تشکیل دولت اسلامی را از نقطه‌نظر فلسفه‌ی اجتماعی اسلام مورد بحث قرار داده است و به استناد آیه‌ی «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ»^۳ آیین اسلام را آیین فطرت و احکام آن را مطابق فطرت بشری می‌شمارد.

۱- عابدی‌میانجی، همان، ص ۴۰.

۲- غلامی، علی، از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی، ص ۳۵۱.

۳- پس روی خود را با گرایش تمام به حق به سوی این دین کن با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است آفرینش خدای تغییرپذیر نیست این است همان دین پایدار ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. سوره روم، آیه ۳۰.

ایشان در توضیح بیشتر مطلب می‌افزاید که انسان در عین وابستگی به نظام جهان آفرینش با به کار انداختن قوای ادراکی، حوائج خود را برآورده می‌کند و همواره خیر و شر خود را از راه الهام تکوینی و هدایت وجودی که به صورت علوم و افکار جلوه می‌کند، می‌یابد و از این رهگذر است که خود را با سازمان کلی هستی منطبق می‌کند و الگوی زندگی خود را از آفرینش می‌گیرد؛ مانند سازمان هستی، اجتماعی زندگی می‌کند و نیازهای خویش را از این طریق در جهت کمال برطرف می‌کند و تشکیلاتی چون سازمان هستی جهان را برای زندگی اجتماعی خویش می‌پذیرد.

فطری بودن نیاز به تشکیلات حکومتی به حدی بود که وقتی پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله پس از هجرت به مدینه دست به ایجاد دولت اسلامی زد، مردم با وجود پرسش‌هایی که در زمینه‌ی حیض و هلال و انفاق و دیگر مسائل عادی مطرح می‌کردند و از پیامبر توضیح می‌خواستند در این امور (تشکیل دولت) هیچ گونه پرسشی مطرح نکردند و توضیحی نخواستند حتی جریان‌های پس از رحلت آن حضرت هم با تمامی فراز و نشیب آن از همین احساس فطری سرچشمه می‌گرفت.

— اهداف عالی‌هی اسلام: مواردی مانند اقامه قسط و عدل و وضع و اغلال (رها کردن از اسارت‌ها و بندها) و تحریرالعباد (رها سازی مردم از بند استکبار و طاغوت) و رساندن مستضعفان به حاکمیت، وارث زمین شدن و هدایت انسان‌ها به سوی خدا و اجرای فرامین و حدود الهی در قرآن از جمله اهداف عالی‌ه است که باید در میان جامعه‌ی بشری جامه عمل بپوشد و تحقیق عینی بیابد. واضح است که برای این منظور نیاز به وسائل و ابزار و امکانات فراوانی است که باید در جامعه فراهم گردد و یکی از ضروری‌ترین آن‌ها برنامه‌ریزی و تشکیلات اجرایی و دستگاه‌های حکومتی است.

— قانون به تنهایی کافی نیست: قانون هر قدر کامل و غنی باشد به تنهایی نمی‌تواند سعادت بشر را تأمین کند و در جامعه به حاکمیت برسد. مجموعه‌ی قوانین حتی اگر متکی بر وحی باشد برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای اینکه قانون مایه‌ی سعادت و اصلاح بشر شود به دستگاه حکومتی و اجرایی احتیاج دارد و در کنار هر دستگاه قانونگذاری باید دستگاه مجری نیز وجود داشته باشد.

— ماهیت قوانین اسلام و مسئله‌ی حکومت: ماهیت قوانین اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی اسلام خود دلیلی بر لزوم تشکیل حکومت است. بررسی این مجموعه قوانین، ثابت می‌کند که هدف از آن ایجاد یک نظام کامل اجتماعی است و در این نظام سیاسی و حقوقی هر چیزی که نیاز بشر بوده فراهم آمده است تا شرایط لازم برای تربیت و هدایت انسان درون یک نظام عادلانه به وجود آید. اگر احکام

جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، مقررات مربوط به آثار جهاد و آنچه که درباره‌ی تأمین امکانات و بسیج نیروها و آمادگی‌های رزمی و نظامی، نفی سلطه‌پذیری مبارزه با استکبار و طاغوت و نهی از اطاعت غیرخدا آمده است را بنگریم و نیز مقررات و دستورهای اکید اسلام در زمینه‌ی مسائل قضایی و اجرای عدالت و نظام حقوق مدنی و کیفری را بررسی کنیم و اهمیتی که اسلام برای مبارزه با فساد و ظلم قائل شده را مورد توجه قرار دهیم، تردیدی به خود راه نخواهیم داد که اجرای این همه قوانین به جز از راه تشکیل حکومت مقتدر اسلامی امکان‌پذیر نیست.

— وحدت اسلامی: وحدت اسلامی بر پایه‌ی اخوت و اعتصام به حب‌الله^۱ که از ضروریات احکام اسلامی است، دعوت اسلام که همواره در جهت تحقق بخشیدن به این آرمان انسانی و برای رسیدن به وحدت جامعه‌ی بشری بوده است همگی نیازمند به قدرت سیاسی و تشکیلات اجرایی و برنامه‌ریزی درازمدت از راه یک حکومت مقتدر اسلامی است.^۲ حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها در خطبه‌ی معروف خود می‌فرماید: امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمانان برای اتحاد است. به طور کلی یکی از اهداف اصیل تشکیل نظام اسلامی در سال ۵۷ به رهبری امام خمینی(ره) مسئله‌ی وحدت بوده مسئله‌ای که امام خمینی(ره) بارها به آن تأکید داشته و عقیده داشت که جهان اسلام به عنوان مجموعه‌ای واحد که دارای سوابق تاریخی، فرهنگی، عقیدتی و سیاسی مشترک هستند، می‌باید بازگشت به اصالت تاریخی و فرهنگی را سرلوحه‌ی حرکت خود قرار داده و مؤلفه‌های هویت دینی و ملی را به خوبی شناسایی و درونی نمایند.

— لزوم نظم در جامعه اسلامی: ضرورت برقراری نظم در جامعه‌ی اسلامی از مسائل مسلمی است که نه تنها بر اساس نصوص اسلامی بلکه به عنوان یک ضرورت عقلی مورد اتفاق فقهای اسلام قرار گرفته است.^۳

— ضرورت نفی ستم و ستم‌کشی: این حکم به طور ارشادی در شرع و زبان اسلام نیز به نحو واضحی تبیین شده و بر آن تأکید فراوان شده است که بدون قدرت تنفیذی و دستگاه مقتدر اجرایی و نظام حکومتی، نفی ستم و ستم‌کشی امکان‌پذیر نیست.

۱- «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»، سوره آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲- عمیدزنجانی، عباسعلی دانشنامه فقه سیاسی، ص ۷۵۳ - ۷۵۴.

۳- همان، ص ۷۵۴.

— سیادت اسلام و اعلاهی کلمه‌ی حق: ^۱ قرآن به صراحت سیادت مسلمانان را به عنوان اصل غیرقابل خدشه مطرح کرده و شرط تحقق آن را ایمان راستین قرار داده است که یکی از شرایط ایمان و خصائص مؤمنین دستیابی به تشکیل حکومت است.

— سیره عملی اسلام: پیامبر از نخستین دوره‌های پس از هجرت زمینه‌های ایجاد (حکومت) را در مدینه فراهم آورد. تاریخ گواهی می‌دهد که پیامبر اسلام تشکیل حکومت داد و به اجرای قوانین و برقراری نظامات اجتماعی و اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی برخاست که این سیره‌ی عملی پیامبر، ضرورت تشکیل حکومت را به اثبات می‌رساند. بی‌شک سیره‌ی عملی تشکیل حکومت و تصدی اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی اختصاص به زمان پیامبر و یا زمان محدود دیگری ندارد و همان ضرورتی که تشکیل حکومت را در زمان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امیرالمؤمنین علیه‌السلام ایجاب می‌کرده به دلیل ابدی بودن احکام اسلام و محدود نبودن آن از نظر زمانی و مکانی لزوم برپایی حکومت اسلام را برای همیشه ثابت می‌کند. ^۲

۵.۲.۳.۴ تفاوت حکومت اسلامی با حکومت غیر اسلامی

در جامعه‌ی اسلامی امور کشور و هدایت امت توسط امامت مکتب و متن (قرآن) است؛ از این رو حتی رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله مأموم و پیرو وحی است. ^۳ دلیل امامت قرآن و وحی، نزول آن از سوی خداوندی است که سود و زیانی در قانون‌گذاری ندارد و عادلانه به آن می‌پردازد. در جامعه‌ی غیراسلامی حاکمیت با شخص و یا در نهایت با اکثریت است در چنین جامعه‌ای که رهبر یا اکثریت را عین قانون می‌دانند، قانون و متن را به دنبال خود می‌کشاند و خود، امام و خالق قانون هستند. از این رو اشتباهات و خطاهای خود را وارد قانون می‌کنند و با پای خود اولین گام را در جرم‌زایی برمی‌دارند. به این ترتیب روشن می‌شود که بر گروهی که رهبری مقتدر جامعه‌ی اسلامی را دلیل عقب‌ماندگی می‌انگارند و بی‌نیازی از رهبر در نظام‌های دموکراتیک را نشان پیشرفت می‌دانند، اشکال وارد نیست چرا که آنان متوجه نیستند که اقتدار رهبر در نظام اسلامی، تابع اقتدای او به قانون الهی و پیروی از وحی است و قوانینی که جامعه با آن‌ها اداره می‌شود باید بر محور الهی و حق باشد تا به طور عملی امکان اصلاح

۱- «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»، سوره توبه، آیه ۴۰.

۲- عمیدزنجانی، عباسعلی دانشنامه فقه سیاسی، ص ۷۵۱ تا ۷۵۵.

۳- «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ، إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» و او (در ابلاغ قرآن و پیام‌های خدا) هرگز از هوای نفس سخن نمی‌گوید، آنچه می‌گوید جز وحیی که (از مبدأ اعلی) به او القاء می‌شود نیست. سوره نجم، آیه ۳-۴.

فراهم شود. امام علی علیه السلام یکی از عوامل مهم فتنه‌ها و اضطراب‌های اجتماعی را که از عوامل و بسترهای مهم جرایم هستند، بدعت‌گذاری در احکام و قوانین می‌داند که موجب سلطه‌ی گروه‌های باطل می‌شود.^۱ هم اکنون در جوامع مسلمان موارد متعددی را می‌توان نام برد که به عنوان آیین‌نامه‌ها و قانون اجرا می‌شود اما به دلیل دوری از تعالیم قرآنی و یا وجود التقاط و در هم آمیختگی آموزه‌های الهی با آموزه‌های غیرقطعی بشری، مشکلاتی ایجاد شده است. برای مثال یکی از این طرح‌ها مربوط به لزوم خروج دختران دانش‌آموز متأهل از مدارس عادی و ادامه تحصیل در مدارس شبانه است و این امر باعث شد بسیاری از دختران که به تحصیل در مدارس شبانه علاقه نداشتند و از طرفی می‌خواستند ادامه تحصیل بدهند، قید ازدواج را بزنند. حاصل کار این شد که بر تعداد دختران ازدواج نکرده افزوده شد، دخترانی که سن ازدواج صدها هزارتن از آن‌ها از حد عرفی جامعه نیز گذشته است. این مشکل در مورد ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها به نوعی دیگر خود را بر ازدواج تحمیل کرده است. اصولاً تندروری یا کندروی نسبت به متون اسلامی یا برخورد التقاطی مایه‌ی گمراهی و جرم‌خیزی است و باید از آن پرهیز کرد.^۲ بنابراین حکومت اسلامی و الهی باید شرایط لازم برای نورانیت جامعه و خروج مردم از ظلمت‌ها را فراهم کند و این تاریکی‌ها و ظلمت‌ها چیزی جز گناه، جرم، عصیان و انحراف نیست.^۳

امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «الْيَمِينُ وَالشَّمَالُ مُضَلَّةٌ وَالطَّرِيقُ الْوُسْطَى هِيَ الْجَادَةُ عَلَيْهَا بَاقِيَ الْكِتَابِ وَآثَارُ النُّبُوَّةِ وَمِنْهَا مَنَفَذُ السَّنَةِ»؛^۴ چپ و راست گمراهی و راه میانه جاده مستقیم الهی است.

۱- عابدی میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، ص ۴۷-۴۸.

۲- همان، ص ۴۹ - ۵۰ برگرفته از روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۱۳۸۷/۴/۱.

۳- همان، ص ۱۶.

۴- دشتی محمد، نهج البلاغه، خطبه ۱۶، ص ۴۰-۴۱.

۴.۴ آموزه‌های دینی در پیشگیری از جرم

در عصر کنونی که تفکر اسلام در سراسر جهان در حال گسترش و شکوفایی است، این حقیقت بیش از پیش آشکار گردیده که اسلام بسیار فراتر از مجموعه‌ی مناسک و رفتار دینی^۱ است. دانشمندان مسلمان با استفاده از آموزه‌های دینی (قرآن و سنت) و ارائه‌ی رهنمودهای شناختی، احساسی و رفتاری فراوان، سعی کرده‌اند اسلام را به عنوان یک روش زندگی هماهنگ با جهان آفرینش معرفی کنند که راه تکامل و رشد انسان را هموار می‌کند و در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی او را راهنمایی و یاری می‌نماید.^۲ در یک سنجش حقوقی، قرآن به منزله‌ی قانون است و حدیث‌ها همسنگ روش‌های قضایی هستند.^۳

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آخرین حج خود (حجه‌الوداع) با جمله‌ی «إِنِّي تَارِكٌ فَيْكُمْ التَّقْلِينَ؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي» تکلیف امت اسلامی را بعد خود روشن فرمودند. توصیه‌هایی که در قرآن کریم و لسان مبارک رسول خدا و ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده است، دستورالعمل زندگی (سبک زندگی) و برنامه‌ی سعادت است.^۴ اسلام دینی است که برای همه‌ی مراحل تکاملی انسان از وقتی به دنیا می‌آید تا زمانی که برای عالم قبر آماده می‌شود و زندگی جدیدی را تجربه می‌کند، برنامه‌های زیباساز دارد^۵ و زندگی را خیلی بزرگتر از آنچه فکر می‌کنیم به ما معرفی نموده است.^۶

برای نمونه در ماه محرم، صفر و رمضان وحتى در ماه ربیع‌الاول که ولادت پیغمبر خداست، جرایم و بزهکاری به شدت کاهش می‌یابد. گزارش‌های مراکز علمی و آمارهای اجتماعی، هر سال گواه این واقعیت است که از یک سو حجم بسیاری از ناهنجاری‌ها نظیر سرقت، فساد، جنایت، اختلال‌های مالی و خانوادگی در ماه رمضان کاهش معناداری داشته است و از سوی دیگر ضریب امنیت روانی جامعه نیز بالا می‌رود. همین که روزه‌داران رفتارهای ناپسندی همچون غیبت، تهمت، دروغ و قسم ناروا را آسیب رساننده به عبادت خود می‌دانند و می‌کوشند از آن‌ها پرهیز کنند، خود عامل مهمی در سالم‌سازی روانی جامعه است. این همه زیبایی و برکت محصول یک حکم و آموزه‌ی دینی به نام روزه است. در حالی که

۱- دین: مجموعه‌ی آموخته‌ها، باورها و رفتار نیک یک شخص برای برقراری رابطه‌ی خوب با نیروی فوق طبیعی و جلب یاری و توجه آن‌ها است.

۲- شریفی‌نیا، محمدحسین، بررسی اثربخشی درمان یک پارچگی توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، مطالعات اسلام و روانشناسی، ۲، ش ۲، ص ۱۰.

۳- مالرب، میشل، مترجم: مهران توکلی، انسان و ادیان، ص ۱۰۳.

۴- بی‌نام، دستورالعمل زندگی "وصایا و نصایح"، ص ۵.

۵- رجبی‌نیا، داوود، اسلام و زیبایی‌های زندگی، ص ۲۵.

۶- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۱۶.

اسلام سرشار از آموزه‌ها، آیین‌ها و قراردادهایی است که پیروی و کار نسبت آن‌ها نتایج شگرفی در جامعه بر جای می‌گذارد. اگر امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی دینی ترک نشود، جرأت بر گناه و زشتی در دل هیچ آدمی ریشه‌دار نخواهد شد.^۱

وقتی انسان مجبور باشد روزی پنج مرتبه نماز بخواند، تکبرش تضعیف می‌شود و افتاده حال می‌شود و احتمال اینکه کار خلاف انجام دهد کمتر می‌شود. آمارها نشان می‌دهد اکثر زندانیانی که واقعا خلافکار بوده‌اند و به زندان رفته‌اند، اهل نماز نبوده‌اند.^۲

مفاسد شراب بر کسی مخفی نیست شراب، سلاح برنده‌ای است که انسان‌ها را به قتل می‌رساند. سال ۱۹۹۰ در آلمان، بوسیله‌ی رانندگان شراب‌خوار سی‌وهشت‌هزار تصادف آفریده شد که علاوه بر جراحات و خسارات فراوان، جان هزار و چهارصد نفر نیز گرفته شد. از این رو اسلام تعلیم و تربیت خود را روی تعقل نهاده که مایه‌ی امتیاز انسان بر حیوان است و روشن است که شراب این امتیاز را ضایع می‌کند.^۳ جامعه‌ی امروز ما بیگانه از آموزه‌های دینی و متأثر از فرهنگ ناسالم غرب است و به صورت معضلی نگران کننده در آمده که حل آن بدون آموزش‌های درازمدت و فرهنگ‌سازی عمیق امکان‌پذیر نیست.^۴

۱.۴.۴ آموزه‌های قرآنی

در آیات شریفه‌ی قرآن کریم اگر چه مفهوم سبک زندگی و پیشگیری از جرایم به صراحت مورد اشاره قرار نگرفته است ولی بیان مصادیق مشخصی از موضوع بحث، عنایت آن کتاب شریف را به این مقوله به وضوح نشان می‌دهد.

الف) غالب آیاتی که در آن‌ها کلمه لَعَلَّکُمْ (باشد که شما) بکار رفته است، خداوند به بندگان راه راست را برای جلوگیری از گناه بوسیله‌ی آن آیات آموخته است که حدودا شصت و هشت بار در قرآن به کار رفته است.^۵ به طور مثال:

۱- رجبی‌نیا، داوود، اسلام و زیبایی‌های زندگی، ص ۲۶.

۲- پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی (نقش عبادت در سبک زندگی)، bayanmanavi.ir.

۳- تقوی، حسین، آیین زندگی، ص ۴۸.

۴- کلاتری، علی اکبر، اسلام و الگوی مصرف، ص ۲۸۴.

۵- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۰۷.

«يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله وابتغوا اليه الوسيلة وجاهدوا في سبيله لعلكم تفلحون».^۱ ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید و به او [توسل و] تقرب جوید و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

ب) دیگر آیاتی که درباره‌ی پیشگیری از جرم باید مورد مطالعه قرار گیرد آیاتی است که در آنها سوف (به زودی) بکار رفته است که حدوداً چهل و دو بار در قرآن تکرار شده است.^۲ برای نمونه:

«إِنَّ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا»، «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا».^۳ منافقان در طبقه‌ی زیرین جهنم جای دارند و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت مگر کسانی که توبه و درستکاری کنند و به خداوند پناه برند و دین خویش را برای خدا خالص سازند که اینان در زمره مؤمنانند و خداوند به زودی به مؤمنان پاداش بزرگی می‌بخشد.

ج) آیاتی که متضمن بشارت است غالباً راه پیشگیری از وقوع جرم را به انسان می‌آموزد و نشان می‌دهد که آدمی چگونه به سعادت می‌رسد و به نعمت‌های الهی در دنیا و آخرت دست می‌یابد.^۴ برای نمونه:

«وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ»، «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ».^۵ و کسانی که از عبادت طاغوت پرهیز کردند و به سوی خداوند بازگشتند، بشارت از آن‌ها است پس بندگان مرا بشارت ده، همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آن‌ها پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده و آن‌ها خردمندانند.

د) آیاتی که مردم را به تقوا توصیه و ترغیب می‌کند و اجرای این آیات سبب جلوگیری و پیشگیری از وقوع جرم می‌شود.^۶ برای نمونه:

«حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أَهْلُ لَغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذُكِّيتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النَّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فَسْقُ الْيَوْمِ الْيَتْسِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ

۱- سوره مائده، آیه ۳۵.

۲- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۰۸.

۳- سوره نساء، آیه ۱۴۵-۱۴۶.

۴- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۰۹.

۵- سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

۶- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۱۰.

دِينَكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ»^۱ بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد و [حیوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشد مگر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید و [همچنین] آنچه برای بت‌ها سربریده شده و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله‌ی تیرهای قرعه این [کارها همه] نافرمانی [خدا] است. امروز کسانی که کافر شده‌اند از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند پس از ایشان مترسید و از من بترسید، امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم و هر کس دچار گرسنگی شود بی آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بی تردید خدا آمرزنده و مهربان است.

ن) آیاتی که در باره‌ی امر به معروف و نهی از منکر نازل شده است. این آیات برای جلوگیری از وقوع جرم و سلامت جامعه است.^۲ برای نمونه:

«كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ».^۳ شما بهترین امتی هستید که برای مردمان پدید آمده‌اند که به نیکی فرمان می‌دهید و از ناشایستگی باز می‌دارید و به خداوند ایمان دارید و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند برایشان بهتر بود بعضی از آنان مؤمن و بسیاری نافرمانند.

و) آیاتی که در مورد نماز وارد شده است. خدای متعال طوری نماز را در سبک زندگی ما تعبیه کرده است که جزئی از سبک زندگی ماست و عملی دائمی و همیشگی است و تأثیرات گسترده‌ای دارد. برای نمونه:

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ»^۴ و برپای دار نماز را، یقیناً نماز انسان را از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارد.

۱- سوره مائده، آیه ۳.

۲- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۱۰۷.

۳- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۴- سوره عنکبوت، آیه ۴۵.

ه) داستان‌های فراوان قرآنی مبین مجازات اقوامی است که از قوانین و مقررات شرع سرپیچی کرده و دچار گرفتاری‌ها و عذاب‌های دردناکی گردیده‌اند. قوم لوط در اثر ارتکاب گناهان بزرگ به عذاب گرفتار شدند و خانه‌هایشان بر سرشان سرنگون شد. قوم شعیب در اثر کم‌فروشی و شرک، گرفتار زلزله-ی شدید شدند. قارون در اثر ادا نکردن حقوق واجبه و جمع کردن ثروت و اطاعت نکردن از فرمان پیغمبر خدا با اموالش به زمین فرورفت و فرعون و هامان و پیروان آن‌ها در اثر سرکشی و طغیان و شرک در دریا غرق شدند. خدای متعال فرموده هریک را به گناه خودش مؤاخذه نمودیم و گرفتار کردیم بر بعضی از آن‌ها بادهای سهمگین و طوفان شدید فرستادیم و بعضی از آن‌ها به نهیب آسمانی هلاک شدند و برخی را در زمین فروبردیم و بعضی را در دریا غرق کردیم. هرگز خدای تعالی به آن‌ها ستم نکرده و لکن آن‌ها خودشان بر نفس خود ستم روا می‌داشتند.

ی) معیارها و الگوهای قرآنی: هر انسان مؤمنی برای دستیابی به معیار در پی یافتن الگویی پسندیده است تا خود را با او مقایسه کند و زندگی خویش را با آن هماهنگ سازد. قرآن با توجه به این موضوع به زندگی شخصیت‌هایی همچون حضرت ابراهیم علیه السلام،^۱ حضرت اسماعیل علیه السلام،^۲ حضرت موسی علیه السلام، حضرت مریم علیه السلام،^۳ حضرت یحیی علیه السلام،^۴ حضرت یوسف علیه السلام^۵ و

۱- «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًى يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ»؛ (عده‌ای) گفتند: شنیدیم جوانی از بت‌ها (به بدی) یاد می‌کرد که او را ابراهیم می‌گویند. سوره انبیاء، آیه ۶۰.

۲- «فَبَشِّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ» و «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»؛ پس او را به پسری بردبار مژده دادیمو وقتی با او به جایگاه سعی رسید گفت ای پسرک من من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم پس ببین چه به نظرت می‌آید، گفت ای پدر من آن‌چه را ماموری بکن ان شاء الله مرا از شکیباییان خواهی یافت. سوره صافات، آیه ۱۰۱ - ۱۰۲.

۳- «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» و «وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ» و «يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ»؛ پس پروردگارش وی [=مریم] را با حسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند ای مریم خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است و ای مریم فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما. سوره آل عمران، آیه ۳۷ و ۴۲-۴۳.

۴- «فَدَاوُدْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبْخِيهِ مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَوَسِيدًا وَحْصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ»؛ پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می‌کرد فرشتگان او را ندا دردادند که خداوند تو را به [ولادت] یحیی که تصدیق کننده [حقانیت] کلمه الله [=عیسی] است و بزرگوار و خویششندار [=پرهیزنده از آنان] و پیامبری از شایستگان است مژده می‌دهد. سوره آل عمران، آیه ۳۹.

۵- «وَرَاوَدَتْهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْأَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ»؛ و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت بیا که از آن توام [یوسف] گفت پناه بر خدا او آقای من است به من جای نیکو داده است قطعا ستمکاران رستگار نمی‌شوند. سوره یوسف، آیه ۲۳.

به خصوص پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله^۱ اشاره می کند و همگان را به سرمشق از زندگی آنان ترغیب می کند.

۲.۴.۴ آموزه های روایی

در مورد سبک زندگی و چگونگی پیشگیری از جرایم روایات فروانی از حضرات معصومین علیهم السلام رسیده است که یکی از مسائل سبک زندگی در روایات، ترک رذایل اخلاقی و روی آوردن به فضایل اخلاقی است.

صفات و رذایل اخلاقی با خلقت و طبیعت انسان همراه است که باید با تعالیم و رهنمودها، انسان از این صفات دست بردارد تا به سر مقصد الهی برسد. برخی از رذایل اخلاقی در روایات عبارتند از: خصیم مبین (دشمن آشکار حق)، مصرف (زیاده رو)، یؤس (زیاده رو)، کفور (ناسپاس)، فرح (شادمان از روی جهل)، فخور (متکبر و مغرور)، قنوط (مأیوس و ناامید)، جدل کننده (ناسزا گو)، کفور (ناسپاس)، قُتور (بخیل، خسیس، تنگ چشم)، هُلوع (بی تاب و بی قرار، حریص)، مَنوع (نگران و دلوپس، نومید و نگران)، طاغی (بازدارنده و مانع احسان کننده)، ظلوم (سرکش)، جَهول (ستمگر)، فاجر (نادان)، ضعیف "فی کید" (زشتکار)، متمن (در رنج و دشواری)، اسفل السافلین (پست ترین منازل حیات).^۲

۱.۲.۴.۴ مؤلفه های شخصیت مجرمین

در تعریف دکتر مهدی کی نیا شخصیت عبارت است از سازمانی متکامل و مرکب از خصائص بدنی و روانی آدمی اعم از ذاتی و اکتسابی که جمعا معرف هویت فرد است و او را از سایر افراد جامعه به طور روشن متمایز می سازد. شخصیت، حقیقتی است واحد و غیر قابل تقسیم که چگونگی سازگاری اختصاصی فرد، آدمی را با محیط و اجتماع تعیین می کند.^۳

در اینجا به بیان برخی از مؤلفه های شخصیت مجرمین می پردازیم:

الف) خشم و پرخاشگری: پرخاش رفتار خصمانه ای است که هدف آن تخریب و ویرانگری است.^۴ خشم و پرخاشگری رابطه ای مستقیمی با جرم دارد و بزهکاران به دلیل ناکامی های شدید و فراوان عصبانی و پرخاشگر هستند.

۱- «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»؛ مسلما برای شما در زندگی رسول خدا

سرمشق نیکویی بود، برای آن ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می کنند. سوره احزاب، آیه ۲۱.

۲- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه یابی جرم در اسلام، ص ۴۷.

۳- بابایی، محمدعلی، جرم شناسی بالینی، ص ۹۱.

۴- همان، ص ۹۶.

امام علی علیه السلام در نامه‌ای به عبدالله بن عباس می‌فرماید: از خشم بپرهیز که سبک مغزی و به تحریک شیطان است و بدان آنچه تو را به خدا نزدیک می‌سازد از آتش جهنم دور و آنچه تو را از خدا دور می‌سازد به آتش جهنم نزدیک می‌کند.^۱ همچنین می‌فرمایند: تندخویی بی‌مورد نوعی دیوانگی است زیرا که تندخو پشیمان می‌شود و اگر پشیمان نشد پس دیوانگی او پایدار است.^۲

برای فرونشاندن خشم از ائمه علیهم السلام روش‌هایی وارد شده است از جمله‌ی این روش‌ها می‌توان اشاره کرد به بعضی موارد نظیر: خود را به وسایلی منصرف کند، ترک کردن آن محلی که اسباب خشم و پرخاشگری در آنجا فراهم شده است، تغییر حالت دهد مثلاً انسان با ایستادن در هنگام خشم برای نزاع آماده‌تر است پس در چنین حالتی بنشیند تا از نیروی هجومش کاسته شود و اگر نشسته، دراز بکشد تا هوس به پا خواستن نکند، سکوت در هنگام خشم، به ذکر خدای تعالی اشتغال پیدا کند،^۳ بنابراین فرونشاندن خشم از وقوع جرم جلوگیری می‌کند.

ب) آرزوهای طولانی: از جمله رذایل اخلاقی، حرص و طمع و داشتن آرزوهای طولانی است که نقش اساسی در جرایم دارد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «إِيَّاكُمْ وَالشَّحَّ فَإِنَّمَا هَلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ بِالشَّحِّ أَمَرَهُم بِالْبُخْلِ فَبَخِلُوا وَأَمَرَهُم بِالْقَطِيعَةِ فَقَطَّعُوا وَأَمَرَهُم بِالْفُجُورِ فَفَجَرُوا»^۴

از حرص بپرهیزید که پیشینیان شما در نتیجه‌ی حرص هلاک شدند و حرص آن‌ها را به بخل وادار کرد و بخیل شدند؛ به قطع رحم وادار کرد و قطع رابطه کردند با خویشاوندان به بدی وادارشان کرد و بدکار شدند.

حضرت علی علیه السلام انسان‌ها را از حرص و آزمندی به شدت برحذر داشته است. ایشان حرص را قربانگاه خرد، قاتل قلب، عامل حقارت شخصیت و انگیزه‌ای برای ستم به دیگران دانسته‌اند و طمع را هلاک کننده می‌دانند^۵ و ثمره‌ی آرزو را تباهی کار برمی‌شمرد.^۶ بنابراین بیشتر لغزش‌ها و زمین خوردن‌های عقل در اثر جرقه‌ها و زرق و برق‌های حرص و طمع آشکار می‌شود.^۷

۱- نهج البلاغه، نامه ۷۶.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۲۵۵.

۳- روح الله، خمینی (ره)، چهل حدیث، ص ۱۴۰.

۴- نهج الفصاحه، ج ۱، ص ۱۹۹.

۵- تمیمی آمدی، عبدالواحدین محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۸۶۹.

۶- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص ۲۰۶.

۷- «اکثر مصارع العقول تحت بروق الاطماع». برگرفته از بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۱۷۰.

ایشان در خطبه‌ی چهل و دوم فرمودند: ای مردم همانا برای شما از دو چیز می‌ترسم؛ هواپرستی و آرزوهای طولانی اما پیروی از خواهش نفس، انسان را از حق باز می‌دارد و آرزوهای طولانی، آخرت را از یاد می‌برد. آگاه باشید که دنیا به سرعت پشت کرده و از آن جز باقیمانده‌ی اندکی از ظرف آبی که آن را خالی کرده باشند، نمانده است. به هوش باشید که آخرت به سوی ما می‌آید، دنیا و آخرت، هریک فرزندان دارند. بکوشید از فرزندان آخرت باشید نه دنیا زیرا در روز قیامت، هر فرزندی به پدر و مادر خویش باز می‌گردد. امروز هنگام عمل است نه حسابرسی و فردا روز حسابرسی است نه عمل.^۱ عاملین جنگ‌های بزرگ و جرایم سازمان یافته علیه بشریت، رؤسای باندهای مافیا و مجرمین حرفه‌ای و خطرناک همه در پس آرزوهای نامشروع و سیری‌ناپذیر بودند که مصالح جامعه را فدای خودخواهی‌های خویش نموده‌اند.

ج) کبر و خودبینی: کبر حالتی در انسان است که از خودبینی پدید می‌آید یعنی خود را بالاتر و بزرگتر از دیگری یا دیگران می‌داند، ظاهر ساختن این حالت را در گفتار و کردار تکبر می‌گویند.^۲ مؤلفه‌ی خودبینی باعث می‌شود که فرد خود را معیار و مقیاس همه چیز قرار داده و منافع خود را همواره بر منافع دیگران ترجیح دهد. فرد خودبین از لحاظ عاطفی در برابر محرومیت‌ها واکنشی همانند حسادت، بخل و... از خود بروز می‌دهد، از لحاظ اجتماعی نیز خودبینی موجب شایستگی، کفایت، آمریت، حيله‌گری و استبداد و برتری‌جویی می‌شود. خودبینی و غرور مخالف راستی، آفت عقل^۳ و ریشه‌ی بزهکاری است زیرا این خصوصیت مانع از آن می‌شود که شخص درباره‌ی مسائل اخلاقی بتواند غیر از نظر خود را بپذیرد.^۴

برای علاج کبر راه‌هایی بیان شده است که در ذیل بیان می‌کنیم:^۵

— تفکر در ابتدای خلقت خود؛ اینکه فرد متوجه باشد از نطفه‌ی گندیده‌ای که نزد جمیع افراد بشر پلید است، آفریده شده است. امام علی علیه‌السلام برای متکبر تولد و مرگ وی را یادآور می‌شود و می‌فرماید: از متکبری که دیروز نقطه‌ای بی‌ارزش و فردا مرداری گندیده خواهد بود درشگفتیم.^۶

۱- أَيُّهَا النَّاسُ إِنِ اخُوفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اِثْنَانِ اِتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الْأَمَلِ فَأَمَّا اِتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ أَلَا وَ إِنِ الدُّنْيَا قَدْ وَلَّتْ حَذَاءَ فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَابَةٌ كُصْبَابَةٌ الْإِنَاءِ اصْطَبَّهَا صَابُهَا أَلَا وَ إِنِ الْآخِرَةُ قَدْ أَقْبَلَتْ وَ لِكُلِّ مِنْهُمَا بَنُونَ فَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الْآخِرَةِ وَ لَا تَكُونُوا مِنْ أُنْبَاءِ الدُّنْيَا فَإِنَّ كُلَّ وَ لَدٍ سَيُلْحَقُ بِأَبِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ إِنِ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَ لَا حِسَابَ وَ غَدًا حِسَابٌ وَ لَا عَمَلٌ.

۲- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۴۹.

۳- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴- بابایی، محمدعلی، جرم شناسی بالینی، ص ۹۶.

۵- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۶۹-۱۸۵.

۶- نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶.

— انسان در هر لحظه از شبانه‌روز در معرض خطر از بین رفتن قوه‌ای از قوای بدنی است و در معرض زائل شدن آنچه مورد علاقه‌ی اوست مانند مال و اولاد و ناتوانیش از نرسیدن به خواسته‌ها بشمار است.

— هر صفتی که در نفس انسانی است اگر در عمل از آن پیروی نکند بلکه به ضد مقتضای آن عمل نماید به طور تدریجی آن صفت برطرف می‌شود. ضد صفت کبر، تواضع است بنابراین راه قطعی مرض کبر، فروتنی در گفتار و کردار است.

— عبادت زایل کننده‌ی کبر است؛ اگر هر عاقلی در گزارشات حال و آینده‌اش دقت کند، یقین می‌کند که خود بینی، بزرگی و کبرiایی و سرکشی لایق و سزاوار انسان نیست.

(د) حسد: از آن روز که حضرت آدم علیه‌السلام با وسوسه‌ی شیطان عصیان کرد^۱ و میوه‌ی ممنوعه را خورد به کیفر این گناه از بهشت رانده شد و در زمین جای گرفت و باب گناه گشوده گشت. از روزی که قایل، برادرش هابیل را به حسادت کشت و بزرگترین جرم را در روی زمین مرتکب گشت، هم حسد و هم قتل زشت شمرده شد.^۲ پس برای اینکه قتل نفس ناشی از حسد به وقوع نپیوندد باید بیماری حسد را که درونی است، معالجه کرد و الا مجازات حسود، مرض حسد را از بین نمی‌برد.

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: بیشترین چیزی که مرا نگران امتم کرده این است که مال و ثروتشان زیاد شود و در نتیجه به هم حسد ورزند و به جان یکدیگر افتند.^۳

(و) معاشرت‌ها و دوستی‌ها: انسان بنا به فطرت خود در سراسر زندگی خویش میل به رفاقت و دوستی دارد. دوستان نه تنها با هم انس می‌گیرند بلکه هر شخص با توجه به درجه‌ی دوستی و صمیمیتی که با هم دارند، می‌توانند در امور مادی و معنوی دوستان خود نفوذ کرده و دانسته یا نادانسته روی عقاید و اخلاق و رفتار دیگری تأثیر گذارند، تأثیر دوست و همنشین در جهت مثبت و منفی تأثیری شگفت است. انتخاب دوست و معاشرت با همسالان در به انحراف کشیده شدن فرد بسیار مهم و از مسائل حیاتی می‌باشد.^۴ دوست بد و تبه‌کار میل به فساد و تباهی را در آدمی تقویت می‌کند و انسان را در مسیر سقوط و شقاوت یاری می‌کند.^۵ دانشمندان اسلامی و غیراسلامی در باب دوست‌یابی و اهمیت پیدا کردن دوست و رفیق کتاب‌ها و رساله‌ها نوشته‌اند، از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: «لَقَدْ

۱- «وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى»، سوره طه، آیه ۱۲۱.

۲- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، ص ۲۴.

۳- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ص ۷۲۲.

۴- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، ص ۶۷.

۵- همان، ص ۶۸.

عَظُمَتْ مَنَزِلَةُ الصَّدِيقِ؛ حَتَّى إِنَّ أَهْلَ النَّارِ يَسْتَغِيثُونَ بِهِ وَ يَدْعُونَهُ قَبْلَ الْقَرِيبِ الْحَمِيمِ. قَالَ اللَّهُ مُخْبِرًا: فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ». به راستی که منزلت و مقام دوست تا آنجا بزرگ است که دوزخیان به او استغاثه می‌کنند و پیش از نزدیکان، او را می‌خوانند؛ خدای تعالی از ایشان اینگونه خبر می‌دهد که می‌گویند: ما نه شفيعی و نه دوست نزدیکی داریم.^۱

پیشوای ما امام علی علیه‌السلام توصیه برای عدم دوستی با چندگروه را متذکر شده‌اند؛ همنشینی با: متهم،^۲ حسود،^۳ احمق،^۴ بخیل،^۵ دروغگو،^۶ بدکار،^۷ دشمن دوست^۸ و افراد بی‌خیال.^۹

برای انتخاب همنشین مناسب نیز معیارهایی بیان شده است از جمله اینکه دیدن او شما را به یاد خدا بیندازد، همنشینی با علما و دانشمندان و مجالست با مؤمنان.^{۱۰}

۱- رسولی محلاتی، هاشم، چهل حدیث، ج ۲، ص ۶۷.

۲- «الصَّاحِبُ مُعْتَبَرٌ بِصَاحِبِهِ» دوست را با دوستش می‌سنجند. نهج البلاغه، نامه ۶۸.

۳- «حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ سَقَمِ الْمَوَدَّةِ»؛ حسادت بر دوست، از آفات دوستی است. نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸.

۴- «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْأَحْمَقِ - فَإِنَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ كَيْفَ يُضُرُّكَ»؛ از دوستی با احمق بپرهیز، چرا که می‌خواهد به تو نفعی رساند اما دچار زیان می‌کند و «لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ فَإِنَّهُ يُزِينُ لَكَ فِعْلَهُو يُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ»؛ همنشین بی‌خرد مباش، که کار زشت را زیبا جلوه داده، دوست دارد تو همانند او باشی. همان، حکمت ۳۸ و ۲۹۳.

۵- «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْبَخِيلِ - فَإِنَّهُ يُعْذِرُكَ عَنْكَ حَوْجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ»؛ از دوستی با بخیل بپرهیز، زیرا آنچه را که سخت به آن نیاز داری از تو دریغ می‌دارد. همان، حکمت ۳۸.

۶- «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْكَذَّابِ - فَإِنَّكَ السَّرَّاءُ يُفَرُّ عَلَيْكَ الْبُعِيدُ وَيُعَذُّ عَلَيْكَ الْقَرِيبُ»؛ و از دوستی با دروغگو بپرهیز، که او به سراب ماند: دور را به تو نزدیک، و نزدیک را دور می‌نمایاند. همان، حکمت ۳۸.

۷- «إِيَّاكَ وَ مُصَادَقَةَ الْفَاجِرِ فَإِنَّهُ يَبِيعُكَ بِالنَّافَةِ»؛ از دوستی با بدکار بپرهیز، که با اندک بهایی تو را می‌فروشد. حکمت ۳۸.

۸- «لَا تَتَّخِذْ عَدُوَّ صَدِيقِكَ صَدِيقًا فَعَدَاؤُ صَدِيقِكَ»؛ دشمن دوست را دوست نگیر، که با این کار، با دوست دشمنی می‌کنی. همان، نامه ۳۱.

۹- «مَنْ لَمْ يُبَالِكْ فَهُوَ عَدُوٌّ»؛ کسی که به فکر تو نیست و به تو اهمیتی نمی‌دهد، او دشمن توست. همان، نامه ۳۱.

۱۰- «رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - لَمَّا قِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ، أَيُّ الْجُلَسَاءِ خَيْرٌ؟ - مَنْ ذَكَرَكُمْ بِاللَّهِ رُؤْيَتْهُ، وَ زَادَكُمْ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ، وَ ذَكَرَكُمْ بِالْآخِرَةِ عَمَلُهُ»؛ پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله- وقتی از ایشان پرسیده شد: ای پیامبر خدا! بهترین همنشین کیست؟ فرمود: آن‌که دیدنش شما را به یاد خدا بیندازد و سخنش بر دانش شما بیفزاید، و رفتارش شما را به یاد قیامت، و دارد به نقل از بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۶ و ۱۸۹.

از رسول خدا روایت شده که فرموده است: «لَا تَجْلِسُوا إِلَى كُلِّ عَالِمٍ، إِلَّا عَالِمٌ يَدْعُوكُمْ مِنَ الْخَمْسِ إِلَى الْخَمْسِ: مِنَ الشُّكِّ إِلَى الْيَقِينِ، وَمِنَ الْكِبَرِ إِلَى التَّوَاضُعِ، وَمِنَ الْعَدَاوَةِ إِلَى النَّصِيحَةِ، وَمِنَ الرِّبَاءِ إِلَى الْإِحْلَاصِ، وَمِنَ الرِّغْبَةِ إِلَى الزُّهْدِ»؛ نشینید مگر نزد هر عالم و دانشمندی که شما را از پنج چیز به پنج چیز دعوت کند: از شک و تردید به یقین، از ریا و خودنمایی به اخلاص، از رغبت به دنیا به ترس از خدا، از تکبر و خود بینی به تواضع و فروتنی و از غش و دغل‌کاری به خیرخواهی، همان.

بنابراین بهترین نصیب انسان همنشین صالح است. پس با اهل خیر و صلاح مجالست کن تا از ایشان شوی و از اهل شر دوری کن تا از ایشان جدا گردی و سوءظن و بدگمانی بر تو غلبه ننماید که میان تو و دوستان گذشته باقی نگذارد، بدطعامی است حرام و ظلم کردن بر ضعیف فاحش‌ترین ظلم‌ها است.

۲.۲.۴.۴ مؤلفه‌های شخصیت مؤمنین

بر اساس مبانی اندیشه‌ی دینی و با مراجعه به قرآن کریم، چهره‌ی انسان دینی و باایمان و انسان غیردینی و بی‌ایمان آشکار می‌گردد. در اینجا با نگاهی به ادبیات قرآن کریم، به چهره‌ی انسان دینی از نگاه قرآن می‌پردازیم.^۱

- پیامبر اسلام و یارانش با هم مهربان و با کفار (دشمنان خدا) شدیدترین برخورد را دارند «مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوَابِهِ لِيُعْجِبَ الزَّرَّاعَ لِيَغْيِظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»^۲؛ محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله، پیامبر خداست و کسانی که با اویند بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند آنان را در رکوع و سجود می‌بینی فضل و خشنودی خدا را خواستارند علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است این صفت ایشان است در تورات و مثل آن‌ها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است.

- بندگان خداوند روش متواضعانه دارند و جواب جاهلان را با سلام می‌دهند «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»^۳؛ و بندگان خدای رحمان، کسانی هستند که روی زمین با آرامش و فروتنی راه می‌روند و هنگامی که افراد نادان آنان را طرف خطاب قرار دهند [و سخنان نابخردانه گویند]، پاسخی نرم و مسالمت آمیز می‌دهند.

۱- فولادی، محمد، سبک زندگی دینی؛ جامعه و انسان دینی، ص ۱۰.

۲- سوره فتح، آیه ۲۹.

۳- سوره فرقان، آیه ۶۳.

- اجابت کنندگان خدا، نماز به پا می‌دارند و کارشان به صورت شورایی است «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»^۱؛ کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند.

- اولی الالباب متفکرانی هستند که در حال خوابیده، نشسته و ایستاده ذکر خدا می‌گویند «إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ، الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ»^۲؛ مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که] پروردگارا این‌ها را بیهوده نیافریده‌ای منزهی تو پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار.

- مؤمنان کسانی هستند که به خدا، ملائکه، کتب و رسولان الهی ایمان کامل دارند «آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا فُرْقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ»^۳؛ این رسول به آنچه خدا بر او نازل کرده ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران خدا ایمان آوردند (و گفتند) ما میان هیچ یک از پیغمبران خدا فرق نگذاریم، (همه یک زبان و یک دل) اظهار کردند که ما (فرمان خدا را) شنیده و اطاعت کردیم، پروردگارا، ما آمرزش تو را خواهیم و (می‌دانیم) بازگشت همه به سوی توست.

- مؤمنان به هنگام یاد خدا، قلبشان تازه و در موقع خواندن قرآن ایمانشان زیاد می‌شود «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ وَآتُمُوا تَسْمَعُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و سرپیچی ننمائید در حالی که (سخنان او را) می‌شنوید!

- آنان که تائب، عابد، حامد، راکع، ساجد، آمر به معروف، ناهی از منکر و حافظ حدود الهی‌اند «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ

۱- سوره شوری، آیه ۳۸.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۹۰-۱۹۱.

۳- سوره بقره، آیه ۲۸۵.

۴- سوره انفال، آیه ۲۰.

الْعَظِيمُ»^۱؛ در حقیقت خدا از مؤمنان جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید و این همان کامیابی بزرگ است.

از آنجایی که خدای متعال در قرآن کریم دو چهره از انسان به تصویر می‌کشد، این دو چهره ناشی از عملکرد این جهانی انسان است. همه‌ی نکوهش‌ها متوجه انسان بی‌ایمان است که از خدا دور و «خدا» و «خود» و «مسیر حقیقت» را گم کرده است. چنین انسانی بدترین جنبنده‌هاست. در عین حال، همین موجود اگر به مبانی دینی ملتزم و پایبند باشد، و در کوره راه‌های زندگی، خود، خدا و مسیر حقیقت را گم نکند، انسانی است که شایسته‌ی جانشینی خداست و برگزیده‌ی اوست و با او در ارتباط مستقیم است؛ زیرا قرآن بروز بسیاری از مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی را بر اثر فراموشی خدا، قانون کلی خلقت و فرایند طبیعی ارتباط خالق و مخلوق دانسته، می‌فرماید: «هرکس از یاد من اعراض و دوری کند، حتماً دچار زندگانی سخت، پردردسر و مشکل خواهد شد»^۲.

۳.۲.۴.۴ موجبات خیر و خوبی در روایات

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: امت من تا زمانی که یکدیگر را دوست بدارند، امانت را (به صاحبش) بازگردانند، از حرام دوری کنند، میهمانان را گرامی بدارند، نماز بگذارند و زکات بپردازند پیوسته در خیر و خوبی خواهند بود.^۳

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: من از سه چیز از امت خود بیم دارم، گردن نهادن به فرمان آزمندی و بخل، پیروی از هوا و هوس و پیشوای گمراه.^۴

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: ترسناک‌ترین چیزها که بعد از خود بر امت می‌ترسم این‌هاست؛ درآمدهای ناروا، شهوت‌های نهفته و ربا.^۵

پیامبر اکرم خطاب به امام علی‌علیه‌السلام فرمود: قومی که پیمان‌شکنی کنند دشمن بر آنان مسلط می‌شود. کسانی که بر خلاف فرمان خدا قضاوت کنند، فقر بر آنان چیره گردد و اگر کارهای زشت را

۱- سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲- سوره طه، آیه ۱۲۴.

۳- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷، (حدیث ۷۴۷).

۴- همان، ص ۲۷۰ (حدیث ۷۶۰).

۵- همان، ص ۲۲۱ (حدیث ۷۶۶).

رواج دهند، مرگ ناگهانی در بین آنان آشکار می‌شود و اگر کم‌فروشی کنند با قحطی روبرو می‌شوند و اگر زکات ندهند به خشکسالی گرفتار آیند.^۱

۱- آیین زندگی، ص ۵۰ به نفل از جامع الصغیر، ج ۲، ص ۵.

نتیجه گیری

اکنون بجاست به عنوان نتیجه ی پژوهش به سؤالاتی که در ابتدای پژوهش مطرح شد پاسخ داده شود:

- مراد از سبک زندگی اسلامی چیست و چه تأثیری در پیشگیری از جرم دارد؟

سبک زندگی اسلامی، شیوه ای از سلوک در زندگی ست که فرد پیرو، با تأکید نظری و عملی بر آموزه های اصیل اسلامی برمیگزیند و در آن می کوشد، کلیات و جزئیات زندگی خود را با این آموزه ها تطبیق دهد که تداوم آن در بعد وسیع و اجتماعی به آفرینش و یا تثبیت فرهنگ اسلامی منجر می شود.

جنبه ی پیشگیرانه ی تعالیم اسلام همواره مؤکدتر از جنبه ی درمانگر آن است و از این روست که عمل کردن به هنگام و به اندازه به این تعالیم حقه، سطح بزه و خلاف آمدن قانون را در جامعه به حداقل ترین میزان کاهش می دهد و اجرایی شدن این سبک زندگی در پوشش قانون های اجتماعی، آرامش جامعه را تضمین می کند.

در پاسخ به این پرسش که آیا در اسلام برای پیشگیری از جرم راهکاری بیان شده است یا خیر باید گفت: آنجا که فطرت پاک انسان ها زنگار می گیرد، گناه متولد می شود و بزه شکل می گیرد و از این روست که برنامه ریزی آموزه های اسلامی بر فطرت انسان هاست. تقویت اندیشه ی توحیدی و خدا باوری در همه ی احوال، که با شاخص هایی چون ایمان به حیات پس از مرگ، جاودانگی روح، اخلاص، ترجیح آخرت بر دنیا، اعتقاد به نبوت و امامت و... مشخص می شود، سطح بزه و جرم را در جامعه تا حد امکان کاهش می دهد.

مفهوم مهجور و اما بسیار ارزشمند امر به معروف و نهی از منکر نیز به عنوان یکی از اصول عملی اسلام، از آن رو که انسان ها را متوجه دوری و نزدیکی عملشان با رضایت خداوند می کند، تأثیری بزرگ بر عملکرد فرد و پاکسازی جامعه از جرم دارد.

تسهیل ازدواج به عنوان سالم ترین روش برای جهت بخشی به قوی ترین قوه ی بشری (قوه ی جنسی) و تعهدی که در اثر این سنت دلپذیر ایجاد می شود، راهکار واحد همه ی ادیان آسمانی و البته اسلام در حوزه ی کنترل غرایز شهوانی و مصون ماندن جامعه از جرائم وارد در این حوزه است.

تشویق و ترغیب به تزکیه ی نفس و توبه ی پیش از فرو افتادن پرده ی گناه (و حتی پس از آن) که راه بازگشت از گناه و جرم را در همه ی اوقات و در تمامی حالات گشوده باقی گذاشته است، امید بندگان را به بخشایش و غفران پروردگار همیشگی می کند و تبیین درست آن، راهکاری بسیار اثربخش در کاهش جرم در جامعه خواهد بود.

و اما اگر بخواهیم در بازدارندگی از جرایم، نهادهایی را دخیل بدانیم، بی شک نمی توانیم از نقش بی بدیل «خانواده» سخن نگوئیم. شالوده ی تربیت هر فرد در خانواده پی ریزی می شود. میزان محبت و

خشونت در خانواده‌ها، میزان آشنایی زوجین به وظایفی که در جایگاه خود در بر عهده دارند، میزان اهتمام والدین به مسائل جنسی فرزندان و مراقبت های والدین از فرزندان در این باره، همه و همه رابطه ای معنادار با میزان ارتکاب جرم در جامعه دارند.

و در نهایت برای آنکه ارزش های اسلامی که هنجارهای اکثریت افراد در یک جامعه دینی محسوب می شوند پاس داشته شوند، قوانین و نهادهای حکومتی می باید که هم سو با وظایف افراد و خانواده ها در جامعه دینی تعریف شوند و عمل کنند و این هم سویی، در واقع پاسخی به چرایی ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در جوامع مسلمان می باشد.

پیشنهادهای پژوهشی: بدون شک تلاش در جهت یافتن راه کارهای اجرایی تأثیر سبک زندگی اسلامی در کاهش و پیشگیری از جرایم، نباید به یک یا چند تحقیق ختم شود. این مفهوم دیرین در قالبی نوین توسط رهبر فرزانه ای انقلاب مطرح شده است تا جامعه را متوجه لزوم از سرگیری فعالیت های جدی و دلسوزانه در این حوزه کند.

سخن از راه کارها و نوآوری ها در جهت اسلامی سازی سبک زندگی بسیار است اما نگارنده در حد بضاعت علمی، به مواردی اشاره می کند که می توانند از یک جهت راهکار و از جهت دیگر پرسش هایی باشند (از نظر چگونگی انجام) تا دستمایه ی کنکاش پژوهشگران بعدی در این موضوع قرار گیرند:

۱- ارائه ی تعریفی واضح و روشن از سبک زندگی اسلامی و تبیین مصادیق و عناوین آن در رسانه های گروهی با پخش آیات قرآن و سخنان پیشوایان دینی و بیان زیان های زندگی غربی و پیامدهای آن.

۲- تسهیل دستیابی به سبک زندگی درست توسط حکومت اسلامی با ترویج فرهنگ اسلام در سطح جامعه و ایجاد تمهیدات لازم برای پیشگیری از جرم در جامعه دینی.

۳- از آنجایی که درصد قابل توجهی از جرایم ناشی از عدم آگاهی افراد از عواقب، کیفر و تبعات جرم در جامعه است، رسانه های داخلی می توانند با تهیه برنامه هایی مستند و همراه با آموزش قوانین به عامه ی مردم و آشنا نمودن آنها به حقوق و تکالیف قانونی، اخلاقی و شرعی خود اقدام به پیشگیری از وقوع جرایم نمایند.

۴- سازمان هایی بوجود آید که کتب و مطبوعات و محصولات سمعی و بصری را در رابطه با آموزش چنین مضامینی به صورت رایگان نشر دهند.

۵- آموزش و پرورش نیز دارای نقایصی است که باید مرتفع شود تا جرایم کاهش یابند.

- ۶- علاوه بر گسترش آموزشگاه‌ها در سراسر کشور، مساجد و هیأت‌ها نیز در ساعتی از هفته یا شبانه روز باید مرکز بحث و تحقیق و مطالعه در رابطه با سبک زندگی اسلامی باشند.
- ۷- سازمان‌دهی و کنترل روابط بین دختران و پسران جوان و حل مشکلات زندگی آن‌ها به خصوص در امر تحصیل و ازدواج.
- ۸- دولت اسلامی موظف است با پرداخت وام بدون بهره و درازمدت، معافیت از پرداخت مالیات و بکارگماشتن مجردهای بیکار و تأمین مسکن آنان به ازدواجشان کمک نماید.
- ۹- تفهیم این مطلب به جوانان که پیشرفت و تکامل جز با حفظ ریشه‌های فرهنگی اسلام و پابندی به ارزش‌های الهی حاصل نمی‌آید.
- ۱۰- کمک به حفظ اعتلای بنیان خانواده‌ها و مقابله‌ی علمی و عملی با پرونده‌های مخرب طلاق.
- ۱۱- تلاش جهت افزایش کارآمدی مجریان قانون و برای اینکه قانون نافذ و مؤثر باشد باید مورد پشتیبانی مردم قرار گیرد تا از آن اثر پذیرند و برای اینکه بتوانند این پشتیبانی را بدست آورند باید قابل اجرا و عادلانه باشد، همه آن را بفهمند و با ارزش‌های جامعه نیز همخوان باشد.
- ۱۲- قوای سه‌گانه باید در جهت کاهش آمار جنایی با یکدیگر همکاری کرده و این امر را با برنامه‌های جامع‌در حوزه‌های ملی و محلی پیگیری کنند.
- پایان سخن این‌که، در هر زمانه‌ای منویات ولی امر مسلمین به اجرا درآمده است نتایج ارزنده‌ای نصیب حکومت اسلامی گردیده است (و این مهم را هرچه بیشتر به اثبات رسانده که پیروی از ولی فقیه آگاه همواره جامعه را پویا و امیدوار نگاه می‌دارد) خصوصاً در پیشگیری از جرایم که امروزه تهدیدی جدی برای جامعه‌ی اسلامی محسوب می‌شود و خوف آن مسئولین را به فکر چاره‌جویی انداخته که در این راستا سازمان‌هایی با این هدف تأسیس کنند، نظیر سازمان پیشگیری از جرم که زیر نظر قوه‌ی قضاییه است.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

* قرآن کریم.

* نهج الفصاحه، مترجم: ابوالقاسم پاینده، چاپ یازدهم، انتشارات جاویدان، تهران، بی تا.

* نهج البلاغه، مترجم: دشتی محمد، چاپ اول، انتشارات اندیشه‌ی ماندگار، قم، ۱۳۸۸.

۱- اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، چاپ شانزدهم، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۵.

۲- اسعدی، حسن، خانواده و حقوق آن، چاپ اول، انتشارات آستان قدس رضوی؛ مشهد، ۱۳۸۷.

۳- امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ سوم، دفتر تبلیغات حوزه‌ی علمیه قم، قم، ۱۳۸۷.

۴- بابایی، محمدعلی، جرم شناسی بالینی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.

۵- بی نام، دستورالعمل زندگی "وصایا و نصایح از معصومین علیهم السلام و بزرگان دین

رضوان الله تعالی علیهم"، چاپ اول، مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران، ۱۳۷۴.

۶- تقوی، حسین، آیین زندگی (اخلاق کاربردی و تربیت اسلامی)، چاپ اول، انتشارات مجیر، قم،

۱۳۹۰.

۷- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، مترجم: محمدعلی انصاری، چاپ ششم،

مؤسسه‌ی انتشاراتی امام عصر (عج)، قم، ۱۳۸۷.

۸- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هجدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران،

۱۳۸۶.

۹- حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، مترجم: علی افراسیابی نهاوندی، چاپ اول، نشر

نهاوندی، قم، ۱۳۸۰.

۱۰- حکیمی، محمدرضا؛ حکیمی، محمد؛ حکیمی، علی، الحیاه، مترجم: احمد آرام، چاپ اول،

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۰.

۱۱- خردمند، محمد، درسنامه پیشگیری از جرم، چاپ اول، انتشارات نورالسجاد، قم، ۱۳۸۹.

۱۲- خمینی، روح الله، شرح چهل حدیث، چاپ اول، مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.

۱۳- _____، شرح چهل حدیث، چاپ سوم، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)،

تهران، ۱۳۷۲.

- ۱۴- _____، صحیفه‌ی امام، بی‌چا، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، تهران، بی‌تا
- ۱۵- دانش، تاج زمان، مجرم کیست جرم شناسی چیست، چاپ یازدهم، شرکت انتشارات کیهان، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۶- دستغیب شیرازی، عبدالحسین، گناهان کبیره، چاپ سوم، نشر حاج محمدضرابی، قم، ۱۳۵۳.
- ۱۷- _____، گناهان کبیره، چاپ هشتم، انتشارات دارالکتاب، قم، ۱۳۶۸.
- ۱۸- راشدی، لطیف، کودک و تربیت اسلامی، چاپ اول، انتشارات قدس، قم، ۱۳۶۹.
- ۱۹- ربانی گلپایگانی، علی، دین و دولت، چاپ سوم، ناشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲۰- رجبی نیا، داوود، اسلام و زیبایی‌های زندگی، چاپ اول، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ۱۳۹۱.
- ۲۱- رسولی محلاتی، هاشم، چهل حدیث، چاپ دوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۶.
- ۲۲- _____، چهل حدیث، چاپ سوم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- ۲۳- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، مترجم: حمیدرضا شیخی، چاپ دوم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، ۱۳۸۵.
- ۲۴- _____، میزان الحکمه، چاپ نهم، سازمان چاپ و نشر دارالحديث، قم، ۱۳۸۷.
- ۲۵- ساروخانی، باقر، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۶.
- ۲۶- شاکرین، حمیدرضا، حکومت دینی، چاپ نهم، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۹.
- ۲۷- شامیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، چاپ چهاردهم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸.
- ۲۸- شریفی، احمدحسین، سبک زندگی اسلامی ایرانی، چاپ اول، انتشارات آفتاب توسعه، تهران، ۱۳۹۲.
- ۲۹- شریفی، احمد حسین و همکاران، همیشه بهار، چاپ اول، دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۹۱.
- ۳۰- صافی گلپایگانی، لطف‌الله، راه اصلاح یا امر به معروف و نهی از منکر، بی‌چا، چاپخانه حکمت، قم، بی‌تا.
- ۳۱- صدری افشار، غلامحسین؛ حکمی، نسرین و نسترن، فرهنگ نامه فارسی واژگان و اعلام، چاپ دوم، مؤسسه‌ی فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۸۹.

- ۳۲- صدیق سروستانی، رحمت الله، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۶.
- ۳۳- صفایی حائری، علی، روابط متکامل زن و مرد، چاپ ششم، ليله القدر، قم، ۱۳۸۳.
- ۳۴- صلاحی، جاوید، درآمدی بر جرم شناسی و بزه دیده شناسی، چاپ اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۸۹.
- ۳۵- طباطبایی، صادق، طلوع ماهواره؛ افول فرهنگ، چاپ پنجم، نشر اطلاعات، تهران، ۱۳۸۸.
- ۳۶- طبرسی، علی‌بن حسن، مشکاه الانوار، مترجم: هوشمند و محمدی، چاپ اول، دارالتقلم، قم، ۱۳۷۹.
- ۳۷- عابدی میانجی، محمد، نقش حکومت در پیشگیری از جرم، چاپ اول، نورالسجاد، قم، ۱۳۸۸.
- ۳۸- _____، وظایف دولت در پیشگیری از جرم در جامعه اسلامی، چاپ اول، نورالسجاد، قم، ۱۳۸۸.
- ۳۹- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، لمعه دمشقیه، مترجم: علی‌رضا فیض و علی مهذب، بی‌چاپ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۶۸.
- ۴۰- عباسی ولدی، محسن، بشقاب‌های سفره‌ی پشت بامان، چاپ نهم، انتشارات جامعه الزهراء، قم، ۱۳۹۳.
- ۴۱- عزیزی، اکبر، پیشگیری از جرایم جنسی، چاپ اول، نشر خرسندی، تهران، ۱۳۹۲.
- ۴۲- علوی گنابادی، جعفر، مهارت تغییر رفتار دیگران در آموزه‌های دینی، چاپ اول، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۹۱.
- ۴۳- عمید، حسن، فرهنگ عمید، چاپ اول، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۴۲.
- ۴۴- عمیدزنجانی، عباسعلی، دانشنامه فقه سیاسی (مشمول بر واژگان فقهی و حقوق عمومی)، چاپ اول، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۹.
- ۴۵- غلامی، علی، از اخلاق حسنه تا امنیت اخلاقی، چاپ اول، نشر دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ۱۳۹۱.
- ۴۶- فاکس، ریچارد، دین، رسانه و مطالعات فرهنگی، مترجم: مرضیه خادمی، نشریه سیاحت غرب، شماره ۱۲۳ و ۱۲۲، ۱۳۹۳.
- ۴۷- فتاحی زاده، فتحیه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ ششم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.

- ۴۸- فرهادیان، رضا، اصول و مبادی تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ اول، دفتر نشر الهادی، قم، ۱۳۷۲.
- ۴۹- فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی- مبانی اصول و روش‌ها از منظر قرآن و حدیث، چاپ اول، انتشارات دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷.
- ۵۰- فیض، علی رضا، مبادی فقه و اصول، چاپ شانزدهم، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
- ۵۱- _____، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، چاپ هشتم، سازمان چاپ و انتشارات، تهران، ۱۳۸۹.
- ۵۲- قرشی، سیدعلی اکبر، قاموس قرآن، چاپ ششم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۲هـ.ق.
- ۵۳- قلی‌زاده، احمد، فرهنگ اصطلاحات اصول فقه، چاپ اول، انتشارات تحسین، قم، ۱۳۹۰.
- ۵۴- کاویانی، محمد، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، چاپ اول، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ۱۳۹۱.
- ۵۵- کلانتری، علی اکبر، اسلام و الگوی مصرف، چاپ ششم، مؤسسه بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۸.
- ۵۶- کورانی، علی، امر به معروف و نهی از منکر، والاترین و گران قدرترین فرضیه اسلامی، بی‌چا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، قم، ۱۳۶۱.
- ۵۷- گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای عمومی ایران، چاپ دهم، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۶.
- ۵۸- لنکرانی، فاضل، سیری کامل در اصول فقه، گردآورنده: محمد دادستان، چاپ دوم، انتشارات فیضیه، قم، ۱۳۸۶.
- ۵۹- مالرب، میشل، انسان و ادیان، مترجم: مهران توکلی، چاپ ششم، نشرنی، تهران، ۱۳۷۹.
- ۶۰- محمودی، عباسعلی، پیشگیری و ریشه‌یابی جرم در اسلام، چاپ اول، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۶۱.
- ۶۱- مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، چاپ چهل و یکم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۸۹.
- ۶۲- _____، مجموعه آثار شهید مطهری ۲۰، چاپ هفتم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۸.
- ۶۳- _____، مسأله‌ی حجاب، چاپ هشتاد و ششم، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۹.
- ۶۴- معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ بیست و پنجم، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۸.
- ۶۵- مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی‌ام، دارالکتب اسلامی، تهران، ۱۳۸۸.

۶۶- مهدوی کنی، محمدسعید، دین و سبک زندگی، چاپ اول، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۸۷.

۶۷- _____، دین و سبک زندگی، چاپ چهاردهم، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ۱۳۹۳.

۶۸- مهیمنی، محمدعلی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، بی‌چا، نشر ثالث، تهران، ۱۳۷۹.

۶۹- میرخلیلی، محمود، پیشگیری وضعی از بزهکاری، چاپ اول، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۸.

۷۰- نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، چاپ بیست و هفتم، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۸۸.

۷۱- _____، زمینه‌ی جرم‌شناسی، چاپ سوم، کتابخانه گنج دانش، تهران، ۱۳۷۷.

۷۲- ولیدی، محمدصالح، حقوق جزای عمومی، چاپ دوازدهم، انتشارات وزارت و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۸۵.

منابع عربی

۱- ابن بابویه صدوق، محمدبن علی، خصال، مصحح: علی اکبر غفاری، چاپ اول، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲.

۲- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمدبن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، انتشارات دارالفکر للطباعة والنشر والتوزيع - دارالصادر، بیروت - لبنان، ۱۴۱۴هـ.ق.

۳- احسائی، ابن ابی جمهور، محمد بن علی، عوالی الثالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، بی‌چا، مطبعه سیدالشهدا، قم، ۱۹۸۳م - ۱۴۰۳هـ.

۴- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، مصحح: مهدی رجایی، چاپ دوم، ناشر دارالکتاب الاسلامی، قم، ۱۴۱۰ق.

۵- جعفر بن محمد علیه السلام مصباح الشریعه، بی‌چا، بی‌جا، ۱۴۸-۸۳ق.

۶- حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، بی‌چا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۲۷هـ، ۲۰۰۷م.

- ۷- _____، وسائل الشیعه، چاپ اول، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
- ۸- خمینی، روح‌الله، کتاب البیع، چاپ اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، بی‌تا.
- ۹- طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن، من لایحضرالفقیه، چاپ دوم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۳هـ.ق.
- ۱۰- عاملی، زین‌الدین بن علی (شهیدثانی)، شرح لمعه، چاپ ششم، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۸۸.
- ۱۱- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، مصحح: علی‌اکبر غفاری؛ محمد آخوندی، چاپ چهارم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ق.
- ۱۲- گیلانی، عبدالرزاق، مصباح الشریعه، مصحح: رضا مرندی، بی‌چا، پیام حق، تهران، ۱۳۷۷.
- ۱۳- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، مصحح: هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۴ق.
- ۱۴- _____، بحارالانوار، بی‌چا، انتشارات مؤسسه‌ی علمی مطبوعات، بیروت- لبنان، ۱۴۲۹هـ - ۲۰۰۸م.

مقالات و پایان‌نامه‌ها

- ۱- الاهی اصل، محمدرضا، راه‌های پیشگیری از وقوع جرم در قرآن کریم، رساله‌ی علمی سطح ۳، حوزه‌ی علمیه قم، ۱۳۹۲.
- ۲- حسینی، عدالت‌الدین، قانون‌گزیزی چالشی بزرگ سبک زندگی و علل وقوع آن در جامعه‌ی ایرانی، نشریه مطالعات اجتماعی و رسانه، شماره دوم، ۱۳۹۲.
- ۳- خسروی، محمدحسین، جرم‌شناسی از منظر امام علی(ع)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۶.
- ۴- ذکایی، محمدسعید، فرهنگ گذار و الزامات آن برای روابط بین‌نسلی، مجله پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره ۲، ۱۳۸۸.
- ۵- شریفی‌نیا، محمدحسین، بررسی اثربخشی درمان یکپارچه توحیدی در کاهش بزهکاری زندانیان، نشریه مطالعات اسلام و روانشناسی، شماره دوم، ۱۳۸۷.
- ۶- صدیقی، حسین، نقش توحید عبادی در سبک زندگی اسلامی، پایان‌نامه سطح ۳، حوزه علمیه قم، ۱۳۹۲.

- ۷- علی پوررجبی، علی، مقایسه کارآمدی نظام دینی و غیردینی در پیشگیری از جرم، رساله علمی سطح ۳، حوزه ی علمیه ی قم، ۱۳۹۱
- ۸- علیخانی، مصطفی؛ عسکری، سعید؛ زکی‌بی، علی؛ «رسانه، محتوا و ادراک مخاطب از جرم»، چشم انداز نوین علمی در بررسی نقش رسانه در پیشگیری از جرم، نشریه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۲۶، ۱۳۹۲.
- ۹- هاشم پور، یوسف، علل بزهکاری و راه های پیشگیری آن در اسلام، رساله سطح چهار حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹.
- ۱۰- هاشمی، حسین، نقدی بر م ۶۳۸ ق.م ۱ در جرم انگاری بر حجاب، مجله مطالعات راهبردی زنان؛ (فصل نامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان)، شماره ۳۷، ۱۳۸۶.

سایت‌ها

- ۱- پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله) در دیدار دانشجویان خراسان شمالی، بیست و سوم مهر ۹۱.
- ۲- پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی (نقش عبادت در سبک زندگی).
- ۳- روزنامه اعتماد ملی، شنبه ۱۳۸۷/۴/۱.
- ۴- سلسله گزارش‌های رویکرد اجتماعی به جامعه ایران، خرداد ۱۳۹۲.
- ۵- فولادی، محمد، سبک زندگی دینی؛ جامعه و انسان دینی، نشریه اینترنتی انسان و جامعه از منظر دین اسلام سال بیست و دوم - شماره ۱۸۶، خرداد ۱۳۹۲.

Abstract

This treatise, titled on "Islamic lifestyle and its relevance in the prevention of crime" is a new Quranic attention with argumentative expression on Islamic lifestyle and that how can it effects on prevention of crimes in society. The aim of this study is achievement to superior solutions to prevention of hidden and unhidden crimes in society. Our studying based on Quran implications and Islamic tradition remained of Ahlolbait (Shia religious leaders); as well as in this treatise has been used of many works in law and legal researches. This Thesis sets in four chapters; First chapter attends to subject background, major and minor questions, assumptions, methods, the concept's terminology. Second chapter is studying on religious culture, components of Islamic lifestyle and its significance, cultural invasion and Iranian cultural lifestyle pathology. Third chapter is studying on sorts of crimed and its constituent elements, types of crimes and punishment, also this chapter has a consideration about the role of ignorance, knowledge, will, neglect, divorce and modesty and veil in commitment criminal actions. Fourth chapter which is final task, survey the relationship between lifestyle and criminal actions, and by documentation to Quranic implications and Islamic tradition try to express deterrent factors of crime, such as enjoining to goods and inhibiting of wrongs, marriage, and live in framework of moral values, and also this chapter peruse the functions of two important institutions (family and government) on crime prevention in personal and social lives.

Keywords: prevention of crime, Islamic lifestyle, enjoining to goods, inhibiting of wrongs, religious culture.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری



دانشکده اصول الدین
USUL AL DEEN COLLEGE
غیر دولتی - غیر انتفاعی

COLLEGE OSUL AL DEEN- QOM

Faculty of Islamic Law and Jurisprudence

MA Thesis

Islamic Life Style and it's Relation with Prevention from Crim

Adviser professor: D.r Mahmood Yousefvand

Student name: Narjes Labkhandeh

year: 2015 Summer